

خلیج فارس در تهدید جنگی دیگر

● همه تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای حل مساله از طریق صلح آمیز با مخالفت آمریکا مواجه است
● دبیر کل سازمان ملل متحد: برای دیپلماسی صلح هنوز هم فرصت از دست نرفته ابیت

نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در خلیج فارس هر لحظه که بیل کلیتون رییس جمهور آمریکا فرمان دهد آماده پورش به عراق هستند. جملات فوق را انتونی زینی فرمانده کل نیروهای نظامی آمریکا در آب‌های خلیج فارس بر زبان آورده است. وی افزود ما هر لحظه آماده‌ایم مانند دفعه قبل بی‌مهابا

عراقی، تهاجم بلاد رنگ با هدف نابودی تمام سیستم‌های رادار و پدافند هوایی، سرکوب بلافاصله گارد ریاست جمهوری و بسپاران تمامی بنادر و تصفیه‌خانه‌های نفتی اقدامات آغازین وزیر دفاع آمریکا برای از سرگیری جنگی مجدد در منطقه خاورمیانه می‌باشد.
دور جدید منازعات عراق و آمریکا که در هفته‌های اخیر بر سر نقش بازرسان ویژه سازمان ملل متحد در عراق آغاز شد در روزهای گذشته ابعادی به خود گرفته است که سایه شوم

خطر به آتش کشیدن منطقه خاور میانه را قوت بخشیده است. همه تلاش‌های دیپلماتیک جامعه بین‌المللی برای پیدا کردن راه حلی سیاسی و صلح آمیز با مخالفت دولت آمریکا مواجه می‌شود. این بار بر خلاف جنگ قبلی خلیج فارس آمریکاییان از جبهه پشتیبانان گسترده‌ای برخوردار نیستند. تنها دولت انگلیس قطعاً در کنار آنهاست. در اروپای غربی دیگران اگر امتیازی هم به آمریکا می‌دهند اما بر اصرارشان بر سیاست و نه جنگ نیز تاکید می‌کنند.
ادامه در صفحه ۲



شورای نگهبان،

سدی که داوطلبان نمایندگی مجلس باید از آن بگذرند

● ابراهیم یزدی و هاشم صباغیان کاندیداهای نهضت آزادی برای انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس هستند
● رسالتی‌ها از دختر خمینی و ولایتی پشتیبانی می‌کنند

مجلس، ۲۲۹ نفر داوطلب شده‌اند. روزنامه اطلاعات بین‌المللی تعداد داوطلبان نمایندگی را به نقل از وزارت کشور ۱۳۴ نفر ذکر کرده است. از روز دوشنبه گذشته با پایان مهلت ثبت نام، رسیدگی به صلاحیت داوطلبان نمایندگی آغاز شده است. پس از اعلام نظر وزارت کشور، یک بار دیگر شورای نگهبان پرسونل یک به یک داوطلبانی را که از سد تحقیقات فرمانداری، اطلاعات و امنیت منطقه و وزارت کشور گذشته‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهد. تنها کسانی می‌توانند در تبلیغات انتخاباتی شرکت کنند که از سوی شورای نگهبان هم تأیید شوند. روزنامه‌های چاپ تهران نوشته‌اند: اگرچه تعداد کرسی‌های خالی مجلس کم است و نمایندگانی که انتخاب شوند از هر جناحی که باشند تأثیر مهمی در ادامه در صفحه ۲

نهضت آزادی ایران روز دوشنبه ۲۰ بهمن با انتشار اطلاعیه‌ای در داخل و خارج از کشور اعلام کرد که در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی شرکت می‌کند.
بر اساس این اطلاعیه، دکتر ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی و مهندس هاشم صباغیان، عضو هیئت رهبری حزب به عنوان نامزدهای نمایندگی مردم تهران در مجلس ثبت نام کرده‌اند.
انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس پنجم قرار است در چهار حوزه انتخابیه تهران، شهر ری، شمیرانات و اسلام‌شهر، اصفهان، سراسر و خمین در روز جمعه ۲۲ اسفند ماه سال جاری برای تعیین ۵ نماینده برگزار شود. حوزه انتخابیه تهران بزرگ دو نماینده، اصفهان، خمین و سراسر هر کدام یک نماینده خواهند داشت. بنا به گزارش روزنامه اخبار برای ۵ کرسی نمایندگی

پیام شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت سالروز حماسه ۱۹ بهمن روز بنیان‌گذاری جنبش فداییان خلق

گسترده باد وحدت عمل دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها برای دموکراسی و عدالت اجتماعی

از ۱۹ بهمن حماسی، از آن روز که در سیاهی بیداد محمدرضاشاهی خروش دلاوران سیاحکل اوج گرفت، ۲۷ سال می‌گذرد. ۲۷ سال است که فداییان خلق در برابر بیداد قد برافراشته‌اند. مبارزان سیاحکل آشکارگران پیکار نهانی شدند که از نخستین سال‌های دهه ۴۰ روند زایش آغاز کرده بود. آن‌ها نام‌گزار روزی شدند که بنیان‌گذاری جنبش فداییان خلق، بنیان‌گذاری سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، نام گرفت. این روز بزرگ بر همه فداییان گرمی باد!
جنبش ما از نخستین روز بر پای خود ایستاده و کوشیده است پیکارگر راه آزادی و بهروزی مردم و آبادی و سرفرازی میهن‌مان ایران باشد. این جنبش نبوده پیکار دیربازی است که در این سرزمین کهن در برابر بیداد و ستم و برای آزادی و داد جریان داشته است. جنبش ما با باور به سوسیالیسم، یعنی جامعه‌ای که در آن آرمان‌های دادخواهانه مردمی نهادینه می‌شوند، ره آغاز کرده و پی‌گیر جنبشی شده است که اینک از پیشینه نزدیک به یک سده پیکار سازمان‌یافته در میهن ما بهره می‌برد. سازمان ما به مثابه پیکارگر خواست‌ها و منافع مردم همواره از باور به نیروی بی‌کران توده‌ها نیرو گرفته است.

امروز ۲۷ سال ما را از آن روزهای دور جدا می‌کند. در این سال‌ها مردم و میهن ما، همه ما، که پاره تن ایرانیم، با گذر از تک‌روزهای شادی، از سال‌های دراز یک استبداد به سال‌های دراز استبدادی دیگر رسیده‌ایم. بیش از سی سال پیش، پیش‌روان جنبش فداییان خلق که بیش‌ترین آنان در جنبش روشنفکری دانشجویی پرورش یافته بودند، بر آن شدند که جنبش آزادی‌خواهانه ما را پی افکنند و چنین کردند. در همه این سال‌ها جنبش دانشجویی در هر کوی‌تاده‌ترین فرصت، پا بر جایی خود در صف مقدم مبارزه متحد در راه پیروزی آزادی بر استبداد را فریاد زده است. برآمد دوباره جنبش دانشجویی در یک سال گذشته گواہ آشکار این پا بر جایی است.

در آخرین سال‌های پیش از انقلاب فداییان خلق دریافتند که کامیابی جنبش آنان برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در گرو برقراری پیوند میان جنبش کارگری و جنبش دانشجویی و روشنفکری است. امروزه نیز تشکلهای کارگری، دانشجویی و روشنفکری مهم‌ترین پایه‌های پیکار علیه استبداد و در راه این آساج‌ها هستند. کارگران، دانشجویان و فرهنگ‌سازان کشور هم‌چنان سنگربانان اصلی مبارزه مردم علیه ستم و استبدادند. سهم زنان مبارز در این پیکارها بانسل دیروز اصلاً قابل مقایسه نیست.

ما فداییان خلق بیست و هفتمین سال‌گرد بنیان‌گذاری سازمان خود را در شرایطی بس حساس جشن می‌گیریم. در بیست و هفتمین سال زندگی سازمان، روی دادهای بسیار مهمی در کشور ما رخ داده است. بی‌گمان از بزرگ‌ترین این ادامه در صفحه ۸

اعلامیه مشترک ۵۵ انجمن دمکراتیک در اعتراض به برگزاری کنفرانس منطقه‌ای حقوق بشر در تهران

در یک اقدام بی‌سابقه‌ای ۵۵ انجمن سیاسی، فرهنگی در کشورهای مختلف اروپا در نامه مشترکی به ریاست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به برگزاری کنفرانس منطقه‌ای حقوق بشر سازمان ملل در تهران اعتراض نمودند. در این نامه آمده است:
به رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد
عالی‌جناب!
ما انجمن‌های امضاکننده زیر با توجه به این واقعیت که حقوق بشر و ابتدایی‌ترین حقوق سیاسی و مدنی در ایران اسلامی همواره لگدمال می‌شود، بر آن شدیم تا با ارسال این نامه

در نهمین سالگرد صدور فرمان قتل سلمان رشدی تنش میان تهران و لندن بالا گرفت

۹ سال پیش در روز ۲۵ بهمن سال ۶۸، خمینی فتوای قتل سلمان رشدی نویسنده بریتانیایی هندی تبار کتاب «آیات شیطانی» را صادر کرد. خمینی در فتوای خود نوشت: «به اطلاع مسلمانان سراسر جهان می‌رسانم مولف کتاب آیات شیطانی و ناشران آن محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان می‌خواهم آنان را اعدام کنند. کسی اگر در راه اجرای این فرمان کشته شود، شهید است.»
از زمان صدور فرمان خمینی تاکنون، عدم موافقت جمهوری اسلامی با لغو این فتوا عامل تنش در مناسبات بریتانیا و اتحادیه اروپا با ایران بوده است. تاکنون جناح تندرو بنا به مصلحت خود اجرای فرمان خمینی تاکید داشت ولی دولت تلاش می‌کرد

که افکار عمومی را به عدم اجرای آن متقاعد سازد. امسال به جز خاتمی که تا به حال سخنی نگفته است، سایر مقامات جمهوری اسلامی موضع تندتری پیش گرفته‌اند و آشکارا از اعدام رشدی سخن می‌گویند. در فاصله چند روز، مقتدایی دادستان کل کشور، انامی کاشانی عضو فقهای شورای نگهبان و امام جمعه موقت تهران، آیت‌الله صائنی سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد، ناطق نوری رئیس مجلس و شماری از روزنامه‌ها بر اعدام رشدی و غیرقابل لغو بودن فتوای قتل وی از سوی خمینی تاکید کرده‌اند. سپاه پاسداران با صدور بیانیه رسمی اعلام کرده است که «رشدی مرتد باید به سزای اعمال خود برسد.»
ادامه در صفحه ۲

جشن بیست و هفتمین سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فداییان خلق ایران

سخنرانی اعضای شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت):

- بهروز خلیق.....دیدگاه‌ها و آماج‌های ما
- فرخ نگهدار.....چگونه می‌توان هم دموکرات و هم سوسیالیست بود
- فریدون احمدی.....برنامه سیاسی ما «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی»
- بهراد کریمی.....اوضاع کنونی و سیاست‌های ما
- ف. تابان.....برای فعالیت آزادانه در کشور

سخنرانان میهمان:

- ابوبکر کریمی.....حزب دموکرات کردستان ایران
- اکبر رحیمی.....حزب توده ایران
- حسین علوی.....حزب توده ایران (پلاتفرم دموکراتیک)
- فرهاد فرجاد.....حزب دموکراتیک مردم ایران
- کمال ارس.....جمهوری خواهان ملی ایران

برای ایجاد یک جبهه و وسیع دانشجویی!

● دانشجویان به هدف واحد و تشکیلات گسترده نیاز دارند

اعتراضات دانشجویی چند ماهه اخیر، دانشجویان را تا سطح نیروهای قابل توجه ضد استبدادی در کشور بالا کشیده است و به مبارزات و مطالبات دانشجویان پیش از پیش خصلتی سیاسی و دموکراتیک بخشیده است. اصرار بر این که مبارزات دانشجویان «سیاسی» نیست، هیچ تغییری در این واقعیت به وجود نمی آورد. مگر در ایران امروز می توان مبارز بود و سیاسی نبود و مگر خواسته‌هایی نظیر کوتاه شدن دست باندهای حزب الله از دانشگاه‌ها، خواسته‌های به شدت سیاسی نیست؟ برخورد‌های متعدد بین دانشجویان با باندهای سیاه و اوباش مناجم به دانشگاه‌ها، مقاومت و ایستادگی دانشجویان در برابر انصار حزب الله و باندهای مشابه آن، خواسته‌های دانشجویان برای برخوردار شدن از حق فعالیت‌های سیاسی و دانشجویی در دانشگاه‌ها، دانشجویان را با صراحت بیشتری در برابر استبداد قرار داده است.

سرعت تحولاتی که در جامعه ما جریان دارد، وضعیت دانشگاه‌ها را نیز دگرگون کرده است. نیروهایی که تا چندی پیش در برابر دانشجویان قرار داشتند و عامل و پاسدار استبداد در دانشگاه‌ها به شمار می آمدند، اکنون خود در ردیف مدافعین آزادی‌های سیاسی در دانشگاه‌ها درآمدند و نیروی مهمی را در برابر یورش استبداد و حزب الله به دانشگاه تشکیل می دهند. آنان به دلیل وابستگی به جناح تحول طلب جمهوری اسلامی امکانات زیادی برای ایجاد و تشدید حرکت‌های دانشجویی و مقابله با ارتجاع دارند و از سوی دیگر به دلیل همین وابستگی‌ها، محدودیت‌های معینی را در برابر خواسته‌ها و مبارزات دانشجویان پدید می آورند.

با توجه به هم‌صدایی که اکنون بین توده دانشجویان و بخش مهمی از دانشجویان مذهبی طرف‌دار رژیم پدید آمده است، زمینه‌های ایجاد یک جبهه وسیع دانشجویی فراهم می آید، چنین جبهه‌ای نمی تواند با نادیده گرفتن نیروهای اسلامی مخالف استبداد مطلقه که به طور عمده در انجمن‌های اسلامی وابسته به دفتر تحکیم وحدت گرد آمده‌اند پدید آید و در عین حال نمی تواند در چارچوب خواسته‌ها و مطالبات این نیرو باقی بماند و صراحت و شفافیت ضد استبدادی و مستقل خود را نیز حفظ کند. جنبش دانشجویی ایران سابقه‌ای طولانی در دفاع از حقوق دانشجویی و تجربه‌ای غنی در مبارزه علیه استبداد و دیکتاتوری دارد که اکنون در آغاز دوران جدیدی از جنبش دانشجویی، باید به درستی از این تجربیات استفاده کرد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبش دانشجویی ایران استقلال آن از مرکز قدرت و دولت و حکومت بوده و یکی از مهمترین ضعف‌های آن عدم توجه کافی به ایجاد تشکیلات مستقل دانشجویی بوده است. آن ویژگی مثبت را باید حفظ کرد و بر آن ضعف بزرگ نیز البته می توان و باید غلبه کرد.

معنا و مفهوم استقلال جنبش دانشجویی در آن است که مطالبات و منافع دانشجویان و جنبش دموکراسی را تابع مصالح هیچ گروه و جناحی از حکومت و قدرت نکند و برای تحقق خواسته‌های جنبش دانشجویی و دموکراتیک کشور جز به منافع واقعی دانشجویان و توده‌های مردم متعبد نباشد. در این شرایط که بخش مهمی از وابستگان یک جناح از حکومت در جنبش دانشجویی شرکت فعال دارند، این خطر پدید می آید که مصالح جناح‌های حکومتی و منافع آنان در حفظ قدرت و یا در مبارزه با سایر جناح‌های حکومتی، جنبش دانشجویی را از مسیر سالم خود دور کند. حتی اگر وابستگان به انجمن‌های اسلامی و جناح‌های مذهبی نیز همان‌گونه که اخیراً اعلام کرده‌اند، توانایی جنبش دانشجویی را می خواهند، باید از وابسته کردن آن به مصالح حکومت و جناح‌های آن جدا خودداری کنند. استقلال جنبش دانشجویی به معنای بی‌تفاوتی آن در برابر دولت و حکومت و اختلافات درون حکومت نیست، دانشجویان در مبارزه عمومی مردم علیه ولایت فقیه و استبداد و شرکتی فعال دارند. هدف جنبش دانشجویی ایران نمی تواند از هدف عمومی مردم ایران جدا باشد و در حالی که مردم به زبان‌های مختلف خواست خود برای برچیدن ولایت فقیه را اعلام می دارند، فقط به مبارزه برای تحقق خواسته‌های رفاهی خود مشغول باشند. دانشجویان پیش‌تاز مبارزه با استبداد بوده‌اند و پیش‌تاز این مبارزه خواهند ماند و در این مبارزه به همان اندازه که دولت آقای خاتمی با خواسته‌های مردم همراه باشد، از آن در برابر ارتجاع دفاع و حمایت خواهند کرد.

اکنون در جامعه ما شرایطی پدید آمده است که می توان چشم‌انداز مغیثی برای ایجاد تشکیلات مستقل دانشجویی در نظر گرفت. این چشم انداز مثبت البته وابسته به تحولاتی است که در جامعه جریان دارد و مبارزات خود دانشجویان در پیدایش این گونه تشکیلات نقش بسیار مهم و کارساز دارد. نشانه‌های توجه به این خواسته اکنون در میان دانشجویان دیده می شود و آنان ایجاد تشکیلات‌های صنفی و شوراهای مستقل دانشجویی را درخواست می کنند. نهایت این خواسته‌ها ایجاد اتحادیه‌های سراسری دانشجویان است که بتوانند دانشجویان را در جهت تحقق خواسته‌های خود یاری دهد و رهبری کند. اتحادیه‌های دانشجویی با هدف دفاع از مطالبات صنفی و رفاهی دانشجویان، مبارزه با استبداد و برای برقراری آزادی‌های سیاسی در دانشگاه‌ها و در سراسر کشور خواسته‌های عمومی است که تقریباً همه دانشجویان می توانند با آن‌ها موافق باشند و نیروی تحقق آن‌ها محسوب شوند.

مبارزه برای تشکیل اتحادیه‌های دانشجویی، مبارزه برای بسیج همه نیروهای دانشجویی در جهت نیاز مبرم جامعه ما یعنی ایجاد نیروی لازم برای برچیدن بساط استبداد و استقرار آزادی‌های سیاسی در کشور است. دانشجویان همراه با دیگر روشنفکران و در کنار کارگران ستون‌های استوار این مبارزه هستند. این ستون‌ها را تنها وقتی می توان برپا کرد و بر آنان متکی شد که هدف و تشکیلات واحدی وجود داشته باشد. هدف روشن است: مبارزه با استبداد و برچیدن بساط خامنه‌ای و جناح ارتجاعی وابسته به او. دانشجویان هر چه بیشتری را باید حول این هدف گرد آورد و برای پیش‌برد این هدف باید تشکیلات مناسب آن را نیز فراهم نمود.

● آیت‌الله بهجت و صنعتی خواستار رفع محدودیت از خانه منتظری شدند.

خامنه‌ای و طرفداران ولایت فقیه هم‌چنان در تلاش‌اند حکومت ولایت فقیه را که مردم از آن به تنگ آمده‌اند، مقبول و معتبر حفظ کنند. تلاش عیسی که در هر گام با ناکامی ولی فقیه همراه است. اجلاس اخیر مجلس خبرگان و اقدام طرفداران خامنه‌ای برای عملی ساختن طرح‌های خود در حوزه‌های علوم دینی از آن تلاش‌هایی بود که به سنگ خورد. هدف طرفداران خامنه‌ای در مجلس خبرگان آن بود که مرجعیت و رهبری را که بعد از هرگ خمینی در قانون اساسی از هم جدا شدند، دوباره قانونی و یکی سازند و با اتکا به رای اعضای مجلس خبرگان آیت‌الله منتظری، آذر قمی و سایر مخالفان خامنه‌ای را بیشتر تحت فشار و محدودیت قرار دهند.

شورای نگهبان، سدی که داوطلبان نمایندگی مجلس باید از آن بگذرند

ادامه از صفحه اول

سیاسی می‌کنند تا بتوانند با ورود یک‌چیزه متفرد سیاسی، جناح خود را در مجلس استحکام بخشند. به همین دلیل جناح‌های سیاسی تلاش می‌کنند مردان قدرتمند سیاسی خود را به عنوان نامزد وارد صحنه انتخابات کنند».

مجمع روحانیون مبارز به رهبری مهدی کروبی، فاطمه کربوبی را به عنوان کاندید انتخاب کرده است. در جلسه‌ای که برای انتخاب وی به عنوان نامزد نمایندگی از تهران برگزار شد، اعضای مهم مجمع از جمله خاتمی، رئیس جمهور، موسوی خوینی‌ها، مدیر مسئول روزنامه سلام، مهدی کروبی، توسلی، عضو پیشین مجمع تشخیص مصلحت و ... شرکت داشتند. بنا به گفته فاطمه کربوبی جمعیت زنان جمهوری اسلامی نیز تصمیم گرفته است از وی حمایت کند. بهزاد نبوی، کاندیدای دیگر طرف‌داران خاتمی است. جناح مقابل خاتمی یعنی جامعه

در نهمین سالگرد صدور فرمان قتل ...

ادامه از صفحه اول

واکنش به حمایت دولت بریتانیا از سلمان رشدی، در مقاله‌ای تهدیدآمیز نوشت: «دولت انگلیس با آتش بازی می‌کند». محمود محمدی سخنگوی وزارت امور خارجه نیز دیدارهای مقامات بریتانیا با رشدی را بی‌نتیجه خواند و اعلام کرد این اقدامات احساسات مسلمانان را بیشتر جریحه‌دار می‌سازد.

ده ماه پیش، در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، لاریجانی از طرف ناطق نوری به مقامات انگلیس درباره لغو حکم رشدی وعده مساعد داده بود. با شکست ناطق نوری در انتخابات، رسالتی‌ها ورق بازی با فتوای قتل رشدی را برای خود محفوظ نگه داشتند.

اعلامیه مشترک ۵۵ انجمن دموکراتیک

ادامه از صفحه اول

اسلامی را تا تحقق آزادی فوری و بی‌قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی و لغو کلیه احکام اعدام، سنگسار، قطع عضو، شلاقزنی و نیز تروور مخالفین زیر فشار قرار دهید. این نامه را انجمن‌های سیاسی و فرهنگی ایرانیان در کشورهای اتریش، استرالیا، بلژیک، دانمارک، سوئد، سوئیس، فرانسه، نروژ و آلمان امضا کرده‌اند.

با اشتراک «کار» به جنبش دموکراسی در ایران یاری رسانید

در اجلاس خبرگان رهبری تیر طرفداران خامنه‌ای به سنگ خورد

روحانیون بانفوذ حوزه علمیه هستند، خواستار رفع محدودیت از دفتر و منزل آیت‌الله منتظری شدند. در پی این دیدار ارتباط تلفنی منزل آذری قمی که پس از حمله مأموران امنیتی قطع شده بود، از نو برقرار گردید.

اعضای مجلس خبرگان پس از برگزاری اجلاس نوبتی خود، در تهران با خامنه‌ای دیدار کردند. در این دیدار خامنه‌ای ولایت فقیه را از آن‌ها اصلی نظام حکومتی اسلام خواند و تاکید کرد «هر کسی دغدغه مردم را دارد باید کاری کند که مردم به ایمان، تبعیت و اطاعت قلبی کشانده شوند». خامنه‌ای در پایان سخنان خود به موضوع آمریکا پرداخت و گفت: «مذاکره سیاسی با آمریکا برای سیاست، فرهنگ، روحیه مردم و عمق استراتژیک نظام در خارج از کشور مضر است و برای تداوم این راه ضرر دارد».

مربوط به رهبری و حدود و اختیارات اوست.

برخی از ناظران سیاسی معتقدند که تغییر محل اجلاس از قم به مشهد نشانه شدت انزوای خامنه‌ای و طرفداران ولایت مطلقه فقیه در قم و اصطنان است. بنا به گزارش‌های منتشر شده، خامنه‌ای در قم در میان روحانیون چنان منزوی است که بعد از سخنرانی منتظری علیه وی، آیت‌الله یزدی رئیس قوه قضاییه ناچار شد برای یورش به دفتر و محل اقامت منتظری «طلبه» وارد قم کند.

روز دوشنبه ۱۲ بهمن، همزمان با برگزاری اجلاس خبرگان در مشهد، امام جمارانی مشاور خاتمی و سرپرست کمیته ارتباط با روحانیون به قم رفت و با اعضای مهم حوزه علمیه دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار آیت‌الله صافی و آیت‌الله بهجت که از روحانیت مبارز، هیئت مولفه و گروه‌های همسو که پشتیبان ولی فقیه هستند، مریم بهروری، زهرا مصطفوی، دختر خمینی و علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه دولت رفسنجانی را که هم‌اکنون مشاور خامنه‌ای است، کاندیدای نمایندگی معرفی کرده‌اند.

هادی غفاری و محتمسی وزیر سابق کشور که از خاتمی حمایت می‌کنند، در انتخابات به عنوان کاندیداهای منفرد شرکت می‌کنند.

در اصطنان که یکی از کانون‌های درگیری سیاسی جناح‌ها است، آیت‌الله طاهری، امام جمعه شیر، که صراحتاً مخالف خامنه‌ای و ناطق نوری است، از صلواتی و فروعی نامزدهای ائتلاف خط امام پشتیبانی می‌کند. کاندیداهای شکست‌خورده‌گان در انتخابات ریاست جمهوری، مرندی و شریف خانی هستند. کامران و رزم‌جو به عنوان نامزدهای منفرد در انتخابات شرکت می‌کنند. یک سال پیش شورای نگهبان آرای کامران را که بیشتر از علی اکبر پرورش، از چهره‌های هیئت مولفه بود، باطل کرد. در این دوره از انتخابات نیز مانند دوره‌های پیشین، بخشی از مبارزه طرف‌داران خاتمی، متوجه خشی کردن

تا کیدمهاجرانی بر ضرورت ممیزی

ایمن اولین‌بار است که مهاجرانی چنین با صراحت از ضرورت وجود سانسور دفاع می‌کند. پس از اینکه مهاجرانی در مسئولیت وزارت ارشاد قرار گرفت، سانسور و ممیزی در عرصه‌های مختلف تولید فرهنگی، هنری نسبت به زمان وزارت میرلیم تخفیف یافت، اما در شکل دیگری همچنان باقی ماند و در عمل جاری بود. بطور مثال در عرصه تئاتر، اعلام شد که دیگر لزومی به تأیید نمایشنامه‌ها توسط وزارت ارشاد نیست اما قبل از اجرا، نمایشنامه‌ها باید مجوز نمایش بگیرند در نتیجه هم در عمل کارگردان به خودسانسوری مجبور می‌شود و هم کل نمایش ممیزی شده و یا احتمالاً ... صدور مجوز اجرا مواجه می‌شود.

سپاس!

کسارکنان نشریه کار از همه دوستان و خوانندگانی که با ارسال پیام‌های امیدبخش، نوزدهم بهمن سالگرد بنیان‌گذاری جنبش فداییان خلق را به ما شادباش گفته‌اند، تشکر می‌کند ما نیز به نوبه خود این روز بزرگ را به همه فداییان خلق و خوانندگان نشریه کار شادباش می‌گوییم و با عزمی بیشتر، دست در دست هم در راه سربلندی جنبش و سازمان خود گام برمی‌داریم

خلیج فارس در تهدید جنگی دیگر



ادامه از صفحه اول

کوشش های جامعه بین‌المللی برای مقابله با سیاست جنگی و نظامی که از سوی دژل و هیئت‌های نمایندگی مختلف پس از مذاکره با دولت صدام حسین به آمریکا بیان ارائه داده می‌شود به بیان‌های مختلف از سوی انسان مسورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. سیاست دولت آمریکادر این روزها جنگ، جنگ تا پیروزی است. روزی که رئیس سازمان ملل متحد گفت: زمان برای راه حل دیپلماتیک هنوز به مقدار کافی وجود دارد و چینی‌ها تهاجم نظامی را خطری برای کل منطقه خاورمیانه خواندند، یلینسین از خطر جنگ سوم جهانی سخن به میان آورد. حسنی مبارک رئیس جمهور مصر بر تلاش‌های دیپلماتیک اصرار ورزید، دولت ایران ضمن موظف دانستن عراق به اجرای تصمیم سازمان ملل متحد مخالفت خود را با تهاجم نظامی بیان کرد. فقط دولت آمریکا همچنان وقت را تنگ دید و سیاستی به غیر از تسلیم کامل صدام حسین و راه حل نظامی با ابعادی که حتی بنا به اظهارات برخی دست اندرکاران دولت آمریکا ناشناخته‌اند،

را مفید خواند. پس از سفر بلندپایه‌ترین کارمند وزارت امور خارجه فرانسه به عراق و مذاکرات این مقام با مسئولان دولت عراق راه حلی به جهانیان ارائه داده شد که احتمال پیدا کردن راه حل سیاسی را قوت می‌بخشید. بر حسب این طرح می‌بایست سازمان ملل متحد یک کمیته ویژه را برای مدت زمانی محدود برای کنترل سلاح‌های عراق به کار گمارد. قرار بود این کمیته از ۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل و ۲۱ کشوری که در کمیسیون ویژه سازمان ملل برای خلع سلاح و کنترل عراقی‌ها حضور دارند، تشکیل شود و بازرسان این کمیته در یک فرصت دوماهه تمام مکان‌هایی که احتمال نگاه‌داشتن سلاح در آنها وجود دارد را بازرسی کنند. این پیشنهاد بلافاصله از سوی کلیتتون رئیس جمهور آمریکا و تونی بلیر وزیر انگلیس رد شد. کلیتتون بر اصرار قبلی خود مبنی بر کنترل همه چیز در عراق تاکید کرد. ناظران بین‌المللی آخرین امکان برای توقف ماشین جنگی آمریکا را در سفر کوفی عنان به عراق جستجو

افشای رابطه «صدام حسین» با «آن زن: مونیکا لوینسکی»

صحنه گردان معرکه گردد.

اماروند به سود آنان نیست. مقایسه‌ای میان بحران ۹۱-۹۰ و بحران ۹۵ و بحران فعلی نشان می‌دهد که در ارتجاعی‌ترین محافل نظامی‌گرای سرمایه‌داری که متشجع جلوه‌دادن منطقه از یک‌رو و تحت‌الشعاع و در سایه قرار دادن مساله اعراب و اسرائیل در پرتو آن از سوی دیگر را هدف سیاست منطقه‌ای خود قرار داده‌اند، طی این دوره بی‌بهران هر بار بخشی از متحدین خود را از دست داده‌اند. در بحران کنونی عربستان و مصر برای اول‌بار با صراحت و قاطعیت با هر نوع حمله نظامی به عراق مخالفت کرده‌اند. دولت‌های ترکیه و عربستان اعلام کرده‌اند دولت آمریکا انتظار هیچ‌گونه یاری از جانب آنها را به هنگام حمله به عراق از قبل منتفی بدانند. روسیه گفته است حمله نظامی به بغداد ممکن است به درگیری جنگ سوم جهانی بیانجامد و لذا آن دولت چنین حمله‌ای را در شورای امنیت وتو می‌کند. دولت فرانسه نیز موضعی مشابه داشته است. چین از ابتدا نیز با مداخله نظامی مخالف بوده است. تنها دولت‌های انگلوساکسون (یعنی آمریکا - انگلیس - کانادا و استرالیا) رسماً از سیاست آمریکا و اقدام نظامی پشتیبانی کرده‌اند. آلمان نیز موضعی استثنایی داشته و اعلام کرده است در صورت وقوع جنگ از غرب حمایت خواهد کرد.

تحلیل روند تحول اوضاع از سال‌های بعد از جنگ ایران و عراق تا امروز حاکی از آن است که در سه دوره حدت‌بخشی به بحران در مناسبات آمریکا و عراق هر بار زمین و امکانات برای تبدیل این بحران به یک بحران وسیع منطقه‌ای کاهش یافته است. دولت آمریکا امروز با دشواری‌های افزون‌تری باید در دنیا برای سازماندهی حمله نظامی به دنبال «متحد» بگردد. برای آمریکا امروز دیگر ساده است که افکار عمومی را به همان سهولت ۸ سال پیش برای حمله به عراق و وخیم جلوه دادن اوضاع امنیتی در منطقه آماده سازد. راست این است که نیروی راست‌گرای مهاجم چه در منطقه و چه در آمریکا طی سال‌های اخیر بخش معینی از نیروی تعرضی خود را از دست داده است. تعرضی هم اگر صورت گیرد مثل سال ۹۱-۹۰ با پشتیبانی بزرگ همراهِ نخواهد بود.

دنیا باید به کدام موضوع بپردازد. آن‌تن‌های ماهواره‌ها در سراسر دنیا در هر ۲۴ ساعت در ۱۴ روز گذشته مشغول بلعیدن خبرهایی بودند که «لحظه به لحظه» پیرامون ماجرای صدام حسین با بیل کلیتون و ماجرای «آن زن، مونیکا لوینسکی» با بیل کلیتون گزارش می‌داد. چهار ستون کاخ سفید زیر بمباران قدرتمندترین محافل مسلط بر رسانه‌های خبری دنیا بر سر آنچه که «رسوایی جنسی» نامیده می‌شد به لرزه افتاده و رئیس جمهور قدرتمندترین کشور دنیا می‌رفت که در غرقاب ساخته شده از داستانی که تنها مرتجع‌ترین حکومت‌ها آن را امری غیرشخصی تلقی می‌کنند، به سادگی به زیر کشیده شود. همه ماجرا ظاهراً این بود که گویا کلیتون با دختری ۲۳ ساله به نام مونیکا لوینسکی عشق‌بازی کرده و به او سفارش کرده است که در این رابطه چیزی به کسی نگوید. خبرنگاران حتی در مصاحبه مطبوعاتی عرفات و کلیتون هم فرصت را از دست ندادند. سوال همه «خبرنگاران» در حضور عرفات از کلیتون همه به ماجرای کذایی «با آن زن» و پی‌آمدهایش مربوط بود و فلسطین و صلح خاورمیانه یک جا به سایه کشیده شد. باز هم همان سلاطین خبری، بزاز صدام را در بوق کرده بودند که گویا وی با ریچارد باتلر، رئیس هیئت بازرسان سازمان ملل که سامور بازرسی از تاسیسات نظامی عراق هستند رادنی‌آید و حاضر نیست به وی اجازه دهد ساختمان‌های کاخ ریاست جمهوری در بغداد را بازرسی کند. مضمون صدحا تفسیر و مصاحبه و خبر طی دو هفته اخیر این بود که نشان داده شود که اگر صدام اجازه ندهد آقای باتلر کاخ وی را بازرسی کند، آمریکا مجبور است این «تهدید صدام علیه صلح جهان» را با حمله نظامی به عراق پاسخ گوید.

دنیا باید به کدام موضوع بپردازد. اما بر هیچ یک از صفحات تلویزیون‌های دنیا کسی از ارتباط این قضایا با یکدیگر و ربط آن با سرنوشت بحران در مناسبات تانیاها و عرفات و معوق ماندن اجرای توافق‌نامه‌های صلح اسلو سخنی به میان نیاورد. مادلن اکبرایت از سفر خاورمیانه دیدار با آن دو بی‌نتیجه برگشت و این‌طور گفته شد که گویا چون در منشور ساف هنوز فلان عبارت رسماً معلق نشده، و یا چون ساف آن‌طور که اسرائیل انتظار دارد با «سروریت‌ها» مقابله نمی‌کند لذا پیش‌رفت روند صلح متوقف شده و اسرائیل «مجبور شده است» قرارداد اسلو را معوق بگذارد. در این رابطه فوراً اجلاس شورای ملی فلسطینی فراخوانده شد و ماده مربوط به براندازی اسرائیل رسماً نیز از اساننامه ساف حذف شد. در عین حال عرفات بار دیگر متذکر شد که امنیت اسرائیل را قبل از همه پیشرفت روند صلح تضمین می‌کند. به علاوه خود دولت اسرائیل - علیرغم تمام خشونت خود - در مهار اقدامات خشونت‌آمیز بسیار از ساف ناموفق‌تر بوده است.

از سوی دیگر مطبوعات اسرائیلی نوشتند که یهودی بودن مونیکا لوینسکی و نقش «لایبی یهودی» در علم‌کردن موضوع برای تحت فشار قراردادن کاخ سفید به حمایت دولت از نتانیاها، نظر دولت اسرائیل نسبت به آمریکا را تغییر نداده و اسرائیل هم‌چنان دولت آمریکا را نزدیک‌ترین متحد خود قلمداد می‌کند. جالب توجه است که سلاطین رسانه‌های دنیا گوش و چشم میلیون‌ها شنونده و بیننده را در اقصی نقاط دنیا با مهارت چنان سمت دادند که تصور کنند موضوع واقعی دعوا و مهمترین مساله‌ی روز این است که آیا اولاً واقعاً کلیتون «با آن

باز می‌گردند. دولت عراق از بازرسی کاخ‌های ریاست جمهوری که گمان می‌رود در آن‌ها سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک تولید می‌شود، خودداری ورزید. ۱۷ ژانویه ۱۹۹۸: التیماتوم صدام حسین برای برچیدن محاصره اقتصادی، وی مردم را به «چهاد» علیه آمریکا فراخواند. ۲۱ ژانویه: ریچارد باتلر گروه بازرسان سازمان ملل عراق را ترک کرد. ۲۹ ژانویه: مادلین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا اعلام نمود: در صورت عدم توافق کشورهای متفقین آمریکا به تنهایی ضربه نظامی به عراق وارد خواهد ساخت. ۲ فوریه ۱۹۹۸: نیروهای آمریکا در خلیج فارس به ۲۸۰۰ نفر رسید.

مادریایی از این‌گونه را کم نداشتیم و نداریم. همه این صادرها شایان تقدیرهای بسیار و احترام فراوان هستند. آنها درد و مرارت سازمان را بدوش کشیده‌اند. آنها جگرگوشگان خود را تقدیم جنبش کرده‌اند. آنها از جان و قلب و زندگی خود مایه گذاشته‌اند. ما در برابر همه آنان، چه آنها که با ما وداع گفته‌اند و چه آنها که هنوز هم یار و یاور پشتیبان ما هستند، سر به احترام فرود می‌آوریم. اکنون که دیگر «دایه‌امامی» ما را ترک گفته است به پاس بزرگی‌ها و نیکی‌هایش، یاد عزیز او را گرامی می‌داریم و آندوه رفیق هوشیار امامی و دیگر فرزندان این مادر مهربان را آندوه همه خود می‌دانیم و خود را شریک این آندوه مشترک می‌شناسیم.

گاهشمار بحران

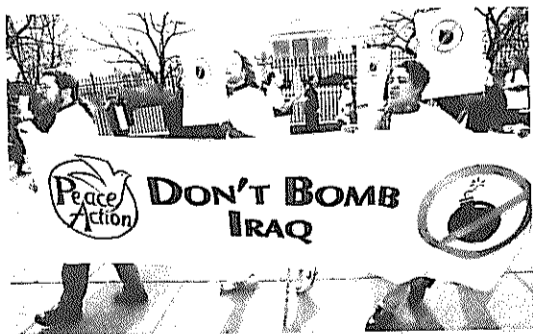
۱۱ آوریل ۱۹۹۱: با قبول قطعنامه ۶۸۷ سازمان ملل از سوی عراق و تعهد سپردن نسبت به کنترل سلاح‌های کشتار جمعی جنگ خلیج پایان یافت و اعلام آتش‌بس گردید. اکتبر ۱۹۹۲: برای اولین بار ماموران عراقی جلوی کار بازرسان سازمان ملل را گرفتند. ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳: حمله هوایی به موشک‌اندازهای عراقی در منطقه ممنوع پرواز. اکتبر ۱۹۹۴: اعزام ۶۴۰۰۰ سرباز عراقی به سوی سرزمین کویت. صدام حسین خواستار برچیدن محاصره اقتصادی از سوی سازمان ملل گردید. روز دهم نوامبر همان سال عراق مرزهای بین‌المللی کویت را به رسمیت شناخت. ۹ دسامبر ۱۹۹۶: سازمان ملل به عراق اجازه فروش نفت و در مقابل خرید مواد غذایی و دارویی داد. ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۷: عراق اعلام نمود از بازرسی همه مراکز تحقیقاتی توسط مأمورین سازمان ملل جلوگیری بعمل خواهد آورد. ۱۷ اکتبر ۱۹۹۷: بازرسان سازمان ملل اعلام نمودند عراق سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک خود را مخفی نموده است. نوامبر ۱۹۹۷: نگهبانان عراقی از ورود بازرسان به مراکز نظامی جلوگیری نمودند. ۱۳ نوامبر ۱۹۹۷: رژیم بغداد شش بازرس آمریکایی را از عراق اخراج نمود. متعاقب آن سازمان ملل همه بازرسان خود را از عراق فراخواند. ۲۰ نوامبر ۱۹۹۷: بعد از میانجیگری روسیه، بازرسان به عراق

به ایران خبر رسید که چندی پیش صادر مهربان، «دایه‌امامی»، چشم از جهان پرست. و با همه ما بی آخرین دیدار وداع گفت. وی فقط مادر سه فرزندش - دو جوان فدایی و یک نوجوان فدایی - سالهای ۵۷ و ۵۸ - نبود، او «دایه» همه ما بود. بانوی مهربان خانهدار پاکیزه با فضایی سرشار از صمیمیت که درب آن همیشه به روی فداییان خلق - شاخه کردستان - و هر فدایی خلق دیگری که وارد شهر مهاباد می‌شد، باز بود. «دایه» اصرار بسیار داشت که هر روز هم‌انداز فداییان غیر بومی باشد. میهمانان «دایه» هرگز چهره او را بی لبخند نمی‌دیدند و هیچ لحظه‌ای تنه سنگین پیر زن مهربان را از جنب و

به یاد «دایه‌امامی»

جوش فارغ نمی‌یافتند. مادر، در برابر محبت‌های بیدریغ‌اش به همه بچه‌ها، نا گفته تنها پاداشی که انتظار آنرا می‌کشید، دریافت خبرهای سیاسی جنبش آزادی‌خواهانه در مهاباد، کردستان و سراسر کشور و نیز فعالیت‌های یاری‌گرایانه سیاسی به سازمان بود. مادر بعدها که مهاباد و کردستان با یورش نیروهای مسلح رژیم مواجه شد و سرکوب و خفقان دوام‌دار را در پی آورد، با دشواری‌های چندمی مواجه شد. اما این زن مهربان و این شیرزن خوب هر آنچه که خودخواسته و آگاهان برای سازمان انجام داده بود، وفادار ماند. ما چه در سالهای پیش از انقلاب و چه پی‌وسته در سالهای بعد از انقلاب،

هنفته گذشته وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی با انتشار بیانیهای در تهران خبر دیدار در نجف‌آبادی وزیر اطلاعات با قسی حسین پسر صدام حسین را تکذیب کرد. در بیانه وزارت اطلاعات آمده است: ایران و عراق برای انجام گفتگو، از کسانال‌های سیاسی و رسمی برخوردارند و نیاز به ملاقات پنهانی و غیرمتعارف ندارند. خبر دیدار در نجف‌آبادی با قسی حسین را نخستین بار روزنامه بریتانیایی تایمز روز سه‌شنبه هفته



تکذیب دیدار وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی با پسر صدام حسین

گذشته چاپ کرد. تایمز در گزارش خود نوشت که این دو در شهرک مرزی شلمچه ملاقات کرده‌اند. به نوشته تایمز طرفین درباره کنارگذاشتن اختلافات و همکاری دوجانبه گفتگو کرده‌اند. وزارت خارجه جمهوری اسلامی گزارش تایمز را توطئه صهیونیست‌ها خواند.

روز چهارشنبه ۲۲ بهمن، صدام حسین به مناسبت سالروز انقلاب پیام تبریکی به رهبران جمهوری اسلامی فرستاد.

تیم کشتی آمریکا ویزا گرفت

روزنامه جمهوری اسلامی: کشتی‌گیران آمریکایی نباید وارد ایران شوند

۵ تن از اعضای تیم ملی کشتی آمریکا که قرار است در مسابقات بین‌المللی کشتی ایران، جام تختی شرکت کنند موفق به اخذ ویزا از ایران شدند. پس از سال ۵۷، این اولین بار است که کشتی‌گیران آمریکایی به ایران سفر می‌کنند. این تیم را عده‌ای خبرنگار و عکاس خارجی نیز همراهی خواهند کرد. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در مورد سفر کشتی‌گیران آمریکایی به ایران و شرکت آنان در مسابقات بین‌المللی جام تختی چنین موضع‌گیری کرده‌است: دولت باید جلوی این سفر را بگیرد زیرا شرکت کشتی‌گیران آمریکایی در مسابقات

جام تختی به منزله توهین به ملت اسلامی است! روزنامه‌ی جمهوری اسلامی با اشاره به امنیت کشتی‌گیران آمریکایی در ایران می‌افزاید: به‌میان کشیده شدن موضوع امنیت کشتی‌گیران آمریکایی به این علت است که ملت ایران از دولت آمریکا نفرت دارد و چون سفر کشتی‌گیران آمریکایی یک سفر سیاسی است. مردم به این حساب می‌گذارند که یک هیئت دولت «آمریکایی» به ایران سفر می‌کند! این روزنامه از دولت خواست در مورد دادن ویزا به کشتی‌گیران آمریکایی تجدید نظر کند.

جدایی محمد هاشمی از گروه کارگزاران

گروه کارگزاران سازندگی در سال ۷۴ و در بجه‌ی انتخابات مجلس پنجم اعلام موجودیت کرد و ابتدا ۱۶ عضو داشت، که پس از کناره‌گیری اجباری ده تن از آنان به‌علت حضورشان در کابینه‌ی دولت، که به دستور خامنه‌ی صورت پذیرفت، تعداد اعضای باقی‌مانده به شش نفر رسید. عطاءالله مهاجرانی، محمد هاشمی، مصطفی هاشمی، رضا ام‌اللهی، غلامحسین کرباسچی و نوربخش بدندی اصلی این گروه را تشکیل می‌دهند و گفته می‌شود که در ماه‌های اخیر عبدالله نوری، فائزه هاشمی، علی هاشمی و سید حسین مرعشی نیز به این گروه پیوسته‌اند.

تغییر مدیریت در شبکه تلویزیونی جام جم

شبکه‌ی تلویزیونی جام‌جم که فعالیت تولید برنامه‌های خود را از سال ۱۳۷۵ با مدیریت محمدعلی ایزدی آغاز کرده بود و در ۲۵ آبان‌ماه امسال در پایان تدارک‌ی طولانی، بخش برنامه‌های خود را برای اروپا شروع کرده است، هفته‌ی پیش با تغییر مدیریت مواجه شد. این شبکه برنامه‌های خود را از طریق ماهواره‌ی «یوتلاست» برای ایرانیان مقیم خارج از کشور پخش می‌کند. «ایزدی» قبل از تقبل مسئولیت مدیریت شبکه‌ی جام جم، مدیردفتر صدا و سیما جمهوری اسلامی در آلمان بود. علت استعفا ایزدی روشن نیست. گفته می‌شود علی لاریجانی رئیس صدا و سیما رژیم، مدیریت ایزدی را هم‌اکنون با سیما تعیین شده است.

جم نیز تعیین شده است. جناح مستبوع خود در حکومت نمی‌دانسته است. پورنجاتی معاون سابق سیما سازمان صدا و سیما و یکی از اعضای شورای مرکزی جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی که او نیز در هفته‌ی گذشته استعفا داده است و تا آن زمان، علاوه بر پنج شبکه داخلی، شبکه جام‌جم را نیز زیر نظر خود داشت، قبل از اعلام استعفا خود در مورد استعفا ایزدی گفت: وی هم در عالم برزخ بسر می‌برد و امیدوار است هر چه زودتر وضعیت او نیز از نظر پذیرش یا عدم پذیرش استعفاش روشن شود. با استعفا ایزدی، «روستا» مدیر فعلی طرح و تأمین برنامه‌ی این شبکه، به عنوان سرپرست موقت شبکه‌ی جام جم نیز تعیین شده است.

هاشمی رفسنجانی: مجمع تشخیص مصلحت کارگشای جمهوری اسلامی

هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و نایب رئیس مجلس خبرگان طی ضیافتی که برای اعضای این مجلس ترتیب داده بود، با اشاره به وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره‌ی جدید اعلام کرد که در این دوره کمیسیون‌های متعددی در مجمع کار تعیین، تعریف و پیشنهاد عمده سیاست‌های کلی نظام ارجاعی از سوی خامنه‌ای در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی، تحقیقاتی، اقتصادی، صنعتی و قضایی را انجام داده‌اند و عناوین پیشنهادی برای تأیید نهایی به خامنه‌ای واگذار شده‌است. رفسنجانی با استناد به اصول ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۱۱ و ۱۱۲ قانون اساسی در مورد اختیارات و شرح وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید کرد علاوه بر وظیفه رف

اختلافات میان شورای نگهبان و مجلس شورا که در قانون اساسی راه‌حلی برای آن‌ها وجود ندارد و از سوی ولایت فقیه ارجاع می‌شود. مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره جدید براساس حکم اخیر ولایت فقیه نقش هیات عالی مستشاری ولایت فقیه را به عهده دارد. برنامه‌ها و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام کارگشای دولت، مجلس و شورای نگهبان است و نقش آن کمک به حل مشکلات سه قوه می‌باشد و با توجه به این که اعضای کمیسیون‌های مختلف مجمع اکثر از مجلس و دولت هستند، مصوبات و تصمیمات این مجمع با رعایت مسایلی قوای مقتنه و مجریه اتخاذ می‌شود و این امر را راه برون رفت از مسایلی و مشکلات جمهوری اسلامی می‌داند.

تلاش برای ایجاد چند حزب

فعالان این حزب به گوش می‌رسد. فریدون وردی نژاد، مدیر عامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی، در گفت‌وگویی با «ارزش‌ها» خبر داده بود که «عبدالکریم سروش» در تدارک تشکیل یک حزب سیاسی است. برای شکل دیگری بنام «سروش بیداری ایران» تقاضای تأسیس داده‌شده است که در آن نام‌های حسن سبک‌دوست، محمدجعفرزاده، علی مهری و رحیم حمزه دیده می‌شود. «فردا» پیش از این نیز خبر از تأسیس تشکلی هابی به نام «حزب همبستگی ایران اسلامی»، «انجمن اسلامی کارگران خراسان»، «کانون زندانیان سیاسی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی»، «حزب جوانان ایران اسلامی» و «کانون فنان‌التحصیلان آذربایجان غربی» داده بود.

انجمن هنرمندان ایران و «روز پدر»

گفته‌ی مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خرم‌زمین این استان با وجود داشتن یک میلیون و چهل هزار نفر جمعیت تنها دارای یک سینمای فعال می‌باشد. نمونه دیگر شهرستان شوشتر در استان خوزستان است که ۲۳ هزار نفر ساکنان آن از داشتن تنها یک سینما محروم‌اند. در حالی که این شهرستان هم مانند بسیاری دیگر از شهرستان‌های ایران در قبل از انقلاب دارای سینما بوده است که پس از سال ۱۳۵۸ تعطیل شده‌است و اقدامی جدی در ساخت و بازگشایی سینما در شهرستان‌ها به عمل نیامده است.

در مراسمی که اخیراً از سوی انجمن هنرمندان ایران در تهران به مناسبت «روز پدر» برگزار شد، از هنرمندان قدیمی تاتر و سینمای ایران تجلیل به عمل آمد. در این مراسم ابتدا از علی تایش و جهانگیر فروهر یاد شد و سپس از آقایان علی‌اصغر گرمسیری، نصرت کریمی، داریوش اسدزاده، احمد قدکچیان، حسن توصیفیان، شکرالله رفیعی، جواد تقدسی، اصغر بی‌چاره، حمید دلشکیب، زکریا کریمی، حسین شهنازیان و حسین قاسمی‌وند قدردانی به عمل آمد و جوایز و یادبودهایی به آنان اهدا شد. این در شرایطی است که بنا به

خبرهای کوتاه

تلاش برای توسعه‌ی صادرات غیرنفتی

در آخرین جلسه‌ی شورای عالی توسعه‌ی صادرات غیرنفتی که با حضور خاتمی انجام گرفت مقرر شد که صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی در کشور از این پس اجازه داشته باشند که تمامی ارز حاصل از فروش صادرات خود را برای واردات کالاهای مجاز مورد استفاده قرار دهند. بر اساس این تصمیم امکان استفاده کامل از ارز صادرات حداقل تا پایان سال ۱۳۷۷ معتبر و غیرقابل تغییر خواهد بود. فهرست کالاهای قابل ورود با ارز حاصل از صادرات شامل ۲۹ گروه کالا می‌باشد.

استغفای حبیبی تکذیب شد

عطاءالله مهاجرانی سخنگوی دولت اخبار منتشر شده در خصوص استغفای حبیبی معاون اول خاتمی را تکذیب کرد. قبلاً یکی از روزنامه‌های انگلیسی زبان صبح تهران به نقل از برخی از خبرگزاری‌های خارجی نوشته بود که حبیبی از سمت خود استعفاء داده است.

دیدار ناطق نوری و حافظ اسد

ناطق نوری رئیس مجلس رژیم و حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در دیداری که اخیراً در دمشق داشتند، خواهان اشتراک عمل کشورهای اسلامی برای مقابله با اسرائیل شده، از نیروهای اسلامی جنوب لبنان و فلسطین حمایت کردند. حافظ اسد در این دیدار اظهار داشت که به نظر وی روند صلح خاور میانه به بن‌بست رسیده و آمریکا بیهوده تلاشی می‌کند که دوباره آن را زنده کند. ناطق نوری و اسد احتمال حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق را محکوم کردند و خواستار رفع هر چه زودتر محاصره اقتصادی مردم این کشور شدند.

افزایش بیای بیت هوایما

با تصویب ارگان تعیین‌کننده‌ی قیمت بیت هوایماهای داخلی، نرخ هر نرساعت صندلی پروازی در پروازهای داخلی کشور ۲۲٪ افزایش یافت و از رقم ۵۰ هزار ریال به ۶۵ هزار ریال رسید. دولت جمهوری اسلامی نیز قرار است از این پس از هر مسافر ۲ درصد مالیات حمل و نقل اخذ کند و به این ترتیب مجموع افزایش قیمت به ۲۲ درصد برسد. از افزایش هزینه‌های سوخت، خدمات و نیروی انسانی، به‌عنوان مهم‌ترین دلایل بالا رفتن قیمت بلیت‌ها یاد شده است و پیش‌بینی می‌شود که در آینده نزدیک، افزایش قیمت برای هر نفر-ساعت صندلی پروازی به بیش از ۱۰۰ هزار ریال برسد.

انتشار یک روزنامه‌ی جدید

ماشاءالله شمس‌الواعظین سردبیر سابق ماهنامه‌ی کیان انتشار روزنامه‌ی جدیدی به نام «جامعه» را آغاز کرده است. این روزنامه رنگی چاپ می‌شود، در سرمقاله‌ی نخستین شماره‌ی این روزنامه آمده‌است که: روزنامه‌ی «جامعه» در راه تحقق جامعه‌ی مدنی گام برمی‌دارد و این جامعه‌ی الگویی از یک زندگی جمعی است که در جوامع پیش‌رفته جهان امروز تجربه شده‌است. جامعه‌ی مدنی به تعبیر روزنامه‌ی جامعه «به رسمیت شناختن حقوق شهروندان و تقدم حقوق آنان نسبت به تکالیف مدنی ایشان» می‌باشد.

سفر هاشمی رفسنجانی به عربستان

بنا به گزارش روزنامه ایران نیوز هاشمی رفسنجانی در نظر دارد اول اسفند ماه به عربستان سفر کند. وی در نظر دارد ضمن به جای آوردن اعمال حج با مقام‌های عربستان در مورد مسایلی همچون الجزایر، افغانستان، عراق و کشمیر به گفت‌وگو بپردازد. به این ترتیب، رئیس مجمع تشخیص مصلحت رژیم بالاترین مقام جمهوری اسلامی خواهد بود که از زمان پیروزی انقلاب تاکنون از عربستان دیدن می‌کند.

سولماز مهاجر: البته در کشور ما خیلی جاها رعایت قانون نمی‌شود، اما در صد کسانی که از قانون پیروی می‌کنند کم نیستند. مثلاً من فکر می‌کنم در هر گوشه‌ی کشور امنیت دارم و این نشان می‌دهد که قانون و مقررات تا حدودی اجرا می‌شود.

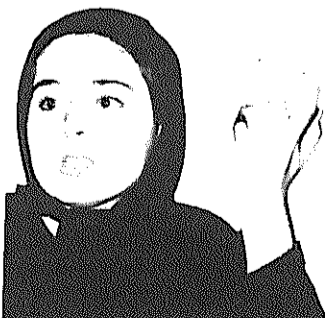
مژده‌پرفروغ: اما اگر قانون این است که در حال اجراست، من اصلاً قبول ندارم و نظری هم نمی‌دهم. دکتر قاسم‌زاده: شما قانون اساسی را خوانده‌اید؟ مژده‌پرفروغ: نه، نخوانده‌ام وقت خواندن آن را هم ندارم.

دکتر قاسم‌زاده: اتفاقاً متن خلاصه شده قانون اساسی را بخوانید و ببینید که خیلی هم خوب است. نرگس توسلیان: دوستم خوش کسی از قانون کشور خوشش نیاید برود. درست نیست، قانون مساله شخصی نیست ولی باز اشاره شد که قوانینی هست که به ضرر یک گروه یا یک قشر تمام می‌شود، باید برای اصلاح آن اقدام کنیم. مثل این که یک مرد می‌تواند ۴ زن بگیرد. چرا؟ مگر یک قلب را می‌شود چهار قسمت کرد؟ یا این که فرزند حتماً حق پدر است، باید به این نوع قوانین مدنی اعتراض کرد و از تلاش هم ناامید نشویم.

دکتر قاسم‌زاده: حالا بهتر است راجع به قانون و قانون‌مندی جامعه صحبت مورد دارید، بگویید که چرا قانون لازم است و قانون‌مندی در جامعه چه معنا می‌دهد؟

فرزاد ثابت‌زاده: به نظر من جامعه که نمی‌تواند بدون قانون باشد. حتی در حرج و مرجع هم یک قانون حکم‌فرماست قانون یک سری ضوابط را معین می‌کند که بایستی به عمل درآید و رعایت شود. قانون ابتدا مطابق روحیات آداب و سنن یک ملت وضع می‌شود که البته مطابق زمان هم باید باشد، مثلاً قوانین حتی پنجاه سال گذشته هم به درد حالا نمی‌خورد و جواب‌گویی جامعه‌ی فعلی نیست. اجرای قانون هم بسیار مهم است، البته هم می‌تواند با خشونت باشد و هم این‌که برای مردم توجیه کنند که پیروی از قانون به نفع خودشان است.

دکتر قاسم‌زاده: حالا اگر کسی قانونی را قبول نداشت چه باید بکند؟ علی رضائیان: زاده: به نظر من اگرچه قبول ندارم ولی باید از آن پیروی کند و گرنه می‌تواند به یک کشور دیگر برود که قوانین آن را قبول دارد و با روحیات او سازگارتر است.



متخصص و کارشناس از بین مردم باشند نه این‌که یک نفر را از یک جایی بردارند و بلافاصله جای دیگری بگذارند. این جاست که من فکر می‌کنم به جوانان اصلاً اهمیت نمی‌دهند. چون ما هم بالاخره درس می‌خوانیم که در آینده بتوانیم در مسائل مسلکتی مشارکت کنیم.

دکتر قاسم‌زاده: الان ۱۹ سال است که انقلاب شده، هنوز ناگهانی است؟ نازنین معتمدی: تغییر کلی در جامعه‌ی ما فقط انقلاب سال ۱۳۵۷ بود و از آن به بعد هم تغییری ایجاد نشده، اگرچه مردم در انتخابات دوم خرداد امسال سیاسی بودن خود را نشان دادند. مثلاً بر سر انتخابات نمایندگان مجلس، واقعاً تعداد محدودی شرکت کردند. در نتیجه کسانی که از قبل انتخاب شده بودند به مجلس رفتند به نظر من اعتراض مردم به نمایندگان مجلس، انتخاب‌آقای خاتمی بود.

دکتر قاسم‌زاده: پس مردم و جوانان به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه دارند و این طور نیست که بی‌اعتنا باشند. ما نباید فرض کنیم که انتخابات فقط انتخاب رئیس جمهوری است، ما باید به انتخابات مجلس هم اهمیت بدهیم.

سولماز مهاجر: به نظر من رئیس جمهوری بالاترین مقام اجرایی است، بنابراین اگر قرار باشد مثلاً شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت یا هر نهاد دیگری با نظرات ایشان توافق نداشته باشند، کاری از پیش نخواهند برد. پس تکلیف بیست میلیون و چند صد هزار نفر چیست؟ مژده‌پرفروغ: به نظر من هم آقای

میزگرد با جوانان

مشکلی نیست؟ علی رضائیان: اگر هست، پس اعتراض کنند و نظرات خودشان را بدهند. قوانین و مقررات چند صد سال پیش هم که به درد جامعه‌ی فعلی نمی‌خورد. این وظیفه‌ی مردم است که قانون صحیح را بخواهند. مژده‌پرفروغ: نظر مردم باید به صورت قانون و مقررات درآید نه هرچه دولت خودش تعیین می‌کند. آخر همه‌ی کسانی که قانون و مقررات می‌نویسند که نماینده‌ی فکری ما نیستند، قبول دارید؟ اما این بیست میلیون هم از ترس سکوت می‌کنند. نازنین معتمدی: پس هر بلایی سر ما می‌آید تقصیر خودمان است که ساکت هستیم. فرزاد ثابت‌زاده: یکی از اشکالات مردم ما همیشه همین بوده که بعد از هر جنبش یا انقلابی، قوانینی کلی آمده است و مردم هم یک‌باره حکومت را داده‌اند به حکومت‌گران و خودشان کنار نشسته‌اند. قوانین هم تدریجی و آرام و آرام با یک شیوه‌ی اجتماعی تغییر نکرد. بدیهی است که با قوانین کلی، جامعه هم ناگهان تغییر نمی‌کند و مردم هم سرخورده و بی‌تفاوت می‌شوند.

ادامه از صفحه ۵
حتماً قانونی هست، اگر هست، پس چرا آمریکا پیروی نمی‌کند؟ نرگس توسلیان: البته آمریکا از نظر اسلحه و وسایل جنگی خیلی قوی است. و اگر جنگ دربرگیرنده معلوم نیست چه پیش می‌آید و چقدر از هر دو طرف کشته خواهند شد، به نظر من اگر آقای خاتمی با آقای کلینتون مذاکره کند، بهتر است چون کسی از جنگ خوش نمی‌آید. فرزاد ثابت‌زاده: جامعه‌ی ما مشکلی ندارد. قانون کشور را الان پول تعیین می‌کند، چون با پول هر کاری می‌شود کرد. یعنی هر کجا هر مشکلی پیدا می‌شود با پول حل می‌شود هر مشکلی را می‌شود با پول خرید در نتیجه ما احساس امنیت نمی‌کنیم، چون ناحق را می‌خرند! و حق جلوه می‌دهند. حتی در آموزش هم نگاه کنید ببینید دبیران چقدر متفاوت عمل می‌کنند، بعضی‌ها مخصوصاً خوب درس نمی‌دهند که یا او کلاس خصوصی بگذارد و در آمدی برای او بشود. اگر چه او هم تقصیر ندارد با این هزینه‌ی سنگین زندگی. دکتر قاسم‌زاده: پس نگوئیم مشکلی نیست؟ اگر به نظر شما پول قانون است

«قوانین ۵۰ سال پیش جوابگوی امروز جوانان ما نیست»

میزگردی با جوانان در ایران

برگرفته از نشریه جامعه سالم شماره ۳۵

رنگ آن مربوط به خود من است. یا حتی بلندی و کوتاهی من از سواردی است که به تمایل من بسته‌گی دارد و ضرری به دیگران نمی‌زند. مثلاً شلوار چین، مد که نیست همان‌طور که گفتید بادوام است، اتو نمی‌خواهد، ولی من ساعت‌ها زدنم محروم شدم، چون شلوارم چین بود.

مژده پرفروغ: اصلاً قانون و مقررات یک مملکت برای رفاه مردم همان مملکت است و نباید به مسائل شخصی افراد دخالت کند.

نازنین معتمدی: به نظر من آقای خاتمی خیلی شانس دارند و اگر هرچه بگویند همه اجرا می‌کنند، چون آقای روشنی هستند. من خودم تا سال پیش هر وقت تلویزیون را روشن می‌کردم، حوصله‌ی شنیدن حرف‌ها را نداشتم، چون به نظرم تکراری بود، ولی واقعاً پسای صحبت‌های آقای خاتمی می‌نشستم و تا آخر هم گوش می‌کنم و فکر می‌کنم اکثر جوان‌ها هم همین‌طور هستند. این بخش یک شانس است.

رامین ذرقانی: من می‌گویم فرض کنید من یک سیب دارم که یک طرف آن سالم است و یک طرف آن خراب، حالا باید طرف سالم را نجات دهیم، پس یک چاقو لازم داریم که طرف سالم را از طرف خراب جدا کنیم، من کار آقای خاتمی را مثل این چاقو می‌بینم، یعنی باید جامعه را نجات دهند و به آن یک برش بدهند. اصلاً تفکر ایشان همین بوده که اکثریت هم به ایشان رای دادند.

علی‌رضا ثابت‌زاده: به نظر من این طور هم نیست که شما می‌گویید، آقای خاتمی تنهایی کاری نمی‌تواند بکند. ببینید ما مجلس داریم، شورای نگهبان داریم، مجمع تشخیص مصلحت داریم و خیلی چیزهای دیگر. و هر کدام از این‌ها اگر موافق نباشند در کار آقای خاتمی اشکال ایجاد می‌شود. پس همه باید با هم موافق باشند.

نرگس توسلیان: خوب وقتی ما اعتراض می‌کنیم، با نوشتن نامه...

نازنین معتمدی: بابا اعتراض ما همین انتخاب آقای خاتمی بوده، مردم واقعاً خسته شده بودند، شما حداً پوسترهای آقای خاتمی را دیده‌اید که پشت سرشان پرچم ایران بود، و تمام سخنان ایشان هم برای آبادانی ایران و پیش‌رفت ایران بود ما هم انتظار داریم که آقای خاتمی مملکت را رو به پیش‌رفت ببرد، شاید من نصف مردم آقای خاتمی را نمی‌شناختم، ولی بسیاری این‌که رقیب ایشان را می‌شناختند به آقای خاتمی رای دادند. دکتر قاسم‌زاده: حالا می‌توانید نظر خودتان را در مورد دو سوالي که رئیس جمهوری در روزنامه مطرح کرده‌اند بگویند که در باره‌ی قانون و جامعه‌ی مدنی بود و همین‌طور اظهار نظر در مورد سیاست‌های خارجی از جمله حضور آمریکا در خلیج فارس.

مژده پرفروغ: در مورد حضور آمریکا در خلیج فارس، من معتقدم که با دشمنان باید صحبت کرد به آن‌ها بگوئیم شما با چه حقی وارد این آب‌ها شده‌اید؟ پس نقش سازمان ملل در این گونه موارد چیست؟ باید به آن‌ها بگویند که چرا کار خلاف می‌کنند، او باید کمک کند، جنگ مسائل را حل نمی‌کند، چرا ما به خاک یا آب‌های کشور دیگری تجاوز نمی‌کنیم، پس ادامه در صفحه ۴

مگر آنچه عیب آدم را نشان نمی‌دهد؟ چالب آن‌جاست که آنچه را می‌گیرند و پس نمی‌دهند! و دو نمره هم از انضباط ما را کم می‌کنند که معدل ما را پایین می‌آورد.

گل‌بهار دادیان: واقعاً وقتی کیف ما را جستجو می‌کنند ما احساس می‌کنیم که آیا ما این قدر بی‌شعوریم که نمی‌فهمیم که چه چیزی را لازم داریم که داشته باشیم!

علی‌رضا ثابت‌زاده: البته این‌طور نیست که هر روز بخواهند وسایلی ما را بگیرند، مودی شاید

پیش می‌آید که این کار را می‌کنند ولی این مساله‌ی موهای پسرهای خیلی چالب است. که باید با شماره‌ی ۴ بزنیم و شلوار چین که پارچه‌ی آن بادوام است و از ابتدا اصلاً برای کارگرا ه بافته شده، نباید بپوشیم.

نازنین معتمدی: اصلاً مساله اصلی آینه و مو و شلوار چین نیست، شما بگویند این مدارس غیر انتفاعی یعنی چه؟ معلم‌ها، همان معلم‌های دولتی هستند، این مدارس پول بیش‌تری می‌گیرند ولی فرقی با مدارس دولتی ندارند.

دکتر قاسم‌زاده: شما مدرسه غیر انتفاعی می‌روید؟ نازنین معتمدی: نخیر، من نمونه‌ی مردمی می‌روم و دبستان را هم در مدرسه دولتی بوده‌ام. دکتر قاسم‌زاده: اگر به یک دبیرستان دولتی می‌رفتید، آن وقت نمی‌گفتید که فرقی با هم ندارد. بعضی از دولتی‌ها تا ماه‌ها از سال معلم ندارند و مشکلات هم فراوان دارند.

نازنین معتمدی: خوب بله، هر که پول دارد، رفاه بیش‌تری هم دارد. سولماز میاجر: مادر من قبلاً معلم مدرسه‌ی دولتی بود، به همان میزان که برای بچه‌ها زحمت می‌کشید، الان هم همان‌قدر برای بچه‌های مدرسه‌ی «غیرانتفاعی» مایه می‌گذارد. پس معلم‌ها با هم فرق می‌کنند.

دکتر قاسم‌زاده: بحث بر سر مقایسه‌ی مدارس نیست ولی کادر مدارس دولتی الان خیلی ضعیف شده است.

نازنین معتمدی: به آن‌ها چون پول بیش‌تری می‌دهند، آن‌ها در آن مدارس بهتر «غیر انتفاعی» هم کار می‌کنند.

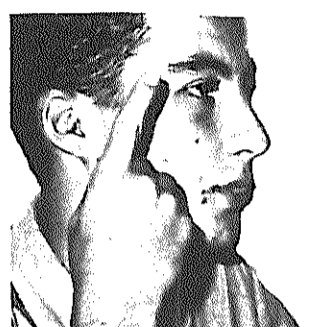
دکتر قاسم‌زاده: خیلی خوب. حالا اشکالات آموزشی را بگوئید.

علی‌رضا ثابت‌زاده: اصلاً مساله مدارس غیر انتفاعی و دولتی نیست مساله همان موی سر است که گفتم، بگذارید توضیح بدهم. اول به ما گفتند موهای خودتان را با نمره ۴ بزنید چون موی بلند مد بود. حالا پامزه است که موهای زده شده با نمره ۴ مد شده. فکر می‌کنید نتیجه‌اش چیست؟ زدن موهای سر با نمره ۴ ممنوع شده است!

فرزاد ثابت‌زاده: راستی، پس ما چه‌گونه در مسائل خودمان مشارکت داشته باشیم همین موی سر را، وقتی به ناظم می‌گوییم حالا چرا نمره ۴ ممنوع شده؟ می‌گوید: من نمی‌دانم، آیین‌نامه است، یا حرف نزن برو بیرون.

علی‌رضا ثابت‌زاده: به نظر من برای رنگ نباید سخت‌گیری بشود، یا قانون برای آن بگذارند. هر کس باید تایید حدی آزادی شخصی داشته باشد. قانون وضع شما را در مقابل دیگری مشخص می‌کند، یعنی حریم برای شما قائل است ولی نوع لباس و

همین که می‌گویند به طرف غرب نروید که مشکل ما حل نمی‌شود. سولماز میاجر: باید امکاناتی برای ما فراهم کند که ما بتوانیم خلاقیت خسرمان را بروز دهیم. همین‌طور نصیحت‌کردن دردی را دوا نمی‌کند. چه امکاناتی؟ مثلاً در پیش‌تر پارک‌های معروف تهران، بیش‌تر وسایل بازی و ورزش در اختیار پسران است و دختران در سن‌های پایین‌تر می‌توانند استفاده کنند. اما اگر ما حتی در پارک قدم بزنیم مورد سرال و بازخواست قرار می‌گیریم.



نازنین معتمدی: خیلی به ما وعده می‌دهند ولی عمل نمی‌کنند و برای ما جوانان عقده به وجود می‌آورند. به‌طور مثال می‌گویم وقتی خانم نماینده اول تیسران در هنگام رای‌گیری برای نمایندگی مجلس، اعلام می‌کند که من اگر انتخاب شوم، لباس مناسب برای خانم‌ها در نظر خواهم گرفت که حجاب کامل باشد ولی چادر نباشد و با ورزش دوجه سوار برای خانم‌ها آزاد خواهم کرد و بعد می‌بینیم که هیچ کدام نشد و رای ما پرچ شده، پس دچار ناامیدی و نوعی عقده می‌شویم؛ یعنی به ما دروغ گفته شده.

نازنین معتمدی: خیلی به ما وعده می‌دهند ولی عمل نمی‌کنند و برای ما جوانان عقده به وجود می‌آورند. به‌طور مثال می‌گویم وقتی خانم نماینده اول تیسران در هنگام رای‌گیری برای نمایندگی مجلس، اعلام می‌کند که من اگر انتخاب شوم، لباس مناسب برای خانم‌ها در نظر خواهم گرفت که حجاب کامل باشد ولی چادر نباشد و با ورزش دوجه سوار برای خانم‌ها آزاد خواهم کرد و بعد می‌بینیم که هیچ کدام نشد و رای ما پرچ شده، پس دچار ناامیدی و نوعی عقده می‌شویم؛ یعنی به ما دروغ گفته شده.

پس ما چه کسی را انتخاب بکنیم که به خواست ما توجه بکند؟ البته من این‌را به عنوان مثال گفتم، فقط می‌خواستم بگویم قبل از این‌که بر سر کار بیایند وعده می‌دهند و بعد که انتخاب شدند به وعده‌ها وفا نمی‌کنند فقط می‌خواستیم بگویم چه کسی به حرف ما بالاخره گوش می‌کند؟

مژده پرفروغ: نمی‌توانیم یعنی این‌که نمی‌گذارند ما حتی وقتی می‌خواهیم قانونی کار کنیم ترس داریم به همین دلیل یک بی‌ثباتی بین جوانان بوجود آمده است. کسی که به قول بچه‌ها از المپیک به المپیک دندان‌هایش را مسواک نمی‌کند، به من امر و نهی می‌کند، این موضوع برای ما خیلی برخورنده است. پدر و مادر من بنا به اعتقاداتشان باید به من بگویند چه بکنم و چه نکنم، چون آن‌ها ما دوست داریم و آن‌ها هم مرا دوست دارند، من به حرف آن‌ها گوش می‌کنم نه به حرف کسی که هیچ شناختی روی من ندارد.

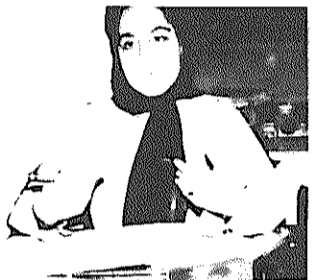
سولماز میاجر: باور کنید که بعضی از این‌ها خودشان بدتر هستند، بروید مقابل مدارس دخترانه که این‌ها استفاده‌اند تا تذکر بدهند که مثلاً موهای دخترها بیرون نباشد، بنسیند خودشان متل‌گو هستند!

نرگس توسلیان: من هم چندبار دیدم.

رامین ذرقانی: هس می‌گویند طرف غرب نروید، طرف غرب نروید، اما همین اخبار خارجی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود، خبر از پیشرفت‌های علمی، تکنولوژی و پزشکی در غرب می‌دهد، خوب ما نشویم؟ پس چه‌گونه اطلاعات کسب کنیم؟ چه‌گونه بفهمیم که در دنیا چه می‌گذرد؟ آخر همه چیز غرب هم که بد نیست، به باطن آن باید توجه کنیم.

جداسازی باشد و روزبه‌روز هم مشکلات زوج‌ها بیش‌تر می‌شود چون شناختی نسبت به یک‌دیگر پیدا نکرده‌اند.

سولماز میاجر: به نظر من اگر از همان کلاس اول ابتدایی، مدارس دختر و پسر یکی باشد تمام مسائل تا حدودی در این زمینه حل می‌شود و در دبیرستان و در دانشگاه همه‌گی مثل خواهر و برادرند، چون با هم بزرگ شده‌اند. هر مشکلی داشتند، اعم از درسی و مشکل خانوادگی از هم باخبرند. مسائل سیاسی اجتماعی را با هم به بحث می‌گذارند و از هم کمک می‌گیرند و مطمئناً مشکلی پیش نخواهد آمد و کمیته و نیروی انتظامی و اداره مبارزه با مفاسد اجتماعی و ... را هم نخواهیم داشت چون هر چه قدر سخت بگیرند به تعداد این مراکز اضافه خواهد شد.



نازنین معتمدی: خیلی به ما وعده می‌دهند ولی عمل نمی‌کنند و برای ما جوانان عقده به وجود می‌آورند. به‌طور مثال می‌گویم وقتی خانم نماینده اول تیسران در هنگام رای‌گیری برای نمایندگی مجلس، اعلام می‌کند که من اگر انتخاب شوم، لباس مناسب برای خانم‌ها در نظر خواهم گرفت که حجاب کامل باشد ولی چادر نباشد و با ورزش دوجه سوار برای خانم‌ها آزاد خواهم کرد و بعد می‌بینیم که هیچ کدام نشد و رای ما پرچ شده، پس دچار ناامیدی و نوعی عقده می‌شویم؛ یعنی به ما دروغ گفته شده.

سولماز میاجر: باور کنید که بعضی از این‌ها خودشان بدتر هستند، بروید مقابل مدارس دخترانه که این‌ها استفاده‌اند تا تذکر بدهند که مثلاً موهای دخترها بیرون نباشد، بنسیند خودشان متل‌گو هستند!

نرگس توسلیان: من هم چندبار دیدم.

رامین ذرقانی: هس می‌گویند طرف غرب نروید، طرف غرب نروید، اما همین اخبار خارجی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود، خبر از پیشرفت‌های علمی، تکنولوژی و پزشکی در غرب می‌دهد، خوب ما نشویم؟ پس چه‌گونه اطلاعات کسب کنیم؟ چه‌گونه بفهمیم که در دنیا چه می‌گذرد؟ آخر همه چیز غرب هم که بد نیست، به باطن آن باید توجه کنیم.

مژده پرفروغ: بالاخره ما جوانیم ما دوست داریم یک‌سری آزادی‌هایی داشته باشیم. قانون یا مقررات به ما حکم می‌کنند که تو باید این‌چور باشی، این‌چور نباشی، یا پدر و مادر به ما می‌گویند، تو حتماً باید دانشگاه تهران قبول بشوی و یا خیلی بایدهای دیگر. این «بایدها» و «حتمالها» در روحیه ما اثر می‌گذارد، اجازه بدهند ما خودمان انتخاب کنیم، همسر، رئیس محسوری، پدر و مادر و همه‌ی سران سلکت باید ما را درک کنند و بنهیند نه ما چه عقیده‌ای داریم و فکر کنند که دوری آن‌ها با دوره‌ی ما فرق می‌کند. آن‌ها یک نسل یا دو نسل از ما عقب‌ترند. ما چیزهای جدیدتر و امکانات بهتری را می‌خواهیم. به نظر من یک‌سری قوانین یا مقررات هست که به ما تحمیل می‌شود، یا وقتی خودمان را از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با کشورهای دیگر مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که آن‌ها آزادی‌هایی را دارند. دولت باید به نظرات ما اهمیت بیش‌تری بدهد، فرض کنید خانوادگی از ماهواره استفاده می‌کند ولی پدر و مادر به او سفارش می‌کنند که مبادا در مدرسه بگویی که ما ماهواره داریم، چون دولت ممنوع کرده است و من یا خود می‌گویم اگر خوب است چرا دولت قذغن کرده است؟ ولی اگر بد است، چرا پدر و مادر اجازه‌ی دیدن آن را به ما می‌دهند؟ پس بگذارید خودمان تشخیص بدهیم که آیا بد است یا خوب است، یا به ما ثابت کنند که دیدن ماهواره، چرا خلاف است؟ و من نمی‌دانم چرا. حداقل ما را روشن کنند که خانواده و هم دولت بایستی با ما منطقی برخورد کنند. اگر به آگاهی و دانش من اضافه می‌کند چرا نبینم و اگر به اخلاق من ضرر می‌زند خود انتخاب می‌کنم.

«دوجه» می‌بیند خیلی نباید با این مورد حد برخورد کنند. مثلاً بگویند: «این دختر بد است!» چرا آن را به حساب ورزش کردن نمی‌گذارند؟ پس نگرش و فرهنگ جامعه باید عوض شود، مثلاً در مدرسه‌ی خود ما که همه دختر هستیم و همه‌ی مدارس دخترانه که مردی هم وجود ندارد، چرا باید سنت و سخت‌حجاب را رعایت کنیم. وقتی این طور برخورد می‌شود مسلماً در خیابان منتعها عقب می‌رود. ما یک روز آزادی پیدا کردیم که آقای خاتمی را انتخاب کردیم و یکی از مسائل اساسی که باعث شد جوان‌ها به آقای خاتمی رای بدهند همین بود که ایشان به جوانان توجه دارند و به خواست آن‌ها که آزادی مشروع است اهمیت می‌دهند.

مژده پرفروغ: بالاخره ما جوانیم دوست داریم یک‌سری آزادی‌هایی داشته باشیم. قانون یا مقررات به ما حکم می‌کنند که تو باید این‌چور باشی، این‌چور نباشی، یا پدر و مادر به ما می‌گویند، تو حتماً باید دانشگاه تهران قبول بشوی و یا خیلی بایدهای دیگر. این «بایدها» و «حتمالها» در روحیه ما اثر می‌گذارد، اجازه بدهند ما خودمان انتخاب کنیم، همسر، رئیس محسوری، پدر و مادر و همه‌ی سران سلکت باید ما را درک کنند و بنهیند نه ما چه عقیده‌ای داریم و فکر کنند که دوری آن‌ها با دوره‌ی ما فرق می‌کند. آن‌ها یک نسل یا دو نسل از ما عقب‌ترند. ما چیزهای جدیدتر و امکانات بهتری را می‌خواهیم. به نظر من یک‌سری قوانین یا مقررات هست که به ما تحمیل می‌شود، یا وقتی خودمان را از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با کشورهای دیگر مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که آن‌ها آزادی‌هایی را دارند. دولت باید به نظرات ما اهمیت بیش‌تری بدهد، فرض کنید خانوادگی از ماهواره استفاده می‌کند ولی پدر و مادر به او سفارش می‌کنند که مبادا در مدرسه بگویی که ما ماهواره داریم، چون دولت ممنوع کرده است و من یا خود می‌گویم اگر خوب است چرا دولت قذغن کرده است؟ ولی اگر بد است، چرا پدر و مادر اجازه‌ی دیدن آن را به ما می‌دهند؟ پس بگذارید خودمان تشخیص بدهیم که آیا بد است یا خوب است، یا به ما ثابت کنند که دیدن ماهواره، چرا خلاف است؟ و من نمی‌دانم چرا. حداقل ما را روشن کنند که خانواده و هم دولت بایستی با ما منطقی برخورد کنند. اگر به آگاهی و دانش من اضافه می‌کند چرا نبینم و اگر به اخلاق من ضرر می‌زند خود انتخاب می‌کنم.

گل‌بهار دادیان: وقتی در رای‌گیری شرکت کردم، فکر می‌کردم که حتماً تحولی را ایجاد خواهیم کرد و اصولاً اهداف کسانی که رای دادند، بیش‌تر این بود که به خیلی از مواردی که تمایل دارند به آن برسند، به دست خواهند آورد. چرا که می‌دانیم کسی هست که به حرف‌های ما گوش بدهد و به خواست‌های ما توجه کند.

نرگس توسلیان: همان‌طور که دوست ما گفت، روش‌ها باید تغییر کنند. مثل حفظ کردن درس‌ها، که چیزی را به ما نمی‌آموزد، بلکه بایستی کاری کنند که ما هم بنهیم و هم فراموشمان نشود.

نازنین معتمدی: به نظر من یکی دیگر از مشکلات، تظاهر است. چرا باید در همه چیز تظاهر کنیم، مثلاً معلمی اگر درخواست در آموزش و پرورش استخدام شود می‌داند که باید چادر سر کند. آیا چنین قانونی داریم؟ من معتقدم این فرهنگ تظاهر در جامعه‌ی ما باید از بین برود، چون به دلیل همین تظاهر خیلی از مسائل بد جا افتاده است.

رامین ذرقانی: یک شب تمام درس‌ها را خواندیم و تکالیف را هم انجام داده‌ام، حالا برای این‌که آمادگی ذهنی برای فردا پیدا کنیم با یک دوست یا فامیل به پارک می‌رویم، ناگهان کمیته همه‌ی ما را جمع می‌کنند و می‌پرسد و در جواب هم می‌گویند که مثلاً «چرا موهای تو لخت است» یا «چرا روغن زده است». اگر قرار باشد جوانان آزادانه در مسائل مشارکت داشته باشند، پس این‌گونه رفتارها که مناسب نیست جوان‌ها را اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند. یا مثلاً باشگاهی که در خیابان شریعتی هست، می‌رویم آنجا، با شوق و ذوق، ناگهان می‌گویند مجردها حق ندارند داخل شوند! یا شب دختر خاله یا دختر عمه به منزل ما می‌آید شرعاً وظیفه دارم که او را به خانه‌اش برسانم. باز نیروی انتظامی! این کیست؟ کجا می‌روی؟ چرا موهایش بیرون است؟ چه نسبتی دارید؟ چه می‌توانم بگویم؟ جز این‌که ساعت‌ها یا شاید روزها گرفتار خواهیم بود.

مژده پرفروغ: بیش‌تر مسائل به ما تلقین می‌شود. ما جوانیم و باید حق انتخاب داشته باشیم ممکن است انتخاب ما غلط باشد ولی اجازه بدهند انتخاب کنیم و بعد ما را راهنمایی کنند. اگر یک نفر حجاب را چادر آنستخاب کرده و یک نفر ساتو و روسری، این‌ها تفاوتی نباید با هم داشته باشند. یا اگر دختری را سوار بر

دکتر فاطمه قاسم‌زاده: هدف اصلی این میزگرد آن است که یک فرصتی باشد تا نوجوانان ما بتوانند در ارتباط با مسائل مورد نظر خودشان، یا مسائلی که در این ماه‌های اخیر مطرح شده نظر بدهند. توجه به این میزگرد و نظرواخی از نوجوانان، بیش‌تر از این ناشی می‌شود که جامعه‌ی ما چند ویژگی دارد: یکی آن‌که جمعیت ما جوان است و حدود دوسوم جمعیت افراد را زیر بیست سال که شامل کودکان، نوجوانان و جوانان هستند تشکیل می‌دهند و خود این جمعیت جوان ایجاب می‌کند که به این گروه توجه بشود. دیگر این‌که، نه تنها از نظر کمیت این جمعیت زیاد است، بلکه از نظر کیفیت هم مورد توجه هست.



گل‌بهار دادیان: وقتی در رای‌گیری شرکت کردم، فکر می‌کردم که حتماً تحولی را ایجاد خواهیم کرد و اصولاً اهداف کسانی که رای دادند، بیش‌تر این بود که به خیلی از مواردی که تمایل دارند به آن برسند، به دست خواهند آورد. چرا که می‌دانیم کسی هست که به حرف‌های ما گوش بدهد و به خواست‌های ما توجه کند.

نرگس توسلیان: همان‌طور که دوست ما گفت، روش‌ها باید تغییر کنند. مثل حفظ کردن درس‌ها، که چیزی را به ما نمی‌آموزد، بلکه بایستی کاری کنند که ما هم بنهیم و هم فراموشمان نشود. نازنین معتمدی: به نظر من یکی دیگر از مشکلات، تظاهر است. چرا باید در همه چیز تظاهر کنیم، مثلاً معلمی اگر درخواست در آموزش و پرورش استخدام شود می‌داند که باید چادر سر کند. آیا چنین قانونی داریم؟ من معتقدم این فرهنگ تظاهر در جامعه‌ی ما باید از بین برود، چون به دلیل همین تظاهر خیلی از مسائل بد جا افتاده است.

رامین ذرقانی: یک شب تمام درس‌ها را خواندیم و تکالیف را هم انجام داده‌ام، حالا برای این‌که آمادگی ذهنی برای فردا پیدا کنیم با یک دوست یا فامیل به پارک می‌رویم، ناگهان کمیته همه‌ی ما را جمع می‌کنند و می‌پرسد و در جواب هم می‌گویند که مثلاً «چرا موهای تو لخت است» یا «چرا روغن زده است». اگر قرار باشد جوانان آزادانه در مسائل مشارکت داشته باشند، پس این‌گونه رفتارها که مناسب نیست جوان‌ها را اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند. یا مثلاً باشگاهی که در خیابان شریعتی هست، می‌رویم آنجا، با شوق و ذوق، ناگهان می‌گویند مجردها حق ندارند داخل شوند! یا شب دختر خاله یا دختر عمه به منزل ما می‌آید شرعاً وظیفه دارم که او را به خانه‌اش برسانم. باز نیروی انتظامی! این کیست؟ کجا می‌روی؟ چرا موهایش بیرون است؟ چه نسبتی دارید؟ چه می‌توانم بگویم؟ جز این‌که ساعت‌ها یا شاید روزها گرفتار خواهیم بود.

مژده پرفروغ: بیش‌تر مسائل به ما تلقین می‌شود. ما جوانیم و باید حق انتخاب داشته باشیم ممکن است انتخاب ما غلط باشد ولی اجازه بدهند انتخاب کنیم و بعد ما را راهنمایی کنند. اگر یک نفر حجاب را چادر آنستخاب کرده و یک نفر ساتو و روسری، این‌ها تفاوتی نباید با هم داشته باشند. یا اگر دختری را سوار بر

مژده پرفروغ: بیش‌تر مسائل به ما تلقین می‌شود. ما جوانیم و باید حق انتخاب داشته باشیم ممکن است انتخاب ما غلط باشد ولی اجازه بدهند انتخاب کنیم و بعد ما را راهنمایی کنند. اگر یک نفر حجاب را چادر آنستخاب کرده و یک نفر ساتو و روسری، این‌ها تفاوتی نباید با هم داشته باشند. یا اگر دختری را سوار بر

به مناسبت صدمین سالگرد تولد برتولت برشت

برشت، وجدان بیدار دادگری

تناوت برشت با دیگر نویسندگان و هنرمندان بزرگ هم در سبک است و هم در انتخاب موضوع. برتولت برشت نمایش نامه نویسی و شاعر آلمانی، سبک تازه‌ای را در ادبیات و تئاتر خلق کرد که به «تئاتر روایتی» یا «اپیک» معروف است. برشت این اصطلاح را در برابر تئاتر «دراماتیک» که بر احساسات و تأثرات بیننده متکی است، مطرح کرد. در تئاتر برشت، مخاطب اندیشه است نه احساس. او تئاتری را معتقد و موفق می‌داند که به جای تأثیر بیننده و خواننده را به تفکر برانگیزد. در تئاتر او فاصله میان بازیگر و تماشاگر با اندیشه پر می‌شود. برشت در همه آثارش پیگیرانه مدافع رنالیسم اجتماعی بود. این آثار گنجینه با ارزش در باره هنر و ادبیات اجتماعی و متعهد است. هنر برشت به تئاتر و شعر ساختن فیلم محدود نیست. هنر او، زندگی اوست. او در هر نوشته و سروده زندگی خود را در مفهوم عام با دیگران گره می‌زد. این دیگران، ستمدیدگان آلمان بودند. کارگران، زحمتکشان و محرومان اروپا بودند. مردم همه جیبان. او با اقتباس از «اندیشه‌های متی»، فیلسوف کهن چینی جهان را فرا می‌خواند به میلیونها انسانی که از ستم سرمایه در زاغه‌ها محبوس‌اند و زندگی مطبوع‌تر از زندانی ندارند. بنگرد. تلاش بازتاب عمق بیدادگری جهان طبقاتی است. هفته گذشته صدمین سال تولد برتولت برشت بود. به همین مناسبت سخنرانی او را در نخستین کنگره جهانی نویسندگان که در سال ۱۹۳۵ در پاریس برگزار شد برگزیده‌ایم.

فاشیسم!

سخنرانی برتولت برشت در نخستین کنگره جهانی نویسندگان



بردن‌ها و دلیل نبودن فرهنگ، غریزه حسود جیس. در هر دو مورد مقداری از کالاهایی که با زحمت و مرامت فراوان تولید شده است، نابود می‌شود، چون به صورت باری اضافی بر دوش درآمده است. با توجه به گرسنگی حاکم بر پنج قاره جهان، چنین تدبیری بی‌تردید جز جنایت نامی ندارد، ولی این کارها فی‌نفسه صورت نمی‌گیرد، به هیچ روی چنین نیست. ما امروز در اکثر کشورهای جهان با اوضاع اجتماعی‌ای روبرو هستیم که در آن انواع جنایات را پادشاه‌های فراوانی است، در حالی که برای فضایل انسانی باید بهایی بس گزاف پرداخت. «انسان خوب، بی‌دفاع است و آن که بی‌دفاع است زیر ضربات چماق خرد خواهد شد، ولی از طریق اعمال خشونت نمی‌توان به همه چیز دست یافت. خباثت به ده‌هزار سال سابقه پشت‌گرم است، در حالی که مهربانی و محبت محتاج محافظت است و محافظی پیدا نمی‌کند».

اگر نخواهیم که ما نیز هم‌چون دیگران خواستار چیزی غیرممکن شویم، باید بپذیریم از این که به همین سادگی از مردم مهربانی و محبت طلب کنیم! خود را در معرض این اتهام قرار ندهیم که ما نیز با دادن شعار از مردم خواستار عملی فوق بشری هستیم، یعنی از آنها می‌خواهیم تا به مده فضایل عالی به تحمل این اوضاع نابسامان وحشتناک تن دهند، اوضاعی که هر چند امکان تغییر یافتن دارد، نباید تغییری پیدا کند. - بیایید تنها از فرهنگ سخن نگوئیم بیایید به فرهنگ رحم کنیم، ولی ابتدا نسبت به انسان‌ها رحم داشته باشیم! فرهنگ هنگامی نجات می‌یابد که انسان‌ها نجات پیدا کنند. بیایید شیفته این ادعا نشویم که انسان‌ها در خدمت

برخی از ما برای این سوال پاسخی دارند. خواهند گفت «علت تمامی این نابسامانی‌ها خشونت و درنده‌خویی است». - اینان بر این تصورند که شاهد طغیان دهشتناک جمع وسیعی از بشریت‌اند که پیوسته گسترده‌تر و گسترده‌تر می‌شود. جریانی نفرت‌انگیز و بی‌دلیل، طغیانی که ناگهان ظهور می‌کند و احتمالاً با امید فراوان، به همان ناگهانی نیز فرو می‌نشیند؛ غلبان بی‌امان توحشی غریزی که مدتی دراز سرکوب شده یا به خوابی آرام فرو رفته بوده است.

آن‌ها که چنین پاسخی می‌دهند، خود نیز احساس می‌کنند که این پاسخ برد چندان ندارد و نیز خود به خوبی می‌دانند که نمی‌توان خشونت و درنده‌خویی را بر تکیه بر نیروهای غریزی، نیروهای شکست‌ناپذیر اهریمنی، توجیه کرد.

به این ترتیب، اینان از بی‌توجهی به تربیت نوع بشر سخن می‌گویند؛ چیزی در این میان نادیده گرفته شده یا در شتابی که داشته‌اند به آن توجه نکرده‌اند، و حالا باید جبران کرد. باید با محبت و مهربانی به مقابله خشونت رفت. باید به الفاظ بزرگ توسل جست، به سوگندهایی که در گذشته موثر افتاده‌اند، به مفاهیم جاودانی «عشق به آزادی، احترام به حیثیت بشری و عدالت» - مفاهیمی که تأثیرشان از لحاظ تاریخی به ثبوت رسیده است، و این است که به سوگندهای بزرگ توسل می‌جویند. اما حاصل آن چیست؟ هنگامی که به فاشیسم، نسبت خشونت بدهند، او با تمجید تعصب‌آمیز خشونت پاسخ می‌گوید؛ چون به تعصب تمهیش کنند، به ستایش تعصب دست می‌زنند؛ و زمانی که با اتهام «تحقیر فرد» مواجه شود، با خیالی آسوده به نفی خود می‌پردازد.

فاشیسم نیز معتقد است که در تربیت افراد کوتاهی شده است. فاشیسم نیز امید فراوانی به نفوذ در مغز انسان‌ها و تسخیر قلوب آن‌ها بسته است. فاشیسم، تعلیم خشونت در مدارس، روزنامه‌ها و تئاترها را به خشونت حاکم در شکنجه‌گاه‌های خویش می‌افزاید. آری، فاشیسم تمامی ملت را چنین تربیت میکند و در تمام طول روز، بی‌وقفه بدین امر مشغول است. فاشیسم نمی‌تواند چیزی زیادی به توده مردم بدهد، چون سخت سرگرم «تربیت» انسان‌هاست. غذایی برای مردم ندارد، پس باید تقویت اراده و غلبه بر نفس را تبلیغ کند. نمی‌تواند امر تولید را سر و سامان بدهد و برای جنگ نیاز دارد، پس باید به تقویت جرات و روحیه رزمندگی بپردازد. به فداکاری نیازمند است، پس باید به تشویق جس فداکاری در افراد دست بزند. این‌ها هم برای خود آرمان‌هایی هستند، توانایی‌هایی که از انسان‌ها خواسته می‌شود و بعضی نیز حتی آرمان‌ها و خواسته‌های متعالی به شمار می‌آیند، ولی ما می‌دانیم که این آرمان‌ها در خدمت کدامین هدف است، تربیت‌کننده کیست و چه کسانی از چنین تربیتی بهره می‌گیرند؛ بی‌شک بهره‌گیران، تربیت‌شوندگان نیستند. اما آرمان‌های ما چگونه است؟ آن عده از ما نیز که علت تمامی این نابسامانی‌ها را خشونت می‌دانند، همان طور که دیده‌ایم، تنها از تربیت و فقط از نفوذ در روان انسان‌ها سخن می‌گویند، و دست‌کم هیچ‌گونه سخنی از تدابیر دیگر به میان نمی‌آورند. اینان از پرورش روح مهربانی و محبت در آدمی سخن می‌گویند. اما مهربانی و محبت با طلب مجرد مهربانی و محبت به دست نمی‌آید. از طریق طلب، در هیچ شرایطی، حتی دشوارترین شرایط، مهربانی و محبت حاصل نمی‌شود؛ هم‌چنان که خشونت تنها از طریق طلب خشونت.

من شخصاً به موضوع «خشونت به خاطر نفس خشونت» باور ندارم. باید از بشریت در برابر این اتهام که خشونت در ذات اوست دفاع کرد. هر چند که خریداری نداشته باشد. به نظر من دوستم «فشت و انگور» دچار انحراف فکری بزرگی می‌شود وقتی که می‌گوید «حیثیت مقدم بر سودجویی است»، او اشتباه می‌کند. خشونت از خشونت فی‌نفسه پدید نمی‌آید، بل از مبادلاتی سرچشمه می‌گیرد که بدون اعمال خشونت ناممکن است.

اوضاع و احوال سرزمین کوچکی که من از آن می‌آیم چندان دهشتناک‌تر از بسیاری سرزمین‌های دیگر نیست. ولی آنجا هر هفته پنج هزار راس از بهترین دام‌های پرواری را از میان می‌برند. این کار زشتی است، ولی انگیزه آن طغیان ناگهانی عطش خون‌ریزی نیست. اگر چنین می‌بود، زشتی کم‌تری داشت. دلیل از میان

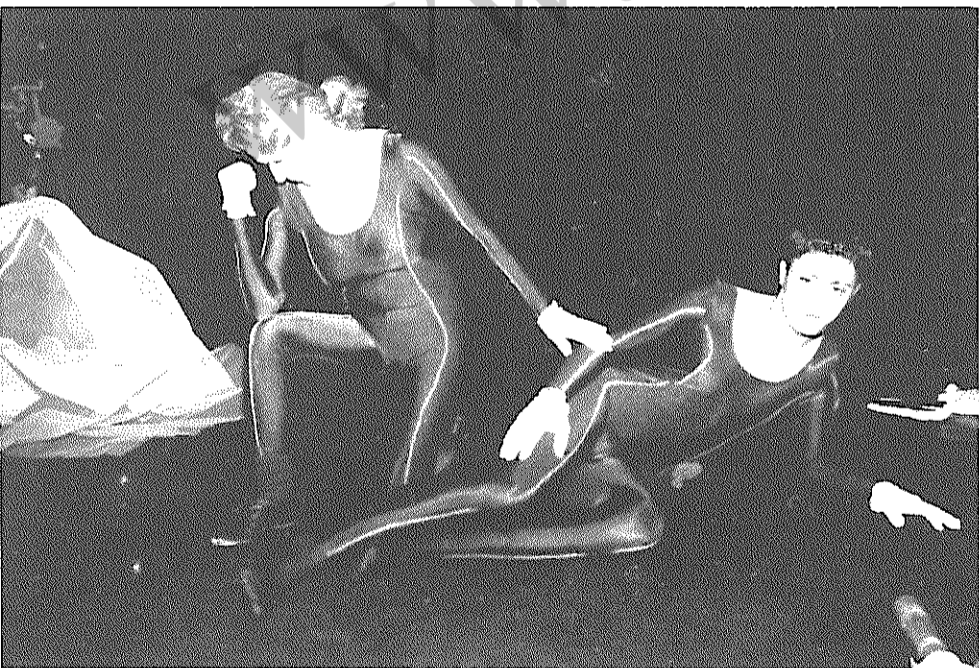
فرهنگند، نه فرهنگ در خدمت انسان‌ها! چنین مدعایی انسان را به یاد بازارهای بزرگ می‌اندازد، جایی که انسان‌ها در خدمت دام‌ها هستند و نه دام‌ها در خدمت انسان‌ها!

دوستان، قدری عمیق‌تر به ریشه نابسامانی‌ها بنگریم! مکتب فکری ارزنده‌ای که هر روز توده‌های وسیع‌تری از مردم سیاره ما، این سیاره جوان را فرا می‌گیرد، می‌گوید که ریشه تمامی نابسامانی‌ها مناسبات مالکیت حاکم بر جوامع ماست. این مکتب فکری، به سادگی تمامی مکتب‌های بزرگ فکری دیگر در میان توده‌های از مردم نشر پیدا کرده است که بیش از دیگران از مناسبات مالکیت حاکم و روش‌های وحشیانه‌ای که برای حفظ آن به کار می‌رود، رنج می‌برند.

بسیاری از ما نویسندگان که فجایع و پلیدی‌های فاشیسم را تجربه کرده‌اند و از آن نفرت دارند، هنوز این مکتب را نشناخته‌اند، و هنوز ریشه‌های خشونت را که از آن نفرت دارند، پیدا نکرده‌اند. در مورد این افراد همواره این خطر وجود دارد که فجایع فاشیسم را فنجایی بی‌دلیل تلقی کنند. اینان هواخواه مناسبات مالکیت موجودند، زیرا بر این تصورند که برای حفظ آن نیازی به فجایع و خشونت‌های فاشیسم نیست. ولی برای حفظ مناسبات مالکیت موجود این گونه فجایع و خشونت‌ها ضروری است. فاشیسم‌ها در این باره دروغ نمی‌گویند، آن‌ها حقیقت را بیان می‌کنند. آن عده از دوستانی که مانند ما از فجایع فاشیسم متنفرند ولی در عین حال می‌خواهند مناسبات مالکیت موجود محفوظ بماند و یا در قبال آن موضعی بی‌تفاوت اختیار می‌کنند، قادر به مبارزه قاطع و پی‌گیر با این درنده‌خویی‌های روزافزون نخواهند بود، چون نمی‌خواهند به برقراری مناسبات اجتماعی‌ای که در آن دیگر درنده‌خویی را راهی نیست کوچک‌ترین گامی بردارند. ولی آن‌ها که در جستجوی ریشه‌های این نابسامانی‌ها به نقش مناسبات مالکیت پی برده‌اند، درجات دوزخی از پلیدی‌ها را یک به یک پشت سر نهاده‌اند و در نک این جهنم زشتی‌ها به جایی رسیده‌اند که جمعی کوچک، سلطه بی‌رحمانه خود را بر تمامی جامعه بشریت حکم فرما کرده است. این جمع سلطه‌اش را بر آن شکلی از مالکیت فردی بنا نهاده که در کار بهره‌کشی از انسان‌هاست و یا جنگ و دندان از چنین مناسباتی دفاع می‌کند، از طریق فدا کردن فرهنگی که به هیچ روی تن به دفاع از چنین نظامی نمی‌دهد و یا به کار دفاع از این نظام نمی‌آید، و همراه با اصحای تمامی قوانین بشری، یعنی قوانینی که بشریت قرن‌ها با شیامت تمام در راهشان مبارزه کرده است.

دوستان، بیایید در باره مناسبات مالکیت صحبت کنیم! این چیزی بود که می‌خواستیم در باره درنده‌خویی‌های روزافزون بگوئیم تا در این‌جا نیز این حرف‌ها زده شده باشد، و یا بهتر بگوئیم: من نیز آن را مطرح کرده باشم.

چهارمین فستیوال تئاتر ایران در کلن



بهرخ حسین بابایی و فرود حدیری در صحنه‌ای از منظومه «مهره سرخ» از شاعر فقید سیاوش کسریایی. کار «گروه تئاتر سکوت» به کارگردانی مجید فلاح‌زاده

همبستگی میان هنرمندان و تماشاگران این فستیوال بود. استقبال تماشاگران و حضور انبوه آنان در هر یک از برنامه‌ها، برخورد فعالانه آنان در جلسات گفت و شنود با کارگردان و سایر هنرمندان بیانگر موفقیت دست‌اندرکاران فستیوال است. دیروزهای مکرر زمان اجرای نمایش‌ها، بازی و اجرای متوسط برخی برنامه‌ها در برخی موارد گله و شکایت تماشاگران را برانگیخت اما کسی در اهمیت و ضرورت برگزاری فستیوال و حمایت از هنرمندان تردیدی نداشت. این فستیوال به مثابه پاسخی به حرکت‌های ضد هنری - تئاتری جمهوری اسلامی، هم‌چنان نیازمند باری و پشتیبانی ست. حمایت همه‌جانبه هنرمندان و دوستداران تئاتر می‌تواند در ارتقای این فستیوال به نهادی جدی مؤثر باشد.

چهارمین دوره فستیوال تئاتر ایرانی در شهر کلن آلمان از روز ۱۹ نوامبر تا اول دسامبر برگزار شد. در این فستیوال ۲۳ گروه با ۲۵۰ هنرمند از ۸ کشور، ۳۷ کار نمایشی را به اجرا گذاشتند. در فاصله یازده روز بیش از چهار هزار تماشاگر از گروه‌های سنی مختلف از برنامه‌ها دیدن کردند. تماشاگران در پایان هر یک از برنامه‌ها با کارگردان و اجراکنندگان به بحث و گفتگو پرداختند.

نمایشات فستیوال را می‌توان به گروه‌بندی‌های متفاوتی تقسیم نمود. از جمله نمایشات کودکان، نوجوانان، جوانان، بزرگسالان یا نمایشات به شدت سیاسی، خشنی نمینستی، یا نمایشات مربوط به «بازی کلام» و «بازی بدن» یا نمایشات به زبان فارسی، آلمانی، ترکی، کردی و... اما آنچه را نمی‌توان تقسیم کرد احساس مشترک و

بنیان‌گذاران جنبش فداییان خلق (گروه ۲)

گروه پیشاهنگ احمدزاده - پویان - مفتاحی
بفش دوم



تدارک مبارزه مسلحانه و عملیات گروه

گروه پس از پذیرفتن مشی مسلحانه در صدد تدارک عملی مبارزه چریکی در شهر آمد. گروه در این هنگام دارای سازمان سیاسی - نظامی نبود و با همان روابط سیاسی قبلی خود دست به تدارک مبارزه مسلحانه زد. نخستین نیازهای گروه تشبیه برنگ‌های شناسایی (شناسنامه و مانند آن) و پول بود. گروه از راه‌های مختلف شناسنامه تهیه می‌کرد. این راه‌ها اساساً مسالمت‌آمیز بود. از جمله تعدادی شناسنامه توسط احمد فرهودی که پدرش کارمند اداره ثبت احوال بود، به دست گروه رسید. گروه از راه‌های مختلف دست به تشبیه اسلحه زد. تعدادی سلاح کمربند و مقداری دینامیت به دست گروه رسید و برای عملیات تعدادی کوکتل مولوتف تهیه شد. چند قبضه سلاح کمربند در اختیار شاخهٔ تبریز بود. این سلاح‌ها توسط خود شاخه تهیه شده بود. با این مقدمات برسد که گروه برای دست‌یافتن به پول جهت رفع نیازهای روزافزون خود تصمیم به مصادرهٔ بانک و تکر گرفت. در این زمان گروه فاقد تیم عملیاتی و کادرهای حرفه‌ای سیاسی - نظامی بود.

مصادرهٔ بانک و تکر: این بانک توسط کاظم سلاخی، احمد زبیرم و چند تن دیگر از رفقای تهران شناسایی شد. برای مصادرهٔ بانک حمید ترکلی از مشهد و احمد فرهودی از ساری به تهران آمدند. این دو نفر پیش از آنکه مصادرهٔ بانک حدود یک ماه در تهران مانند. برای عملیات یک خودرو با یکی از شناسنامه‌های تشبیه شده توسط احمد فرهودی خریدند.

در آبان سال ۴۹ چهار نفر زیر فرماندهی کاظم سلاخی و بانک و تکر را مصادره کردند و مبلغ مصادره شده را در اختیار گروه قرار دادند. پس از پایان عملیات هنگامی که افراد به وسیلهٔ خودرو از محل عملیات دور می‌شدند، بر اثر عدم تسلط کاظم سلاخی به اسلحهٔ کمربند کلوله‌ای از آن شلیک می‌شد که سر زبیرم را زخمی کرده و از سقف خودرو می‌گذرد. ناچار این خودرو در خیابان رها شده و برنامهٔ قبلی که سرزاندن آن را پیش‌بینی کرده بود، به هم خورد. پس از سه روز پلیس از طریق ردگیری به هویت صاحب خودرو، یعنی شناسنامهٔ ربوده شده از ساری پی می‌برد. از این راه پلیس به ادارهٔ ثبت احوال ساری و پدر فرهودی می‌رسد. بدین ترتیب احمد فرهودی، لو می‌رود و فراری می‌شود. فرهودی مخفی می‌شود. تصور گروه از مخفی شدن در این زمان، محسوس شدن در خانه بود. در دی ماه پس از مذاکرات گروه با گروه جزئی - ظرفی، فرهودی به تیم جنگل گروه جزئی - ظرفی پیوست، که خود را برای عملیات سیاهکله آماده می‌کرد. در اسفند ۴۹ پس از اسیر شدن فرهودی در سیاهکل هویت مصادره‌کنندگان بانک در حد اطلاعات فرهودی لو می‌رود و کاظم سلاخی که پیش از آن بازداشت شده بود، بار دیگر به بازجویی جدی کشیده می‌شود.

خصوصیات عمدهٔ مصادرهٔ بانک و تکر به شرح زیر بود:

- الف - هدف عمدهٔ گروه از این عمل به دست آوردن پول بود.
- ب - این عملیات توسط یک تیم انجام نشد و افرادی از قسمت‌های مختلف برای انجام آن گرد آمدند.
- پ - شناسنامه از راه مسالمت‌آمیز تهیه شده و از همین راه امکان لو رفتن فرهودی فراهم شده بود.
- ت - در حالی که افراد اعضای یک تیم نبودند و مدتی طولانی با یکدیگر هم‌کاری و دوستی نداشتند، اسامی واقعی یکدیگر را می‌دانستند.
- مصادرهٔ بانک و تکر اولین عمل واقعی گروه بود. این عمل با موفقیت انجام گرفت. مصادرهٔ بانک نیازهای مالی گروه را تأمین کرد و در حد خود روحیهٔ نظامی را در گروه بالا برد.

ادامه دارد

ب) تحقق مشی مسلحانه و اصول سازمان‌دهی سیاسی - نظامی ایجاب می‌کرد که از رژیم و امکانات او شناختی واقعی به دست آورده و اصول پنهان‌کاری و نظم سیاسی - نظامی بر گروه چیره شود. عدم تناسب شکل گروه که عمدتاً سیاسی بود با محتوای آن که سیاسی - نظامی بود نه تنها در این دوره از زندگی گروه ادامه یافت، بلکه در سال ۵۰ به سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران آسیب جدی رساند.

ج) گروه به فعالیت‌های سیاسی - صحنی بنیانی لازم را نداد و از درک اهمیت این فعالیت‌ها غافل ماند. میرم بودن تدارک مبارزهٔ مسلحانه گروه را از توجه به اشکال دیگر مبارزه باز داشت. به ویژه این که در دورهٔ قبل هم به فعالیت‌های سیاسی - صحنی توجه نشده بود.

د) برگزیدن اسامی انقلابیون آمریکایی لاتین و دیگر جنبش‌ها از یک سو نشانهٔ افزایش شور انقلاب گروه و از سوی دیگر نشانهٔ تأثیر قاطع ادبیات انقلابی جهان در زندگی گروه بود. اما صرف نظر از مغایرت این گونه نام‌گذاری با اصول پنهان‌کاری، این نوعی بی‌توجهی به فرهنگ توده‌های زحمتکش وطن ما بود و به سود نزدیکی و پیوند پیشاهنگ با توده نبود. این خود نشانهٔ بقایای جدی کار سیاسی و گرایش‌های روشنفکرانه در گروه بود که از دورهٔ نخست باقی مانده بود. مکانیبات درون سازمان خواه در مسائل شورریک و یا در معرفی افراد و کسب اطلاع بالا از پایین از جمله همین بقایا بود که اساساً با اصول پنهان‌کاری مغایرت داشت.

نتیجه کلی این که گروه گروه در این دوره از نظر روابط سازمانی و آموزش و تعلیم اعضای خود گام‌های چشم‌گیری برداشت و با صداقت و فداکاری در صدد تدارک مبارزهٔ مسلحانه برآمد و حتی دست به عمل نظامی نیز زد. از دست یافتن به سازمان‌دهی اصولی سیاسی - نظامی بازماند. اگر گروه سال ۴۹ با تهاجم پلیس روبرو می‌شد، شیوهٔ مبارزهٔ روابط سازمانی موجود، گروه را به نابودی می‌کشاند. چنان که متأسفانه در سال ۵۰ علیرغم پیش‌رنت‌های آشکاری که نسبت به سال ۴۹ شده بود، در تهاجم تابستانی پلیس گروه زیر ضربه قرار گرفت و ده‌ها تن از اعضای گروه هم‌راه با تجربه‌ترین کادرها به اسارت درآمدند. ادامهٔ شیوهٔ نارسای قبلی در سازمان‌دهی در این بازداشت‌ها اثر انکارناپذیری داشت.

گسترش سازمانی گروه در دورهٔ دوم

جواد و کاظم سلاخی با یک محفل مارکسیستی که بیژن هیرمندپور تشکیل داده بود، تماس‌هایی داشتند. در سال ۴۹ کاظم پس از مدتی تبادل نظر با هیرمندپور برای ادغام این محفل در گروه به توافق رسید. در این تبادل نظرها مسعود احمدزاده نیز شرکت کرده بود. عده‌ای از افراد این محفل به عضویت گروه درآمدند و چند نفر از آن‌ها نیز با کاظم رابطهٔ سمپاتیونی برقرار کردند. حسن نوروزی، حاجیان سه‌پله و خود هیرمندپور از این راه به عضویت گروه درآمدند. عبدالحسین براتی، ابراهیم دل‌افسوده و جلال نقاش نیز از این محفل بودند و سمپاتیون گروه شدند.

در سال ۴۹ حسین خورشورس و علی سلیمانی‌نژاد توسط کاظم سلاخی به عضویت گروه درآمدند. احمد زبیرم توسط بهمن آژنگ در تهران به گروه معرفی شد. در این دوره عباس جمشیدی رودباری، جواد اسکویی و اصغر ایزدی به عضویت گروه درآمدند.

در تبریز اکبر موید به وسیلهٔ تقی افشانی به عضویت گروه درآمد. هم‌چنین نورالدین ریاضی، رحیم کیاور و رقیبه دانشگری توسط مناف فلکی با گروه رابطه پیدا کردند.

در این دوره افراد دیگری نیز در تهران، مشهد و تبریز به عضویت یا سمپاتیونی گروه درآمدند. که اغلب آن‌ها در تهاجم سال ۵۰ پلیس به سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بازداشت شدند.

این شماری کلی گروه در پایان دورهٔ دوم زندگی آن، یعنی در آستانهٔ تشکیل سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بود.

۲۷ سال پیش سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران از به هم پیوستن دو گروه تشکیل شد؛ گروه جزئی - ظرفی (گروه جزئی) و گروه احمدزاده - پویان - مفتاحی (گروه احمدزاده - پویان). در سازمان این دو گروه به ترتیب به نام‌های گروه ۱ و گروه ۲ نیز شناخته شده‌اند.

به مناسبت بیست و هفتمین سال‌گرد بنیان‌گذاری سازمان بر آن شدیم که به گروه دو بنیان‌گذار سازمان، به گروه احمدزاده - پویان - مفتاحی بپردازیم. جامع‌ترین نوشته در بارهٔ این گروه هنوز نیز آن است که رهبر جان‌باختهٔ سازمان، فدایی خلق بیژن جزئی در «تاریخچهٔ چریک‌های فدایی خلق» در بارهٔ این گروه نوشته است. آن چه در زیر می‌آید، بخش دوم خلاصه و برگرفته‌ای از این نوشته است. بخش سوم و پایانی این نوشته در شمارهٔ آیندهٔ کار از دیدگان گرامی‌تان می‌گذرد.

رفیق بیژن، خود در مقدمهٔ این نوشته گفته است «به دلیل نداشتن دست‌رسی به کلیهٔ رفقایی که می‌توانند در تدوین این تاریخچه صاحب‌نظر باشند، این نوشته خالی از نارسایی نخواهد بود.»

گسترش گروه در دورهٔ نخست

پس از تشکیل هستهٔ مرکزی در آخر سال ۴۶ در تهران چند تن از کسانی که از مدت‌ها پیش با اعضای هستهٔ مرکزی در ارتباط بودند، به گروه پیوستند. از جمله این افراد برادران سلاخی (جواد و کاظم) بودند. مجید احمدزاده (برادر مسعود احمدزاده) نیز از نخست با گروه هم‌کاری داشت.

در آغاز سال ۴۷ پویان و احمدزاده از میان دوستان نزدیک خود در مشهد، هستهٔ مرکزی گروه در این شهر را تشکیل دادند. حمید ترکلی، بهمن آژنگ و مهدی سوالونی اعضای هستهٔ مرکزی مشهد بودند. در سال ۴۷ - ۴۸ شاخهٔ مشهد گسترش یافت. از جمله کسانی که در این دوره به گروه پیوستند می‌توان از سعید آراین، شهبان توکلی (همسر سعید آراین و خواهر حمید توکلی)، غلام‌رضا گلوی، سیدنوردی، سالی و سیداحمدی نام برد.

در اوایل سال ۴۷ پویان در جریان فعالیت‌های فرهنگی با صمد بهرنگی آشنا شد. صمد در تبریز رفتاری زیادی داشت. او چند تن از این رفقا را به امیر پرویز پویان معرفی کرد. بهروز دهقانی نیز از معرفتی شدگان بود. پویان در اواخر تابستان سال ۴۷ برای تشکیل هستهٔ مرکزی گروه در تبریز هم‌راه یکی از اعضای گروه به آن‌جا رفت. در این هنگام خبر غرق شدن صمد بهرنگی در ارس رسید. پویان با بهروز دهقانی، علیرضا نایدل و مناف فلکی هم‌تکری و گفتگو کرد و در اواسط سال ۴۷ هستهٔ مرکزی گروه در تبریز از این سه تن تشکیل شد. در سال‌های ۴۷ - ۴۸ این شاخه نیز گسترش یافت و اشرف دهقانی (خواهر بهروز دهقانی)، اصغر عرب هریسی، عباد احمدزاده، محمد تقی‌زاده و جعفر اردبیل‌چی با آن ارتباط رسمی و غیررسمی (سمپاتیونی) پیدا کردند.

در سال ۴۸ در تبریز شاخهٔ دیگری نیز توسط اسدالله منتاحی (برادر عباس مفتاحی) به وجود آمد. در این شاخه علاوه بر اسدالله منتاحی، تقی افشانی، سمین امین‌نیا، علی توسلی، احمد احمدی، حسن جعفری، رضوان خسروشاهی و بهروز حقی عضویت یافتند.

در سال ۴۷ در مازندران شاخه‌ای توسط عباس منتاحی تشکیل شد. اعضای این شاخه در دورهٔ نخست عبارت بودند از احمد فرهودی، چنگیز قبادی، بهرام قبادی، فاطمه (میرنوش) ابراهیمی (همسر چنگیز قبادی)، حمیدیان و کریمیان.

گسترش سازمانی گروه تا پایان سال ۴۸ در همین حدود بود. در دورهٔ بعد افراد جدیدی به گروه پیوستند و عده‌ای از اعضای سابق که مشی جدید گروه را نپذیرفته و یا توانایی‌های لازم را نداشتند، از گروه خارج شدند.

خصوصیات گروه در دورهٔ دوم

از اواخر سال ۴۸ تا تشکیل

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

مشی مسلحانه به یک‌باره از جانب گروه پذیرفته نشد. بحث‌ها و تبادل نظرهایی که در اواخر سال ۴۸ در گروه به میان آمد، اوایل سال ۴۹ در نوشتهٔ امیر پرویز پویان به نام «ضرورت مبارزهٔ مسلحانه و رد تئوری بقا» مطرح شد. این نوشته و نوشتهٔ مسعود احمدزاده به نام «مبارزهٔ مسلحانه - هم استراتژی، هم تاکتیک» در شکل دادن به تفکر و مشی گروه نقش اساسی داشتند.

در پایان سال ۴۸ گروه به مبارزهٔ مسلحانه اعتقاد پیدا کرد. این تغییر در شیوهٔ مبارزهٔ گروه در مقالهٔ پویان منعکس شد. در این مرحله هنوز گروه شناخت همه‌جانبه‌ای از مشی مسلحانه نداشت. هنوز مرحلهٔ تشکیل حزب طبقه‌کارگر به عنوان اولین مرحلهٔ مبارزهٔ گروه شناخته می‌شد. گروه هنوز بسیج و رهبری انقلاب را به عنوان رسالت تاریخی حزب تأیید می‌کرد. گروه در مرحله به دو نظریهٔ محوریتی دست یافته بود:

یک - ضرورت مبارزهٔ مسلحانه به مثابه آن شکل از مبارزه که قادر به شکستن قدرت مطلق دستگاه حاکمه است. دو - محکوم کردن برنامهٔ محفل‌ها و گروه‌های سیاسی مارکسیست که بر اساس تئوری بقا تنظیم شده و به بی‌عملی مطلق منجر می‌شود.

پس از انتشار نرسیدهٔ پویان بحث‌های جدی و پی‌گیرانه‌ای در گروه رخ داد که در نتیجهٔ آن گروه به مشی مسلحانه رسید.

نظر گروه در مورد حزب چنین شد که «اگر حق داریم بگوییم که مبارزهٔ نیاز به یک حزب دارد. چرا نتوانیم بگوییم چنین حزبی تنها در خود مبارزهٔ مسلحانه به وجود خواهد

آمد». گروه معتقد بود در شرایط اختناق پلیسی پیشاهنگ با دست زدن به مبارزهٔ مسلحانه نشان می‌دهد که مبارزه واقعاً آغاز شده و از آن پس پیش‌رفت آن به حمایت و شرکت فعالانه توده‌ها نیاز دارد. به این منظور باید نشان داد که قهر ضدانقلابی را می‌توان شکست و ثبات پورشالی را باید افشا کرد و تنها در عمل سیاسی - نظامی می‌توان پیشرو واقعی را به وجود آورد و آن را قادر ساخت که در شرایط مناسب حزب طراز نوین را به وجود آورد.

گروه پس از پذیرش مبارزهٔ مسلحانه، در مورد آغاز مبارزهٔ مسلحانه در شیر یا روستا روی مبارزهٔ چریکی در شیر تأکید کرد. در تکرین خط مشی گروه «چریک شهری» نوشتهٔ ماریگلا موئر بود. هم‌چنین مطالعهٔ نظرات کلی سیلوا در تعدیل نظرات رژی دبره در زمینهٔ کانون چریکی و مقالهٔ حزب تأثیرگذار بود. پس در دورهٔ دوم زندگی گروه، تغییرات زیر به وجود آمد:

الف - مشی مسلحانه جای مشی سیاسی را گرفت. این تحول اساسی تغییرات دیگری را به دنبال آورد. به مسئلهٔ حزب پاسخ تازه‌ای داده شد. نظرات حزب کمونیست چین اثر خود را در تعیین مشی گروه و شناخت آن از جامعه از دست داد. اما گروه در دورهٔ دوم هم در رابطه با قطب‌گیری جهانی گرایش‌های پروچینی خود را حفظ کرد.

ب - به دنبال پذیرش مشی مسلحانه روابط سازمانی و شرایط کار در گروه در راه تدارک مبارزهٔ مسلحانه تغییر یافت. در این دوره سانترالیسم در گروه تقویت شد. به بقایای روابط محفلی در گروه پایان داده شد و کسانی که خصوصیات لازم برای تحقق مشی جدید گروه را نداشتند، یا کنار گذاشته و یا منتقل شدند.

در شرایط جدید بنیانی عمده به خصصیت‌های مبارزه‌جویانه، روحیهٔ نظامی و فداکاری افراد داده می‌شد. کسانی که در دوره پیش در محیطی روشن‌فکرانه به گروه راه یافته بودند، می‌بایستی خود را با شرایط جدید هماهنگ می‌کردند و به سطح دیگری می‌رسیدند. در غیر این صورت آن‌ها به عقب‌ماندگی و یا حتی جدایی از گروه محکوم می‌شدند.

برای عضوگیری ضوابط جدیدی گذاشته شد. در این مورد نیز خصصیت‌های مبارزه‌جویانه بیش از سطح تئوری مورد توجه قرار گرفت. برای عضویت در گروه سه مرحله تعیین شده بود. این مرحله‌ها عبارت بود از سمپاتیونی، سمپاتیونی پیش‌رفته و عضو. در دو مرحلهٔ نخست فرد برای فعالیت در درون گروه آماده می‌شد. داوطلب عضویت پیش از پذیرش به عضویت در گروه در یک رشتهٔ فعالیت‌های ابتدایی تدارکاتی شرکت می‌کرد.

ج - در آموزش و تعلیم افراد تغییراتی داده شد. فن مبارزه با پلیس و پنهان‌کاری مورد توجه جدی قرار گرفت. تقویت جسمانی جزو برنامه شد. شناسایی و تعقیب، اسلحه‌شناسی و آشنایی با مواد منفجره، کوکتل‌سازی و مانند آن جزو برنامه قرار گرفت.

تئوری‌های عام مارکسیسم - لنینیسم، تحلیل جنبش‌های انقلابی جهان و انطباق آن با شرایط ایران، آثار انقلابی آمریکایی لاتین و مقالات گروه در زمینهٔ شناخت موقعیت اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشور برای آموزش شورریک افراد به کار می‌رفت. از افراد گروه در مسائل مختلف نظرخواهی می‌شد. نظرات افراد اغلب به صورت کتبی به هستهٔ مرکزی می‌رسید.

د - در این دوره اسامی مستعار برای همهٔ اعضا و حتی سمپاتیون‌های پیش‌رفته تعیین شد. تحت تأثیر ادبیات انقلابی جهان به خصوص آمریکایی لاتین اسامی (انقلابیون پذیرفته می‌شد. اسامی مستعار هستهٔ مرکزی چنین بود: پویان «کامیو»، احمدزاده «فراریک» و مفتاحی «امانتورل».

نیازهای مالی گروه از راه کمک‌های داوطلبانهٔ اعضا تأمین می‌شد. پس از زدن بانک و تکر در امور مالی گشایش به وجود آمد. این‌ها همه نشانهٔ دگرگونی گروه در راه مبارزهٔ مسلحانه بود. با این حال در همین دوره نارسایی‌ها و کمبودهای مهمی وجود داشت. این کمبودها به شرح زیر بودند:

۱) گروه با پذیرش مشی مسلحانه می‌بایستی از بن تجدید سازمان می‌شد. می‌بایستی سیستم شبکه‌بندی سیاسی در گروه از میان برداشته و سلول، پایهٔ گروه می‌شد. افرادی که از هر نظر توانایی کار در گروه را نداشتند، می‌بایستی با قاطعیت تصفیه می‌شدند و افراد مستعد قشر سمپاتیون را پیرامون تیم‌ها تشکیل می‌دادند. چه بسا در این تجدید سازمان گروه ناچار می‌شد برخی شاخه‌ها و یا افراد خود را موقتاً از گروه جدا کرده به صورت نیروی ذخیره برای آینده در آورد.

پیام شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت سالروز ۱۹ بهمن؛ روز بنیان‌گذاری جنبش فداییان خلق

ادامه از صفحه اول

رویدادهای شکست متفحصانه نامزد سرکوب‌گرترین دست‌بندی درون حکومتی برای تصدیق پست ریاست جمهوری از مردم بود. حضور مردم در انتخابات ضددموکراتیک حکومتیان، نقشه‌های جناح خامنه‌ای برای قبضه کامل قدرت در دست خویش را با شکستی کوبنده مواجه کرد. این روی داد نمایانگر قدرت مردم در شرایط حضور فعال آنان در صحنه سیاسی کشور است.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در دی ماه امسال پنجمین کنگره خود را برگزار کرد. فداییان خلق در کنگره خود بار دیگر پیمان خویش با بنیان‌گذاران سازمان بر سر آرمان‌ها و خصایل بنیادین جنبش را تجدید کردند. کنگره سازمان با تأکید بر سوسیالیسم، بر این نکته با تأکید که نظام ناعادلانه سرمایه‌داری سرنوشت ابدی و سخن آخر تاریخ نیست. کنگره

با تأکید بر مبارزه برای تحقق و پیش‌برد ارزش‌های سوسیالیستی در جوامع موجود، اعتقاد فداییان خلق به مبارزه جاری در راه آماج‌های دادپوخته را آشکار ساخت.

در این کنگره تلاش ما، نیز این بود که با بازشناسی و بررسی روند تحول اوضاع کشور به ویژه در سال گذشته، راه‌های عملی و کارساز پیکار رو در رو با استبداد و در راه دموکراسی و عدالت اجتماعی را بیابیم. در رابطه با سیاست‌های جاری سازمان کنگره به این برآمد رسید که امروزه پیکار برای برپایی حکومتی مبتنی بر دموکراسی به جای حکومت جمهوری اسلامی، از گذرگاه مبارزه برای کوتاه کردن دست مستبدترین جناح این حکومت، یعنی جناح خامنه‌ای از قدرت می‌گذرد. در این راستا پنجمین کنگره هم‌چنین بر این نکته انگشت گذاشت که سیاست سازمان در قبال آقای خاتمی را

عملکرد وی در قبال خواست‌های مردم تعیین خواهد کرد. فداییان خلق ضمن استقبال از گام‌های مثبت وی، با اقدامات منفی او مخالفت خواهند نمود.

فدائیان خلق در پیکار خود هم‌چنان تنها به نیروی توده‌ها پشت‌گرم‌اند. فدائیان زنان، جوانان و کارگران ایران را فرامی‌خوانند که برای تغییر اوضاع نابسامان کشور و به ویژه برای بدست آوردن آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نه بر وعده‌های مسولان که به همت خود متکی شوند. پیام فداییان به همه مردم ایران چنین است: هم‌پیمان، در مبارزه خود علیه ولایت فقیه و استبداد و برای استقرار آزادی‌های سیاسی در کشور به خود و نیروی خود متکی شوید. این نیرو بی‌پایان و شکست‌ناپذیر است و آن چه را که اراده کند، اگر بخواهد می‌تواند به دست آورد. این نیروی لایزالی که در

دوم خرداد به میدان آمد اگر در میدان بماند، ایران راه خود به سوی دموکراسی را خواهد پیمود.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) فرا رسیدن بیستمین سال پیروزی انقلاب بهمن را به همه هم‌پیمانان و یاران و دوستداران ۱۹ بهمن را به همه یاران و دوستداران سازمان تبریک می‌گوید. امید ما اینست که امسال سال پیروزی‌های هر چه بیشتر برای همه ایرانیان در مبارزه علیه استبداد و بیداد، سال تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر برای همه ایرانیان باشد. امیدواریم که ما فداییان خلق بتوانیم در این پیکارها در سالی که در پیش است نشانی شایسته نام‌فدایی بر عهده گیریم.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۶

جشن سالگرد ۱۹ بهمن در برلین

صبر مردان و دل امیدواران
بایدش
گفتم:
- آن قربانیان پار، آن گل‌های سرخ؟ ...
گفتم:
- آری ...
تا گپانش گریه آرامش ربود:
...
گفتم:
- «چون روح بناران آید از اقصای شهر،
مردها جوشد ز خاک، آنسان که از باران گیاه،
وانچه می‌باید کنن

شام‌گاه، روز شنبه ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۷۶ (۱۴ فوریه ۱۹۹۸) از سوی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) واحد برلین، جشنی به مناسبت بزرگداشت ۲۷ سال پیکار فداییان خلق در راه صلح، آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم در این شهر برگزار شد. این مراسم با استقبال فداییان و دوستان و دوست‌داران سازمان در برلین روبرو شد.

در آغاز جشن سرودهای سازمان از بلندگوهای سالن برگزاری جشن پخش شد و خاطره‌های سال‌های دور و نزدیک را در دل‌ها شعله‌ور کرد. سالن فداییان هوایی مالا مال سرودهای فداییان خلق رفته رفته از جمعیت انباشته شد.

پس از آن بود که یکی از رفته پشت میکروفون رفت و به حاضرین خوش آمد گفت. سپس فیلمی کوتاه به نمایش در آمد. فیلم که با مناظری از گوشه گوشه ایران به همراهی نوای دل‌نشین محمد توری آغاز شده بود، به بازتاب مهم‌ترین روی‌دادهایی پرداخته بود که در بیست و هفتمین سال حیات سازمان در ایران و نیز در رابطه با آن رخ داده بود. این فیلم هم‌چنین برخی از موضوع‌گیری‌های مهم شورای مرکزی سازمان و نشریه کار در قبال ایران روی‌دادها را منعکس کرده بود.

در بخش بعدی برنامه نوشته‌ای که از سوی گروه برگزاری جشن بزرگداشت بنیان‌گذاری سازمان در برلین تهیه شده بود، خوانده شد. در متن آمده بود که «گرامی‌داشت جنبش فدایی» «تجدید میثاق در وفاداری به خویش است» و «تنها آن که دگرگونی را می‌پذیرد، به خود وفادار است.» در بخش دیگر این نوشته پس از ذکر گوشه‌هایی از گذشته سازمان چنین آمده بود «به خود آیم، به خود باز آیم.» «وانیم خودکامگی درون را. و پاس بداریم حقیقت را، آزادی را، انسان را.

تندیل‌های یخی را با گرمای دل‌ها و دست‌های به هم پیوسته‌مان فریزیم، زمستان، باید که درگذرد، ام برای فرو ریختن این دژ، نخست باید قلعه‌ای دیگر را فتح کنیم؛ قلعه‌ای عظیم، که طلسم دروازه‌اش، کلام کوچک دوستی است.»

پس آقای محمود رفیع مسوز جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران سخنانی ایراد کرد. وی بر ضرورت مبارزه در راه آزادی و رعایت حقوق بشر در ایران تأکید کرد و بر این نکته تأکید کرد که هم‌گامی و هماهنگی نیروهای آزادی‌خواه از ملیت‌های این راه است. بعد از آن شعری از استاد محمدرضا شفیعی کدکنی قرائت شد:

گفتم:
- «این باغ از گل سرخ بیبار
بایدش؟ ...»
گفتم:
- «صبری تا کران روزگار

خبرهای علمی

فراگیری زبان دوم و فعالیت مغز

تجربه به ما آموخته بود که فراگیری زبان دوم برای کودکان بسیار ساده‌تر از بزرگسالان می‌باشد. دانشمندان مرکز تحقیقات سرطان سلون کترینگ اخیراً به نتایج قابل تأملی در این رابطه دست یافته‌اند. آنان با استفاده از یک نوع MRI به نام تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملی (Functional MRI) توانسته‌اند از مغز ۱۲ داوطلب که به بیش از یک زبان صحبت می‌کنند در حین فکر کردن آنان به این زبان‌ها تصویرهایی تهیه کنند. بعضی از این داوطلبان زبان دوم را در کودکی و برخی دیگر آن را در دبیرستان یا دانشگاه آموخته‌اند. تصویرهای گرفته شده از مغز داوطلبان نشان می‌دهد که هنگام صحبت کردن به زبان مادری و زبان دومی که در کودکی فراگرفته شده است قسمت مشترکی از مغز فعال است در صورتی که هنگام فکر کردن به زبان دومی که در بزرگسالی آموخته شده است قسمت کاملاً متفاوتی از مغز فعال می‌شود. هنوز نکات بسیاری در مورد فراگیری در مغز ناشناخته است اما آنچه که مسلم می‌باشد این است که پردازش اطلاعات توسط مغز در سن‌های مختلف به صورت کاملاً متفاوتی انجام می‌شود.

رابطه‌ی بیماری قلبی و بیماری‌های دهان

نتیجه‌ی پژوهش‌های اخیر دندان‌پزشکان دانشگاه نیوکاسل در انگلیس حاکی از آن است که بیماری‌های دندان و لثه پیشرفته احتمال ابتلا به بیماری‌های قلبی را تا ۵۰ درصد افزایش می‌دهند. محققان معتقدند اگر رسوب غذاهای چرب و باکتری‌ها روی دندان‌ها باقی بماند، احتمالاً سبب التهاب آن‌ها می‌شود. این التهاب ممکن است سبب واکنش‌هایی در سایر جاهای بدن شود و به‌خصوص جدار رگ‌ها و قلب را تحت تأثیر قرار دهد. آسیب‌دیدن جدار داخلی رگ‌ها باعث ته‌نشین شدن رسوب‌هایی در رگ می‌شود که منجر به بسته شدن آن می‌شود. دانشمندان علاوه بر بهداشت دهان، ترک سیگار را نیز یکی از عواملی دانسته‌اند که امکان ابتلا به بیماری‌های لثه و قلب را کم می‌کند. آن‌ها می‌گویند سیگار کشیدن به سازوکار دفاعی بدن زبان وارد می‌کند، و آهنگ پیشرفت بیماری‌های لثه را سریع می‌نماید.

ایستگاه فضایی بین‌المللی آلفا

طی برگزاری مراسمی در مسکو از نخستین قسمت ایستگاه فضایی بین‌المللی آلفا که تا سال ۲۰۰۱ به پرواز در خواهد آمد، پرده برداری شد. در روسیه این قسمت از ایستگاه فضایی که تأمین کننده انرژی خواهد بود با سرمایه امریکا ساخته شده و در خرداد ماه به فضا فرستاده خواهد شد. درهای مرکز فضایی کرونیاچف که در گذشته به طور سری کار می‌کرد چندی پیش بر روی گزارش‌گران خارجی باز شد. روسها با توجه به کمبودهایی که در عرصه فن‌آوری جدید دارند هنوز هم در ساختن ایستگاه‌های فضایی بی‌رقیب هستند. برای جلوگیری از تکرار حوادثی نظیر آنچه که اخیراً در ایستگاه فضایی میر رخ داده، این قسمت قبل از پرتاب مورد آزمایش‌های سختی قرار خواهد گرفت. ایستگاه فضایی جدید قادر خواهد بود به مدت ۱۵ سال پرواز کند. این ایستگاه پس از تکمیل «۲۵» تن وزن خواهد داشت و آن قدر بزرگ خواهد بود که از زمین با چشم غیر مسلح دیده خواهد شد.

فرضیه انحراف زمین

دانشمندان مؤسسه تکنولوژی کالیفرنیا به این نتیجه رسیده‌اند که تقریباً نیم میلیارد سال پیش زمین ۹۰ درجه تغییر وضعی یافت. این مقدار بزرگ‌ترین انحرافی است که تا کنون به طور فرضی در مورد زمین پیشنهاد شده است. یکی از دانشمندان اظهار داشت که: در خلال یک دوره ۵۰ میلیون ساله دو طرف استوا جای سابق دو قطب را گرفته‌اند. این دانشمندان عنوان نمودند که انحراف زمین باعث شد تا قاره‌های سرد به داخل مناطق حاره و سرزمین‌های سابقاً گرم به قطب‌های جنوب و شمال منتقل گردیدند. پژوهش‌گران به این فرضیه معتقدند که انفجار دوران کامبرین موسوم به میبانیگ باعث پیدایش حیات جدید، از جمله بسیاری جانوران چند سلولی شد که در زمره پستان‌ان‌ها انسان قرار دارد. در این دوره ۴۰ گروه جانوری متمایز پدیدار گردیدند. این فرضیه هم چنین تغییر شدید آب و هوای زمین را با تغییر آرایش قاره‌ها و در نتیجه توده سیاره‌ای توضیح می‌دهد. بر اساس فرضیه نام برده شده، سرعت تغییر قاره‌ها ۱۰ برابر تغییرات صفحه‌ای است که در حال حاضر جریان دارد.

فشارهای عصبی و بیماری‌های قلبی

بیشتر از طریق پژوهش‌های روان‌شناسی معلوم شده بود که اشخاص عصبی مزاج بیشتر از اشخاصی که روحیه آرام دارند در معرض ابتلا به مشکلات قلبی هستند. اکنون برای اولین بار پژوهش‌گران به رابطه بین فشار عصبی و انسداد رگ‌های خونی پی برده‌اند. بر اساس آخرین نتایجی که به دست آمده، حساسیت افراد به فشارهای عصبی، خود به خود می‌تواند موجب بروز اثری مشابه اثر بالا بودن کلسترول خون یا نیکوتین در بروز بیماری‌های رگ‌های خونی قلب شود. در آزمایش صورت گرفته در فنلاند، واکنش مردان شدیدتر و ضخامت جدار شریان‌ها ۴/۱ میلی‌متر بیش‌تر از افراد آرام بود. نتایج این بررسی نشان داد که هر افزایش ۱/۱ میلی‌متری ضخامت جدار شریان‌ها موجب افزایش ۱۱٪ خطر ابتلا به سکته قلبی می‌شود.

افزایش تعداد یک‌صد ساله‌ها

در چند دهه اخیر عمر انسان طولانی‌تر شده و تعداد یک‌صد ساله‌ها در عرض سال‌های ۹۰-۱۹۸۰ دو برابر گردیده و در سی سال آینده ۷۶ میلیون نفر در جهان صد سالگی خود را جشن خواهند گرفت. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میزان مرگ بر اثر بیماری‌های قلبی کاهش یافته و سکنه‌های مغزی ۶۵٪ کمتر شده‌اند و در قرن بیستم عمر متوسط انسان از ۴۷ سال به ۷۶ سال رسیده است. ۹۰٪ بیماری‌های پیری عبارت‌اند از: بیماری‌های قلبی، سرطان، قند، فشار خون، پوکی استخوان، آب مروارید، آلزایمر (فراموشی) ... که با تشخیص زودتر می‌توان از پیشرفت آن‌ها جلوگیری نمود. توصیه می‌شود تا در کنار تغذیه صحیح، هر شخص روزانه به ورزش پرداخته و نیم تا یک ساعت پیاده روی کند.

جشن سالگرد جنبش

فداییان در سوئد

زمان: شنبه ۲۱ فوریه

مکان: استکهلم

Riksbank

برگزارکننده:

فداییان خلق ایران (اکثریت) - سوئد

همراه با برنامه‌های شاد هنری و موسیقی ایرانی و افغانی

جشن بیست و هفتمین

سالگرد بنیان‌گذاری جنبش

فداییان خلق ایران

گفتگو با جمعی از رهبران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اجرای ترانه سرودهای خاطره انگیز توسط هنرمند توانا

بهرخ

هنرمند محبوب افغان

موسیقی مختلف مللی ایرانی

اسکندر

وجیهه

با همراهی نوازنده پییره دست

عارف ابراهیم زاده

و هنرنمایی گروه رقص بهار

زمان: شنبه ۲ اسفند ۱۳۷۶

ورودی: ۲۵ مارک

مکان: آلمان - بن

Beuel - brucken

برای نوجوانان: ۱۵ مارک

FORUM

گفتگو با اعضای رهبری سازمان از ساعت ۱۶

Friedrich - Breuer Str.17

شروع برنامه‌های متنوع هنری از ساعت ۱۹

اشاره مترجم: اندیشه مارکس در جهان به گونه‌های گوناگون بازتاب یافته است. جریان‌های فکری و فلسفی و سیاسی مارکسیستی هر کشور در برخورد به این اندیشه‌ها از ظن خود یار آن شده‌اند. این اندیشه‌ها از دو طریق در سطح جهان انتشار یافته‌اند. از طریق حزب‌های کمونیست که عمدتاً زیر نفوذ حزب کمونیست اتحاد شوروی بودند و یا از طریق اندیشمندان علاقمند به اندیشه‌های مارکس. بنابراین، آنچه به نام مارکسیسم شهرت دارد یک جریان فکری واحد نیست. بلکه انواع گرایش‌های فکری به شدت متضاد را دربر می‌گیرد. مارکسیسم روسی پیش از آنکه یک جریان فکری روئیده از پژوهش و کشف علمی منظم در آثار مارکس بوده باشد، معجزاتی از کلمه‌های قصار به هم بافته برای توجیه هدف‌های پراگماتیک دولتی و حزبی بوده است. اندیشه‌های مارکس در ژاپن تا زمانی که در چارچوب مارکسیسم روسی مطرح بود، خلاقیتی در این جامعه نداشت و مانع از برخورد مستقل به این اندیشه‌ها و درآمیزی آن با فرهنگ ملی بود. اما ژاپنی‌ها برخلاف دیگر کشورهای شرق که عمدتاً مصرف‌کننده و مقلد صاف و ساده فلسفه غرب، از جمله اندیشه‌های مارکس و سپس مارکسیستی بودند. به زودی تحلیل مستقلی از اندیشه‌های مارکس به دست دادند و بین این اندیشه‌ها و نیازهای فکری فلسفی خاص خود پیوند ایجاد کردند.

مقاله زیر گوشه‌هایی از برداشت مستقل از اندیشه‌های مارکس را در ارتباط با نیازهای فکری جامعه ژاپن نشان می‌دهد و از این رو می‌تواند دستمایه خوبی برای علاقمندان ایرانی بینش مارکسیستی در نحوه بهره‌گیری مستقل از اندیشه‌های وی برای آفرینش نگرش فلسفی و اجتماعی مستقل متناسب با فرهنگ و جامعه ایران باشد.

موضوع این مقاله معرفی برخی گرایش‌های جدید مارکسیسم ژاپن از پایان دهه ۱۹۶۰ است. هرچند در آن دوران تاثیر مارکسیسم در افکار عمومی این کشور کاهش یافته بود، با وجود این، مارکسیسم ژاپن در دهه‌های اخیر پیشرفت تئوریک مهمی نمود. جریان‌های جدید اندیشه‌های مارکسیستی با هدف فرا رفتن از تعصب دیرین کم و بیش استایلیتی، به وجود آمدند.

۱ - پیدایش مارکسیسم معاصر

سرمايه‌داری که پس از برقراری امپراتوری میچی (۱۸۶۷) در ژاپن پدید آمد، نه تنها با سرمايه‌داری کشورهای اروپایی، بلکه با سرمايه‌داری «کاپیتال» که ترجمه کامل ژاپنی آن در آغاز دهه ۱۹۲۰ منتشر شد، بسیار مهجور بود. سرمايه‌داری ژاپن و بنابراین استراتژی انقلابی ژاپن را چگونه باید تعریف کرد؟ در دهه ۱۹۳۰، این محورها مسئله‌های مرکزی بحث میان مکتب کوزا و مکتب رونی را تشکیل می‌دادند. از نظر مکتب کوزا که طرفدار سرمايه‌داری ژاپن به‌جای نظام نیمه‌فئودالی بود، انقلاب بدو می‌بایست خصلت دمکراتیک و بورژوازی پیدا کند. از نظر مکتب رونی که به رویکرد جامعه ژاپن به‌سوی تجدید رنگ داشت، این انقلاب می‌بایست سوسیالیستی باشد، چنین بود پایه تقابل سیاسی میان مکتب کمونیست ژاپن که در ۱۹۲۲ شالوده‌ریزی شد و به مکتب کوزا گرایش داشت و حزب‌های مارکسیستی غیرکمونیست که هوادار مکتب رونی بودند. در خلال مباحث میان کوزا و رونی، مارکسیسم در ژاپن رواج یافت و تاثیر عظیمی در زمینه علوم اجتماعی ژاپن در پیش از جنگ دوم جهانی نمود.

پس از شکست نظامی ژاپن در ۱۹۴۵، مارکسیسم اعتبار زیادی در افکار عمومی کسب کرد. با این‌همه، این دوره، دوره استایلیتی یا مارکسیسم نوع شوروی بود که با رویکرد عین‌گرایانه و گرایش آن به چشم پوشیدن از مسئله آزادی کاملاً آشنا نبود. چون در ژاپن فکر سنتی، افراد را تابع همبود مینمود. بحث مارکسیستی مبارزه طبقاتی با خطر تبدیل به سیستم فکری ترمزکننده شوک‌رانی روبرو بود. پیدایش «مباحثه در باره ذهنیت» متاثر از ۱۹۵۰ از آنجا سرچشمه می‌گیرد. سپس مسئله ذهنیت افراد با تکیه بر تئوری از خودی‌گانگی مارکس جوان یا انگلیستان‌سیالیسم ژان پل سارتر مطرح گردید. طرح مسئله ذهنیت نخستین انتقاد مناسب از مارکسیسم استایلیتی بود که در آن وقت در ژاپن جنبه مسلط داشت.

ژاپن ده سال پس از شکست نظامی، بازسازی اقتصادی را به پایان رساند. تالاری رشد شتابان اقتصادی و دکماتیس استایلیتی در ۱۹۶۵ به مارکسیسم و محرومیت آن در افکار عمومی زبان رساند. در این دوره، مارکسیسم عمدتاً محدود به دانشگاه‌هاست. با این‌همه، در سطح پژوهش‌های دانشگاهی جریان‌های متفاوت اندیشگی پدید آمد که از چارچوب مارکسیسم شوروی فراتر می‌رود. این گرایش‌های نو که طی ۲۰ سال اخیر مسلط گردید، «نوزایی مارکس» نام گرفت. ما در این‌جا به ذکر سه گرایش که بی‌شک نمایندگان مارکسیسم معاصر ژاپن است، می‌پردازیم. این سه گرایش عبارتند از: اقتصاد سیاسی کوزا و رونی، تئوری جامعه مدنی و فلسفه شی‌واگی.

۲ - اقتصاد سیاسی کوزا و رونی

تلقی اقتصاد سیاسی کوزا و رونی (۱۹۷۷ - ۱۸۹۷) به عنوان یکی از گرایش‌های جدید مارکسیستی در ژاپن نادرست است. دو واقع آثار اصلی پیش از ۱۹۶۵ انتشار یافت. اما طی دهه ۱۹۶۰، اوهراداران زیاد و مروجیت استواری در محیط دانشگاهی به دست آورد.

متدولوژی سطح‌های سه گانه

در اقتصاد سیاسی

مقدمه بسیار مهم اونو متدولوژی سیاسی او را در سه

از: توشیوی یامادا

گرایش‌های مارکسیسم معاصر ژاپن

ترجمه: ب. کیوان

ابتدائی و غیره) باید تفکیک گردد. به علاوه، تئوری‌های کالا، پول و تبدیل پول به سرمایه (دو بخش نخست کاپیتال) به‌طور بنیادی دگرگون شده است. از دید اونو، شرح این تئوریا از جانب مارکس به‌منظر می‌رسد فرض جامعه کالائی ساده یعنی جامعه کالائی غیرسرمایه‌داری است. این بدان معناست که مارکس در سراسر کاپیتال بدو یا طرح جامعه کالائی ساده و سپس جامعه سرمایه‌داری، گذار تاریخی از جامعه کالائی ساده به جامعه سرمایه‌داری را مطرح کرده است. اما اونو این برداشت را مطلقاً رد می‌کند. برعکس، اونو این تئوریا را به تئوریا ترکیب می‌کند که نه سطح «بنیادی» جامعه سرمایه‌داری، سطح تولید، بلکه فقط سطح «شکل» فکری آن، یعنی سطح گردش را مطرح می‌کند. کالا، پول و سرمایه را به این دلیل که در سطح گردش، به عقیده اونو، دو بخش نخست کاپیتال باید به تئوری شکل‌های گردش مبدا شد.

در اختلاف با مارکس، این امر ناگزیر او را به مطرح نکردن ذات ارزش در آغاز سیستم‌اش سوق می‌دهد. در تئوری کوزا و رونی در باره ارزش، دکترین گردش فقط باید شکل آن را مطرح کند. در دکترین تولید است که باید با طرح ذات ارزش در باره ارزش کار استدلال کرد. از این رو، اونو پیش از طرح ذات ارزش، در جای نخست، شکل آن را مطرح می‌کند؛ نه برعکس. او می‌گوید: این گذار منطقی از شکل ذات با منطق سرمایه‌داری مطابقت دارد. خود سرمایه‌داری تنها هنگامی وجود دارد که گردش تولید را شامل گردد. به عبارت دیگر، در هنگامی که شکل، ذات را دربر می‌گیرد.

بدین ترتیب او سیستم خاص خود را در سه بخش بر پایه اصول عام می‌سازد:

- ۱- دکترین گردش
- ۲- دکترین تولید
- ۳- دکترین توزیع

اونو روشید تئوری بحران را در دکترین‌های تولید و توزیع داخل کند؛ زیرا به‌دستی بحران اقتصادی پدیدهای است که در جامعه سرمایه‌داری تکرار می‌شود و علاوه بر آن اساسی‌ترین مشخصه آن را تشکیل می‌دهد. پس به عقیده او سیستم اصول عام نمی‌تواند بدون تئوری بحران واقعیت یابد. همانطور که این نمونه‌ها نشان می‌دهند، اونو ضمن تکیه بر کاپیتال توانسته است اصول عام اولیه و سیستم‌بندی شده را بسازد.

کوزا و رونی شاگردان و پیروان زیادی چون تسوومه‌اوشی (۱۹۱۸) و ماگوتایو (۱۹۳۶) را پروراند. مخصوصاً از دهه ۱۹۶۰، آنها به کار اصلاح و دگرگون کردن دوباره و سیستم‌بندی بازم بیشتر اصول عام اونو پرداختند و نه تنها دکترین استایلیتی، بلکه دکترین اسلاف او را نیز زیر سؤال قرار دادند. از سوی دیگر، آنها کوشیدند به تدوین تئوری فازها و تحلیل‌های مشخص پردازند. بدین ترتیب مکتب بزرگی به نام مکتب اونو به‌وجود آمد. هرچند این مکتب در حال حاضر به چند خرده مکتب تقسیم می‌شود، بدون شک یکی از جریان‌هایی است که مارکسیسم معاصر ژاپن را مجسم می‌سازد.

۳- تئوری جامعه مدنی

مکتب جامعه مدنی می‌گردد بر اساس بازخوانی متن‌های مارکس و بیشتر بر اساس تغییر و بازسازی سیستم او که موضوع اساسی کار اونو بود، از جمله‌های مارکسیسم شوروی فراتر رود. برای این مکتب، مسئله عبارت از بازگشت به خود مارکس و خواندن آثار او بدون تکیه بر اندیشه‌های اصلی مارکس است. از این‌رو، این مکتب «جامعه مدنی» را به عنوان یک مفهوم کلیدی مطرح می‌کند. ما موقتاً «جامعه مدنی» جامعه‌ای را درک می‌کنیم که انسان‌ها برای تبدیل شدن به افراد مستقل و بهره‌مندی از آزادی و برابری دست کم به سطح قانونی و اخلاقی خود را از هم‌بدهای فئودالی یا پیش‌مدن رها سازند. در این مورد مثلاً میتوان «جامعه تجاری» آدم اسمیت یا جامعه‌ای را که مارکس در بخش «کالا و پول» کاپیتال شرح می‌دهد، ذکر کرد. به عبارت دیگر، «جامعه مدنی» به معنی جامعه‌ای است که در آن همانندی میان کار و مالکیت، یعنی مالکیت مبتنی بر کار خاص حرفه‌فرمانرواست. آنچه مهم است، نخست ملاحظه «جامعه مدنی» به عنوان یک مفهوم متدولوژیک و نه به عنوان یک وجود تاریخی و دوم تمایز کردن روشن «جامعه مدنی» و «جامعه سرمایه‌داری» است. بر پایه این مفهوم، این مکتب هم از سرمایه‌داری ژاپن و هم کشورهای سوسیالیسم موجود انتقاد می‌کند.

انتقاد از سرمایه‌داری ژاپن

تئوری جامعه مدنی که از اسلوب سنتی مکتب کوزا در پیش از جنگ تبعیت میکند، به‌طور اساسی به ویژگی‌های جامعه سرمایه‌داری ژاپن پایبند است. به گفته یوشی هیکو اوشیدا (۱۹۱۳) در ژاپن، برعکس، سرمایه‌داری بدون ایجاد جامعه مدنی با حفظ عناصر فئودالی یا پیش‌مدن و تکیه بر آن‌ها رشد یافت. از این‌رو، البته ژاپن یک جامعه سرمایه‌داری، اما نه جامعه مدنی بوده است. این یک سرمایه‌داری بدون جامعه مدنی است. هنگامی که سرمایه‌داری دهه ۶۰ ژاپن را با سرمایه‌داری پیش از جنگ مقایسه می‌کنیم، باید گسترش قابل ملاحظه «جامعه مدنی» بنا بر واقعیت ورود دمکراسی آمریکا پس از شکست نظامی را یادآور شویم. اما باید تصریح کرد که در این زمان که دوره رشد زیاد اقتصاد ژاپن (۱۹۷۲ - ۱۹۵۵) است، ما با رشد بی‌سابقه این اقتصاد در

سطح به هم پیوند داده است. به عقیده او تمام سیستم اقتصاد سیاسی مارکسیستی باید به سه سطح تصاعدی تقسیم گردد: ۱- اصول عام ۲- تئوری مراحل ۳- تحلیل‌های جامعه مشخص.

سطح نخست، سطح اصول عام، مرحله‌ای است که در آن عمده‌ترین قوانین اساسی سرمایه‌داری بر پایه فرض متدولوژیک جامعه ناب سرمایه‌داری مشخص می‌گردد. سطح دوم، تئوری مراحل، سطح پژوهش‌ها در باره مضمون‌های ویژه مرحله‌های متوالی رشد سرمایه‌داری در مقیاس تاریخ جهانی چون تئوری امپریالیسم است. تنها بر اساس مبانی متدولوژیک این اصول عام و تئوری مرحله‌ها است که می‌توان به تحلیل جامعه‌های مختلف مفروض تاریخی سرمایه‌داری چون جامعه سرمایه‌داری ژاپن از پس از جنگ دوم جهانی پرداخت. سطح سوم که سطح تحلیل‌های تجربی را تشکیل می‌دهد، هدف نهایی هر پژوهش اقتصاد سیاسی است.

البته، سرمایه‌داری ناب یا ایده‌آل که اصول عام را مشخص می‌سازد، هرگز هیچ‌جا در تاریخ جهانی وجود نداشته است. با این‌همه، به عقیده اونو، فرض متدولوژیک سرمایه‌داری ناب به هیچ‌وجه ارادی و نامعقول نیست. زیرا جامعه‌های سرمایه‌داری واقعی در حد اعلامی آن چون انگلستان از قرن ۱۷ تا میانه قرن نوزده، گرایش به تحول در جهت سرمایه‌داری ناب را نشان می‌دهند. به گفته او، بر اساس این پایه واقعی تاریخی است که می‌توان اصول اقتصاد سیاسی را بنا کرد.

روی این اصل، اونو کاپیتال مارکس را به عنوان متنی از اصول، اما کاملاً ناکافی و ناکامل می‌نگریست. زیرا به عقیده او در آن تزه‌های زیادی وجود دارد که از سطح اصول ناشی نمی‌شوند: مانند فقیر شدن زحمت‌کشان، انباشت بدوی و غیره. او در این باره به عنوان مثال می‌گوید: تز فقیر شدن تنها مشخصه ویژه سرمایه‌داری انگلیس مخصوصاً هنگام نیمه نخست قرن نوزدهم است. از این رو، این تز باید از تئوری مکتب او به عبارت دیگر از تحلیل تجربی سرچشمه گیرد، نه از اصول عام.

اگر همه کشورهای سرمایه‌داری بدین ترتیب به سرمایه‌داری ناب نزدیک شده بودند، آن‌گاه فقط کافی بود که اصول عام و تحلیل‌های مشخص گسترش یابد. به گفته اونو، در واقع گرایش سرمایه‌داری به ناب شدن در پایان قرن ۱۹ به واسطه پیدایش سرمایه مالی دگرگون شد. از این رو، تنها اصول کافی نبود، به‌وجود آمدن تئوری فازها (مرحله‌ها) ضروری بود.

اونو به منظور برجسته کردن اهمیت تئوری فازها مباحثه میان برنشتین و کائوتسکی را مثال می‌آورد. چنانکه میدانیم، برنشتین با تحلیل جنبه‌های جدیدی که سرمایه‌داری در پایان قرن نوزده پیدا کرده بود، از این‌رو کاپیتال را رد می‌نمود که به عقیده او پدیده‌های جدید با تزه‌های مارکس همخوانی ندارند. به عکس کائوتسکی معتقد بود که کاپیتال هنوز همه صحت تئوریک خود را حتی در دوران جدید حفظ کرده است.

به عقیده اونو، هر دو مرتکب اشتباه متدولوژیک شده بودند. برنشتین مدعی نفی اصول عام (کاپیتال) بود و در عین حال با دقت زیاد به درک پدیده‌های جدید نایل آمده بود که مارکس نتوانسته بود آنها را پیش‌بینی کند؛ حال آنکه کائوتسکی با پافشاری منفرط در دفاع از اصول عام مارکس، آشکار کرد که در شناخت وجود این دگرگونی‌های تاریخی ناتوان است.

با این که هر دو آن‌ها در پایان قرن ۱۹ هم‌عصر بودند، ولی تنها به این بسنده نکردند که اصول عام و وضعیت مشخص جدید را در برابر هم قرار دهند. یکی در توجه به جنبه‌های جدید اصول عام را زیر پا نهاد و دیگری با هدف دفاع از کاپیتال از اوضاع جدید غافل ماند. خلاصه این که، تئوری فازها در متدولوژی این دو تفکر حضور نداشت. اونو می‌گوید: البته، خود مارکس را باید مسئول این نتیجه بی‌حاصل دانست. زیرا مارکس خود در کاپیتال تزه‌های مربوط به فازها را با تزه‌های مربوط به اصول عام درهم آمیخته است. بنابراین، آنچه او تلاش کرده است انجام دهد، عبارت از دگرگون کردن، پیراستن و سیستم‌بندی کاپیتال است.

در واقع، متدولوژی اونو در اصل از فکر او پیرامون بحث کوزا و رونی در دهه ۱۹۲۰ سرچشمه می‌گیرد. به عقیده او مکتب اونو در مقیاسی که آنها خواسته‌اند، مستقیماً کاپیتال را در شرایط مشخص جامعه ژاپن در بین دو جنگ جهانی بکار برند، بهم نزدیک می‌شوند. اونو از آن نتیجه می‌گیرد که در حقیقت مکتب کوزا با برپا دادن به فاصله کاپیتال و جامعه ژاپن و مکتب رونی با کم به‌دادن به آن پایان گرفته‌اند. انتقاد اونو از دو مکتب چنین بود: در برابر اصول عام و تحلیل‌های مشخص سرمایه‌داری ژاپن بدو لازم بود، تئوری فازها ساخته شود.

عناصر «پیراسته» اصول عام

اساس نکته‌سنجی‌های اونو به اصول عام اقتصاد سیاسی اختصاص یافت. به عقیده او، اصول عام باید به طرح و توضیح تکرار رفته جامعه صرفاً سرمایه‌داری، یعنی مبادله کالا، انباشت سرمایه، بحران و غیره بپردازد. به عبارت دیگر، او مجبور شده است اصول عام را به شکل یک سیستم گردش خود تولیدکننده در یک دوران بی‌پایان گسترش دهد. این بدان معناست که باید تئوری‌های آن دسته پدیده‌ها را که فقط یکبار ایجاد می‌شدند، از سیستم اصول عام خارج کرد. پس قوانین موسوم به تاریخی (انباشت

جهان روبروئیم. بدینی است که در باره طبیعت سرمایه‌داری معاصر ژاپن که رشدی چنین استثنائی را به اجرا درآورد، پرسش ایجاد میشود.

به عقیده اوشیدا باید راز این رشد اقتصاد ژاپن را در مجموع مسائل جامع مدنی و در ضعف عناصر مدنی جستجو کرد. در واقع، در ژاپن همه ضرورت‌هایی که به وسیله سرمایه‌داری محمول می‌شود، میتواند به آسانی به‌زبان منافع مدنی یا به زبان رعایت حقوق بشر، یعنی به‌زبان بهبود شرایط زندگی، کار، محیط زیست و غیره تمام شود. علاوه بر این، این‌جا یک مسئله دیگر، یعنی مسئله برتری مطلق دولت بر جامعه مدنی پیش می‌آید. به گفته هاجیم کاواکامی (۱۹۴۶ - ۱۸۷۹) اندیشمندان نامدار ژاپن: اوشیدا اختلاف میان اروپای غربی و ژاپن را اینسان خلاصه می‌کند: «در اروپا خدا حقوق بشر را آفرید و بعد انسان حقوق دولت را به‌وجود آورد. برعکس در ژاپن، ابتدا خدا حقوق دولت را آفرید، سپس دولت حقوق بشر را به‌وجود آورد». آنچه اوشیدا می‌خواهد بگوید، اینست که اصول اولیه غربی و اصول اولیه ژاپن به نظر یک آینه‌واژگونه است. در اروپا حقوق انسانی (به تعبیر ما «جامعه مدنی») بی‌هیچ دلیلی بدینی انگاشته شده و برعکس، در ژاپن «حقوق دولت» بدینی فرض شده است.

او می‌گوید: در ژاپن اختیارات سرمایه و دولت مدام فزونی می‌یابد، حال آنکه جامعه مدنی ناتوان باقی می‌ماند. پایه اجتماعی نه تنها رشد فوق‌العاده اقتصادی دهه ۶۰ بلکه همچنین فوق‌مدنیز شدن فنی و اقتصادی امروز نیز در یک بر همین مبنا است. ما از «فوق مدرن»، انقلاب انفورماتیک، رشد عالی فنی، تمرکز شدید اختیارات و غیره را درک می‌کنیم. به گفته او، پس سرمایه‌داری معاصر ژاپن با متحد کردن فوق مدرن با پیش مدرن نه با مدرن و فرد مدنی رشد یافته است. دقیقاً بقای پیش‌مدرنیته است که تا این اندازه به رشد سریع فوق‌مدنیز ژاپن امکان داده است. هرچند این موضوع متناقض به‌نظر می‌رسد، براساس آن می‌توان هم‌ا با اوشیدا به این نتیجه رسید که سرمایه‌داری در ژاپن در شرایط ضعف جامعه مدنی رشد یافت.

انتقاد از کشورهای سوسیالیستی موجود

در دهه ۱۹۶۰ در نتیجه رویارویی چین و شوروی، اوضاع چکسلواکی و غیره، تصورات سنتی سوسیالیسم زیر سؤال رفت. مهم‌ترین مسئله به وضوح مربوط به ساختار اساسی سوسیالیسم شوروی و مفهوم عام مارکسیسم بود. مکتب جامعه مدنی کوشید مدل سوسیالیسم مارکسیستی را نه در آثار لنین یا انگلس، بلکه در آثار خود مارکس جستجو کند. در ارتباط با این موضوع، اسلوب پیشنهادی کیواکی هیراتا (۱۹۲۲) بحث زیادی برانگیخت. این بحث پیرامون قطعه بسیار معروف پایان کتاب اول کاپیتال دور می‌زند:

«تمام سرمایه‌داری که مطابق با شیوه تولید سرمایه‌داری است، نخستین نفی این مالکیت خصوصی را که نتیجه منطقی کار منتقل فردی است، تشکیل می‌دهد. اما تولید سرمایه‌داری خود نفی خاص خود را با تقدیری که در دگرذیسی‌های طبیعت نقش اساسی دارد، به‌وجود می‌آورد. این‌را نفی نفی می‌گویند. او نه مالکیت خصوصی کارگر، بلکه مالکیت فردی وی را بر پایه دستاوردهای عصر سرمایه‌داری و همکاری و مالکیت مشترک همه وسایل تولید و از جمله زمین را دوباره برقرار می‌کند.» (ج سوم، انتشارات سوسیال ص ۲۰۵، تاکید از نویسنده است).

مارکس این‌جا جامعه آینده را به مثابه استقرار دوباره مالکیت «فردی» تعریف می‌کند. اما او در جای دیگر، مالکیت آینده را «اجتماعی» تعریف کرده است. هیراتا بدون چشم پوشیدن از این تعریف فردی این واقعت‌که سوسیالیسم آنچه توسط مارکس به عنوان «برقراری دوباره مالکیت فردی» تعریف شده اصرار می‌ورزد. این مالکیت فردی چیست؟ انگلس در آنتی‌دورین تفسیر ویژه‌ای از آن بدست داده است (انتشارات سوسیال ص ۱۶۲). او می‌نویسد: مالکیت فردی مورد بحث مالکیت فردی (= خصوصی) وسایل مصرف بر پایه مالکیت اجتماعی وسایل تولید است. همین تفسیر را نزد لنین می‌یابیم.

هیراتا این‌جا با انگلس مخالف است. مفهوم مارکسی مالکیت فردی نه تنها وسایل مصرف، بلکه همچنین وسایل تولید و بنابراین، اصل اساسی مالکیت در مجموع آن را نیز دربرمی‌گیرد. به عقیده هیراتا، «مالکیت فردی» که دقیقاً «مالکیت خصوصی» متمایز است، چیزی جز سیستم مالکیت که در آن همسانی میان کار و مالکیت برای افراد تحقق می‌یابد، نیست. البته، افراد در جامعه آینده دیگر افراد خصوصی نیستند. بلکه افراد اجتماعی‌اند. از این‌رو، به عقیده او، مارکس این‌جا گذار تاریخی را چنین خلاصه می‌کند: ۱- جامعه کالای ساده ۲- بسا گذار از جامعه سرمایه‌داری ۳- جامعه آینده. اما در باره مالکیت ما سه فاز داریم: ۱- مالکیت خصوصی فردی ۲- مالکیت خصوصی سرمایه‌داری ۳- مالکیت اجتماعی فردی: یعنی ۱- همانندی میان کار و مالکیت برای برد خصوصی ۲- جانی میان کار و مالکیت برای کارگر خصوصی در سرمایه‌داری ۳- همانندی میان کار و مالکیت برای فرد اجتماعی. دو قطعی در جامع آینده، عبارت از این است که دوباره همانندی میان کار و مالکیت یعنی مالکیت فردی برقرار گردد. از این‌رو، مارکس نوشت: «دوباره نه مالکیت خصوصی کارگر، بلکه مالکیت فردی وی برقرار می‌گردد.»

تز هیراتا مبنی بر این‌که سوسیالیسم مشخصاً برقراری دوباره مالکیت فردی است، همه مارکسیست‌های ژاپن را تحت تاثیر قرار داد. در واقع او یا پیشنهاد مفهوم مالکیت فردی کاری جز تکیه بر اهمیت جامعه مدنی انجام نداد؛ است. بدینی است که تز او هرگز خود را به قلمرو تفسیر متن‌ها محدود نکرد. در واقع، تز او از یک سو، پایه‌تئوریک برای سوسیالیسم خودمدریریت فراهم کرد و از سوی دیگر، دیدگاه ما را ناگزیر به انتقاد از سوسیالیسم شوروی معطوف داشت که در آن دولت اختیار کامل دارد و به عکس افراد یا جامعه مدنی فاقد قدرت‌اند. اسلوب پیشنهادی مکتب جامعه مدنی در حقیقت بر این نکته تاکید دارد که مارکسیسم

اتحاد کار: انتخابات دوم خرداد، شعارهای تاکتیکی و وظایف ما

نمایشی از سنگسار

اجرای سبلیک اجرای حکم سنگسار در مقابل سفارت رژیم پرداختند و نمونه‌ای از قتل فجیع یک انسان را در روزنامه‌نگار ایرانی مرتضی فیروزی و سنگسار شدن تعداد دیگری از زنان و مردان در شهرهای مختلف تظاهراتی در شهر بن در برابر سفارت جمهوری اسلامی ایران برگزار گردید. در این تظاهرات تعدادی از تظاهرکنندگان به

اجتماعی در جمهوری اسلامی و واکنش شدید رژیم در قبال آنها، بخصوص در مورد نویسندگان، سیری بود که به انتخابات اخیر منجر شد و اهمیت و جدیت ایجاد نهادهای جامعه مدنی در ایران را، فارغ از مقاومت جمهوری اسلامی نشان داد و کیفیت و ظرفیت رشد جنبش مردمی در این عرصه را بر ملا ساخت.

۳- شعارهای ما چه باید باشند؟ وظایف ما کدامند؟

ارزیابی از شرایط بعد از دوم خرداد، نگاه دیگری به شعارهای ما را ضروری می‌سازد. شکی نیست که ما هیچگاه، مبارزه برای مطالبات روزمره مردم نقش آن نیز، دفاع نکرده‌ایم. محور اصلی سیاست‌های ما، بیشتر نه شعارهای تاکتیکی ما، که قبل از همه، ناظر بر مبارزات جاری مردم است، بلکه جهت‌گیری استراتژیک ما در برخورد با جمهوری اسلامی و شعار سرنگونی آن بوده است. دفاع از آزادی‌ها در جمهوری اسلامی، از جمله آزادی بیان، تشکل، فقط شعارهای کلی برای سازمان ما نبوده‌اند. ما مبارزه برای تحقق این شعارها را وجه عملی حضور مبارزات مردم می‌دانیم، ما از حق کارگران برای تشکیل اتحادیه خود، از حق نویسندگان برای ایجاد کانون صنفی خویش، از آزادی زندانیان سیاسی و حق فعالیت آزاد سیاسی در ایران، درک دیگری جز آنچه که از این شعارها مستفاد می‌شود، نداریم. ولی در عین حال تأکیدی هم بر ضرورت عملی نمودن این شعارها، حتی با وجود جمهوری اسلامی نکرده‌ایم و از این نقطه نظر نیز، سرز صریحی با جریاناتی که تحقق هر گونه شعاری در این زمینه را به فردای بعد از جمهوری اسلامی، حواله می‌دهند نداشته‌ایم. خود چرخش وجه نفی در سیاست ائتلافی ما بر وجه اثباتی در نقاط اشتراک ما با دیگر نیروها، بازتاب نه فقط این عدم صراحت حتی سنگین شدن وزن کفه بی‌توجهی ما در این عرصه است.

از این رو امروز ما نه به ابداع شعارهای جدید، که به تصریح شعارها، تدقیق و تنگنیک آنها، بر اساس جایگاهشان در خط مشی سیاسی‌مان نیازمند هستیم.

شکی نیست که ما وجود جمهوری اسلامی را، در تناقض با هر نوع دموکراسی و اصولا جامعه دموکراتیک می‌دانیم. از این رو نیز استراتژی سیاسی خود، براندازی آن را شرط گذار جامعه به دموکراسی تلقی می‌کنیم اما به هیچ وجه این تلقی به مفهوم آن نیست که جامعه دموکراتیک یک شبه و بعد از صدور فرمان عزل حکومت اسلامی سربرمی‌آورد، پایهای چنین جامعه‌ای در بطن استبداد جمهوری اسلامی و در مبارزه با آن در نفی آن شکل می‌گیرند. نهادهای شده، بنیان‌های یک تحول دموکراتیک را می‌سازند. از این رو نیز شعارهای ما، در زمینه

مردم بر حق انتخاب خود بود و انتخاب خاتمی، علیرغم ایستادن اکثریت حکومت‌گران و در راس آنها ولی فقیه و روحانیت پشتیبان او، بر ریاست مجلس رقیب او، بیش از همه و در عمق خود، تأکید بر جمهوری در مقابل ولایت بود، تأکید بر حضورجمهور مردم به عنوان مستشار قدرتی، در مقابل هر مقامی بود که حقیقتی جز انتخاب مردم، بر خود قائل است. از جمله بالاترین موقعیت در حکومت اسلامی، ولایت مطلقه فقیه که مشروعیت خود را نه از انتخاب مردم، بلکه از خصلت مذهبی حکومت می‌گیرد و در عمل، حامی تمامی حقوق حاکمیت بر مردم، فارغ از اراده این مردم در انتخاب یا عزل خویش است. نتیجه این انتخابات، آشکارتر شدن تضاد جمهوری با اسلامیت و سبیل آن ولایت فقیه بود. تضاد انتخاب با انتصاب، تضاد مردمی که بر حق انتخاب خود به هر نحو ممکن پای می‌فشارند و نیرویی که با تکیه بر ابزارهای حکومت، از به رسمیت شناختن چنین حقیقی طفره می‌رود و اراده خود را با استفاده از قهر و سرکوب پیش می‌برد.

در پرتو دوم خرداد، این دیگر نه گروه‌های معین اجتماعی مثل روشنفکران، که همه جامعه است که بر حق خویش در آزادی انتخاب مسیر حرکت خود پای می‌فشارد. جوانان در جستجوی آینده بهتر و در جستجوی دیگر و فارغ از قید و بندهای قرون وسطایی جمهوری اسلامی‌اند. زنان در تلاش رهایی از کابوس تبدیل شدن به انسان‌های درجه دو و فاقد حقوق اجتماعی هستند. کارگران و زحمتکشان جامعه در جستجوی حداقل امنیت شغلی و تامین معاش خود هستند و همه اینها در وجود جمهوری اسلامی، سدی را در برابر خود می‌بینند که می‌باید نه منتظر فقط شکستن این سد، که مرتفع نمودن این سد از طریق تغییر در موقعیت اجتماعی خود، ایجاد کانون‌های قدرت خود برای بلعیدن این سد و سدهای نظیر آن در آینده باشند. تجربه جمهوری اسلامی، نشان داد که فقط برانداختن دولت مآورای مردم و الزاماً به قدرت منتخب مردم و پاسخگو به مردم مستحضر نمی‌شود و مردم به ابزارهای دیگری در کنار دولت و ورای هر دولتی نیازمندند که مهار نه فقط دولت، که کلا قدرت در جامعه را امکانپذیر و هر حاکمیتی را مشروط می‌سازد. این ابزارها، فارغ از قدرت حاکم، تضمینی در برابر هر قدرتی هستند و از درون جامعه و در مسیر تحول آن شکل گرفته، بر بستر نیازهای اقشار و طبقات جامعه و برای تنظیم مناسبات اجتماعی سربرمی‌آوردند، نهادهای یک جامعه متمدن را تشکیل می‌دهند و تضمینی برای آزادی آن هستند. مبارزه برای ایجاد چنین نهادهایی طی سال‌های اخیر، پیگیری مطالبات گروه‌های

در آخرین شماره نشریه «اتحاد کار» مطلبی با عنوان «انتخابات دوم خرداد، شعارهای تاکتیکی و وظایف ما» چاپ شده است. این مطلب از طرف کمیته مرکزی برای ارائه به نمایندگان کنگره تهیه شده است. مقدمه، به تعریف شعارها و انواع شعارها اختصاص دارد. نوشته به دو نوع شعار در سیاست اشاره کرده است: (۱) شعارهایی که ناظر بر تحولات روزمره و خواست‌های بلاواسطه سیاسی هستند. (۲) شعارهایی که ناظر بر اهداف درازمدت و مرحله‌ای و بیانگر خواست تغییرات بنیادی در شرایط هستند. در ادامه زیر عنوان ما در چه شرایطی قرار داریم آمده است:

«بر هیچ‌کس پوشیده نیست که با حصاد دوم خرداد، ما در شرایط متفاوتی از قبل از انتخابات ریاست جمهوری رژیم قرار داریم... شرایطی که در ارزیابی‌های جنبش سیاسی ناشناخته، حداقل کمتر شناخته و لذا، بعد از بروز خود، برای بسیاری ناباورانه و سردرگم کننده بود. مهم‌ترین وجه تغییرات بعد از دوم خرداد را می‌توان در یک سطر خلاصه کرد: آگاهی مردم جامعه ما، به نیروی متحد خویش و امکانات جدید استفاده از این نیرو. تا قبل از انتخابات، کسی تصور آن را نمی‌کرد که مردم می‌توانند چنین به مسأله، مستعد و در مقیاس ملیونی، اعتراض خود را بیان کنند بساط حکومتیان را در هم بریزند. تصور غالب، بر این بود که مجاری چنین بیانی، در چنین مقیاسی بسته است و لاجرم با حضور همیشگی استبداد سیاسی، چنین امکانی، فقط در خیزش‌های همگانی و نظیر آن که قادر به شکافتن سد سرکوب باشند، فرصت بروز پیدا می‌کند. اما در دوم خرداد شکاف در بین حکومتگران و اختلاف آنها بر سر تقسیم قدرت و چگونگی اعمال این قدرت، انعکاس را برای اولین بار در جامعه ما، برای مردم ایجاد کرد که در زیر سرباز دیکتاتوری نیز، با مسأله و بدون هیچ تلفاتی با قدرت حرف خود را زدند. ستون رژیم را با استفاده از ابزار انتخاباتی که تحت کنترل خود رژیم بود، به لرزه درآوردند. در عین حال مردم کشور ما با این اقدام خود نشان دادند که از هر وسیله‌ای، حتی انتخابات ضد دموکراتیک رژیم نیز قادرند استفاده کنند و درخواست‌های خود پای‌فشارند. این تجربه روشن است که راه کشف امکانات عملی دیگر را هموار ساخت. استفاده از بوروکراتیک‌ترین انتخابات، قانونمندی دیگری را به مردم کشور ما در مبارزاتشان آموخت. قانونمندی استفاده از امکانات قانونی و مسکن در نفی بساط یک حکومت بی‌قانون. اما درس مهم این انتخابات، نه انتخاب با عدم انتخاب این یا آن کاندیدا، بلکه قبل از همه پافشاری

سمینار روی داده‌های اخیر ایران مقوله دموکراسی و تجربه انقلاب ۵۷

سخنرانی و بحث آزاد

مکان: لندن

زمان: یکشنبه ۲۲ فوریه ۹۸ ساعت ۱/۳۰ بعداز ظهر

برگزار کنندگان:

چریک‌های فدایی خلق ایران

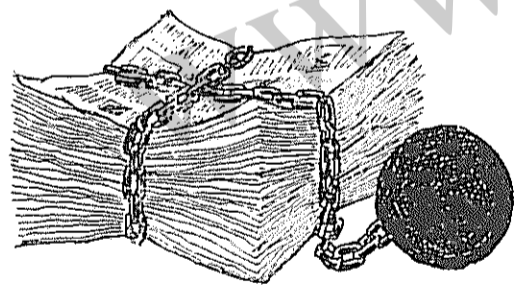
سازمان دموکراتیک - ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

هواداران اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران)

کشور، که از همان محله تامل کشور خواستار تغییر این سیستم‌اند. اما نقطه محوری حمله امروز، متوجه ولایت فقیه، سرمنشا تمامی مقامات غیرانتخابی است. تا جایی که در صرف خود رژیم نیز، موجب شکاف شده است و شعار ما امروز باید الفای ولایت فقیه و به رسمیت شناختن حق انتخاب مردم باشد. این شعار در مغایرت با شعار استراتژیک ما و هدف سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه حلقه‌ای برای رسیدن به چنین آماجی و ایجاد امکان تحقق آن است.

جدیدی نیست. این تضاد از همان بدو وجودیت این رژیم، وجود داشته و ذاتی آن است. اما آنچه که پرداختن به این مسأله و طرح شعارهای مشخص در مبارزه بین خواست جمهوری و دفاع رژیم از ولایت را، بعد از حادثه دوم خرداد، ضروری ساخته است، تأکید یکپارچه مردم بر تفوق بخشیدن حق به جمهوری، برای مقابله با ولایت است. این تضاد فقط در بالا نیست که به صراحت خود را نشان می‌دهد، بلکه در تمامی سطوح جامعه، از محله تامل تا کل کشور، سیستم انتصابی حاکم، حی و حاضر است. مردم نه فقط در سطح



خراد در کنار ۲۲ میلیون هموطن آگاه خود به آزادی و عدالت و قانونمداری رای دادیم و به سهم خود در شکست طرفداران خودکامگی و انحصارطلبی موثر واقع شدیم». خسانم شیرین عبادی در این محاکمه پس از تأکید بر موارد حقوقی پرونده مطرح نمود: «در پرونده‌ای که رسیدگی می‌کنید وزارت کشور و یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا هیچ مقامی و مرجع رسمی و دولتی شاکه نیست بلکه این پرونده بر اساس شکایت فردی تشکیل شده است که هر چند هویت واقعی او مشخص نیست اما نیت حقیقی و محرک او کاملاً روشن و واضح است. موکل نیک می‌داند (زیرا بارها تهدید شده است) که اگر از این دادگاه به سلامت بیرون رود از طریق دیگر مورد آزار قرار خواهد گرفت. شاید اتهامی دیگر، افترا بی لوی افشاگری، حمله و آتش زدن، تصادفی دروغین تهدید به قتل، سارقینی که نه به قصد مال بلکه با نیت جان و هزاران و هزار اتفاق دیگر که شاید در راه باشد. اما این بهایی است که ایرانی آزاددهای باید بپردازد.

کرده و می‌کنند، مسئولینی را به محاکمه‌بخوانند که از اجرای مهم‌ترین اصول قانون اساسی سر باز زده و آنها را معطل گذاشته‌اند و حقوق امثال مرا تضییع کرده و می‌کنند. متأسفانه آنها در اینجا حضور ندارند. شکایت علیه «گزیده اخبار» را پنج‌سال بعد از انتشار آن و در حالی که هم اکنون دهها نشریه نظیر آن از سوی گروه‌ها و انجمن‌های گوناگون رسماً انتشار می‌یابد، و آنهم در دوران ریاست جمهوری دولت مدافع آزادی و جامعه مدنی به چه چیز می‌توان تفهیم کرد؟ جز آنکه باید گفت مرا محاکمه می‌کنند زیرا در برابر ناپساامانها و ستم‌ها و کجروپها سکوت نکرده‌ام و در بیان آزاد عقاید خود تسلیم زور و فشار نشده‌ام و باربابان قدرت و ثروت راه ممشات را پیش نگرفته‌ام. این شکایت چه معنایی جز کارشکنی در سیر تحقق آزادی و جامعه مدنی دارد؟ علیه ما به دادگاه شکایت می‌برند زیرا در همه سالهای سخت و تیره از حقوق مسلم مردم و آرمان‌های انقلاب و آزادی و عدالت دفاع کرده‌ایم. ما را محاکمه می‌کنند زیرا در انتخابات دوم

خلاف حق و قانون، آزادی و امنیت را از مخالفان خود سلب کنند و در مقابل‌روا ندارند که ما از ابتدائی‌ترین حق طبیعی که حق دفاع از امنیت و حیثیت و آزادی فردی است و آنهم در نازل‌ترین شکل آن، بهره‌مند شویم؟ این محاکمه، محاکمه حق آزادی بیان و عقیده یا اساساً حق زندگی انسانی است. باید کسانی به محاکمه فراخوانده می‌شدند که با قانون شکنی و تجاوز به حقوق عمومی، با محروم کردن ما و همه طبقات محروم و نیروهای ناوابسته به اربساب قدرت و ثروت از حقوق اساسی‌شان، سنتهای الهی و قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر را نقض

دفاعیه دکتر پیمان در محاکمه بخاطر یک «جرم مطبوعاتی»

بدیم؟ آنان اجازه دارند در جراند پرتیاز رسمی خود که بعضاً با پول بیت‌المال اداره می‌شود و هر اتهام ناروا و فحش و ناسزا نثار مخالفان خود کنند و بدون پروا از خدا و قانون و یا ترس از حساسی و بازخواست از سوی قوه قضائیه حتی از زدن برچسب خیانت به افراد خودداری نورزند. و یا با حمله و سنگ‌پرازی به درو پنجره خسانه مسکونی و نوشتن مطالبی زنده‌پر در و دیوار خانه و کوچه‌های محله مسکونی و اخراج از کار و محروم کردن از اشتغال و مخالفت از مسافرت به خارج از کشور و انواع دیگر تضییقات و محدودیت‌های

کسی است که پنجاه سال بی‌وقه از حقوق مسلم انسانی و قانونی خود و دیگر مردم دفاع کرده و برای اعتلای حقیقت و تحقق آزادی و عدالت مبارزه کرده است. از دیدگاه قانون به لحاظ حقوق انسانی و خدادادی چه تفاوتی میان ما و کسانی است که اجازه یافته‌اند از همه امکانات گسترده و برای تبلیغ نظریات خود در روزنامه‌های کثیرالانتشار با صدها هزار تیراز و رسانه‌های جمعی با میلیونها مخاطب استفاده کنند ولی در مقابل ما اجازه نداریم، چند صفحه مطلب را بصورت زیراکسی در چند دهنسخه تکثیر و بدست علاقمندان

چندی قبل دکتر حبیب‌الله پیمان به اتهام انتشار مجموعه گزیده اخبار دستگیر و محاکمه شد. دفاعیه دکتر پیمان و وکیل وی خانم شیرین عبادی در آخرین شماره گزیده اخبار انتشار یافته‌است. آقای دکتر پیمان در دفاعیه خود پس از توضیحاتی در مورد درخواست چندباره امتیاز یک نشریه اجتماعی و عدم پاسخ به این درخواست برای مدتی طولانی و سپس رد آنها داده و مطرح کرد: «محاکمه من به بهانه نشر «گزیده اخبار» محاکمه کسی نیست که قانون را زیر پا نهاده و یا حقوق عمومی را نقض کرده است. محاکمه

«کنگره پنجم و مسئله ملی در ایران»

الف - ایلی

بررسی گذرای مجموعه مصوبات و اقدامات سازمان در طی حداقل چند سال اخیر حاکی از نمایشی از نوسانات و ناهمگرایی برخوردار است به امر مسئله ملی به شمار می آید. در طی این روند سازمان با برخوردهای متناقض خود که بیشتر می توان آن را در چارچوب فقدان یک سیستم فکری منسجم نسبت به مسئله ملی عنوان نمود نشان داد که تا چه حد مسئله ملیت‌های کشور برخلاف همه ادعاهای اسناد کلیدی سازمان منجمده کنگره اخیر که از آن به عنوان مسئله‌ای غامض یاد می‌گردد، از درجه افت و بی‌اهمیتی برخوردار است.

روند این پدیده در سازمان بویژه به دنبال کنگره اول با سیری نزولی همراه بوده است و بازتاب نظرات و افکار موجود در این عرصه در نشریه‌های از فرسایش دانشی خصلت رادیکالیسم آن بوده و مسائلی که در این رابطه در گذشته طرح گردیده و قیاس آن با نظرات و مصوبات جدید که مصوبات کنگره پنجم نمونه برجسته آن به شمار می‌آید، میزان دوری نظرات غالب سازمان را از پرداختن جدی نسبت به یکی از بطن‌ترین مسائل جامعه ما به نمایش می‌گذارد.

فدراتیو ایران و یا بر اخراج از آن قرار می‌گیرد» (تاکیدات از من) این تزه‌های پیشنهادی که برای ارائه به کنگره دوم تدوین گردیده بود در عین حال که از بار معین دموکراتیک برخوردار بود، از سوی دیگر صفت‌بندی مشخص در تفاوت از جریانات ملی‌گرا داشت. با از میان برداشته شدن گروه کار خلاقا و پس از گذشت ۶ سال از طرح این نظرات در سازمان، کمیسیون اسناد و سازماندهی بحث‌های نظری سازمان، سندی را تحت عنوان «دیدگاه‌ها و آماج‌ها در نشریه شماره ۱۶۹ منتشر می‌نماید که اساسا چه به لحاظ شکل ارائه و چه در رابطه با مضمون مسائل مطروحه در آن، تفاوت‌های کیفی با مسائل عنوان شده در تزه‌های پیشنهادی داراست. این سند تقریبا با همین شکل و تنها با حذف عبارت «ما حق تعیین سرنوشت ملل را یک پرنسپ می‌دانیم» یعنی تنها زنجیره‌ای که می‌توانست تحت آن اعتقاد به دموکراسی در حل مسئله ملی توجیه گردد، در کنگره پنجم به تصویب رسید.

قبل از پرداختن به مضمون و موارد فوق، سؤال این است که در طی چند سال اخیر واقعا چه تغییراتی در عرصه مناسبات ملی و بین‌المللی روی داده است و چه پارامترهای نوینی وارد سیاست نوین جهانی گردیده است که امروز سازمان را به مثابه یک نیروی چپ و معتقد به سوسیالیسم واداشته تا حد موضع‌گیری یک جریانی ملی‌گرا نزول نماید. این تغییر موضع تنها و تنها می‌تواند بر دو بستر صورت پذیرد، یا بر بستر تغییر شرایط اجتماعی - سیاسی جامعه و یا بر بستر تغییر خط مشی سیاسی حکم‌برایان و پذیرش آماج‌های دیگر. اگر بر آن اعتقاد هستیم که شرایط و مناسبات حاکم بر زندگی خلق‌های کشورمان هنوز به آن درجه از تغییرات کیفی فراتر رفته است که ضرورت اتخاذ سیاست‌های نوینی را طالب باشد، پس این مسئله را تنها می‌توان در چارچوب گرایش‌های فکری و خط مشی سیاسی سازمان مورد ارزیابی قرارداد، زیرا همانگونه که از این مصوبه برمی‌آید، در برخورد نسبت به مسئله ملی اساسا دیگر سخنی از تصمیم‌گیری و اراده قاطبه ملل ساکن کشور و داشتن حق برای تعیین سرنوشت خویش در میان نیست و چرخش مضمونی در برخورد سازمان نسبت به مسئله ملی به قدری گریاست که نیازی به تحلیل و تفسیر ندارد.

اما در رابطه با بند ملیت‌ها که از جمله موارد سند دیدگاه‌ها و آماج‌های مصوبه در کنگره را عبارت می‌سازد، در یک نگاه جوهره غیردموکراتیک آن چه در شکل برخورد و چه در موارد مضمونی نمایان می‌گردد. اگر مسائل مطروحه در این بند به زبان ساده‌تر بیان گردند می‌توان آن را بدین صورت فرمولیزه نمود:

ملل ساکن کشور با هم برابرند، آنها آزادند که با هم زندگی کنند منتصبی در یک کشور واحد، آنها می‌توانند در

مناطق سکونت خویش از اختیارات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار باشند، یعنی خودمختاری ملی - فرهنگی داشته باشند که این را به زبان امروزی فدرالیسم منطقه‌ای می‌نامند. ملل ساکن کشور حق جدانشدنی از ترکیب کشور واحد را ندارند، ملل ساکن ایران حق ندارند که یکی از جمهوری‌های متحد ایران را تشکیل دهند و از دولت خودی برخوردار باشند، در ایران فقط یک دولت می‌تواند وجود داشته باشد و مناطق خودمختار ملی در چارچوب سیاست‌های این دولت موضوع‌گیری می‌کنند.

موارد ریزشده بند ملیت‌های مصوبه کنگره که واقعا درکی غیر از آن را نمی‌توان برداشت نمود، در عین حال خود با تناقضاتی نیز همراه است. از سویی به ملل ساکن ایران حق داده می‌شود که اگر می‌خواهند می‌توانند با هم آزادانه و داوطلبانه زندگی کنند ولی از سوی دیگر این امر مشروط گردیده و این آزادی تنها در چارچوب کشور واحد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در واقع به جانب دیگر مسئله توجیه نشده است که اگر ملل ساکن کشور نخواهند واقعا چه تغییراتی در عرصه مناسبات ملی و بین‌المللی روی داده است و چه پارامترهای نوینی وارد سیاست نوین جهانی گردیده است که امروز سازمان را به مثابه یک نیروی چپ و معتقد به سوسیالیسم واداشته تا حد موضع‌گیری یک جریانی ملی‌گرا نزول نماید. این تغییر موضع تنها و تنها می‌تواند بر دو بستر صورت پذیرد، یا بر بستر تغییر شرایط اجتماعی - سیاسی جامعه و یا بر بستر تغییر خط مشی سیاسی حکم‌برایان و پذیرش آماج‌های دیگر. اگر بر آن اعتقاد هستیم که شرایط و مناسبات حاکم بر زندگی خلق‌های کشورمان هنوز به آن درجه از تغییرات کیفی فراتر رفته است که ضرورت اتخاذ سیاست‌های نوینی را طالب باشد، پس این مسئله را تنها می‌توان در چارچوب گرایش‌های فکری و خط مشی سیاسی سازمان مورد ارزیابی قرارداد، زیرا همانگونه که از این مصوبه برمی‌آید، در برخورد نسبت به مسئله ملی اساسا دیگر سخنی از تصمیم‌گیری و اراده قاطبه ملل ساکن کشور و داشتن حق برای تعیین سرنوشت خویش در میان نیست و چرخش مضمونی در برخورد سازمان نسبت به مسئله ملی به قدری گریاست که نیازی به تحلیل و تفسیر ندارد.

اما در رابطه با بند ملیت‌ها که از جمله موارد سند دیدگاه‌ها و آماج‌های مصوبه در کنگره را عبارت می‌سازد، در یک نگاه جوهره غیردموکراتیک آن چه در شکل برخورد و چه در موارد مضمونی نمایان می‌گردد. اگر مسائل مطروحه در این بند به زبان ساده‌تر بیان گردند می‌توان آن را بدین صورت فرمولیزه نمود:

ملل ساکن کشور با هم برابرند، آنها آزادند که با هم زندگی کنند منتصبی در یک کشور واحد، آنها می‌توانند در

نشان می‌دهد که مالکیت خصوصی یک شکل از خود بیگانه شده وجود نوعی انسان است. او کمونیسم را به بی‌خویشی انسان یا به عنوان بازگشت کلی انسان به خویش تعریف کرد. به عقیده هیروماتسو، مشکل در این است که او مفهوم از خودبیگانگی را در متن دیالکتیک هگل «ذهن - عین» بکار می‌برد؛ به‌طوریکه منطق وی فقط به جانشین کردن «وجود نوعی» به جای «روح مطلق» هگل به مثابه ذهن خودبخود بی‌خویش می‌پردازد. این شیوه استدلال چیزی جز شیوه استدلال ایده‌آلیسم یا وارونه‌سازی ایدئولوژیک نیست، در واقع ما این‌جا با منطقی روبرویم که نخست وجود نوعی انسان، بعد

اراده توده‌هاست که عنوان می‌گردد. بیان این گونه پرنسپ‌ها شکلی دو وجهی دارد، یعنی یک وجه آن تلاش و پیکار همه‌جانبه در حدی که اتحاد دیرینه ملل ساکن کشور تا جای ممکن دشنده‌دار نگردد مورد ملاحظه قرار می‌دهد و وجه دیگر این اعتقاد را دارد که اگر یکی از ملل ساکن کشورمان یا دیدی همه جانبه و با در نظر داشت و سنجش تمامی موارد خود را آماده می‌بیند که از کشور واحد جدا شود و در خود توان پیشبرد مستقل اداره امور را می‌بیند و برای رشد و بالندگی آتی خویش آن را یگانه راه می‌داند، در آن صورت این حق را داشته باشد که سرنوشت خود را آنگونه که مصلحت می‌داند، رقم زند.

پیشبرد امر دموکراسی در مناسبات ملی کشورمان بازتاب به مراتب وسیع‌تری را می‌تواند برای کشور ایران که از ملل مختلفی تشکیل شده است در بر داشته باشد. سیاست ملی که سازمان در کنگره به تصویب رساند می‌تواند تقریبا در تمامی کشورها و حتی آن کشورهایی که تک‌ملیتی هستند پیش‌برده شوند. نمونه شاخص آن همین کشور آلمان است که بر مبنای ساختار فدرالیسمی مشابه نظرات سازمان اداره می‌گردند. از این رو در چارچوب دیدگاه فوق اساسا ضرورتی نداشت که در سند دیدگاه‌ها و آماج‌ها بند مستقلی بنام ملیت‌ها آورده شود و می‌توانست در چارچوب ساختار حکومتی پیشنهادی سازمان، به جای واژه ملیت‌ها از کلمات دیگری چون استان‌ها، ایالات و غیره استفاده گردد. سخن آخر آنکه علیرغم تاکیدات مکرری که سازمان بر یک توجهی نسبت به مسئله ملی داشته و دارد، با این وجود در جهت رفع این نقصان هنوز اقدام شایسته‌ای صورت نپذیرفته است و این مسئله کم‌توجهی با گذشت زمان با سیمای دردناک‌تری ادامه می‌یابد. در کنگره اخیر جدا امید آن می‌رود که به این مسئله به طور جدی پرداخته شده و مصوبه‌ای شایسته خصلت و حیات گذشته سازمان از آن بیرون آید. اما برخلاف همه انتظارات مشاهده می‌گردد که هنوز در ذهنیت غالب در سازمان مسائل جانبی دیگری و قسما لحظه‌ای اتخاذ سیاست مسی‌نماید. گسترش تظاهرات دانشجویی در ماه‌های اخیر موجب تشکیل کمیسیون جوانان در کنگره سازمان می‌گردد. ولی بررسی مسئله دیرینه و بغرنجی چون مسئله ملی در همان سطح سابق خود باقی می‌ماند و تنها به نگارش چند سطر در اسناد بسنده می‌گردد. مصوبه اخیر تنها و تنها تجسم و برآیند پیکار اندیشه‌هایی است که در سازمان جاری است و اگر بدان اعتقاد داریم که اندیشه چه در سیمای نوین خود به سمت تعیین‌یابی نهایی حرکت می‌کند پس در این راستا و تا ظرف مندی واقعیت‌ها باید که طبق پیام کنگره پنجم بدان باور داشته باشیم که اندیشه دموکراسی و اندیشه سوسیالیسم هم آردمان و هم چراغ راهنمای ما در هر عمل روزمره‌مان باید باشد.

بی‌خویشی وی و سرانجام فرارفت از بی‌خویشی را مطرح می‌کند. با اینهمه ملاحظه می‌شود که یک عنصر ایدئولوژیک، عنصر «وجود خاص، اساسی و غیراز خود بیگانه انسان» با این مفهوم وجود نوعی درمی‌آمیزد. این‌جا او در فرض ذاتا انتزاعی و فراتاریخی مشابه با فرض روح مطلق که در واقعیت وجود ندارد، درمی‌غلتد. آنچه دست نوشته‌های ۱۸۲۴ را توصیف می‌کند، وارونه سازی ایدئولوژیک است.

برعکس، مارکس در ایدئولوژی آلمانی (۴۶ - ۱۸۲۵)، پس‌پذیرش منطق شی‌وارگی را به جای منطق از خود بیگانگی (بی‌خویشی) آغاز می‌نهد. هیروماتسو می‌گوید طبق این منطق (منطق شی‌وارگی)، روابط اجتماعی

با همکاری کنید

با ارسال خبر، مقاله، عکس و طرح به پریارتر شدن کار یاری رسانید. در مورد مطالب ارسال، توجه خوانندگان و همکاران راه دور نشریه را به موارد زیر جلب می‌کنیم:

- ۱- مطالب ارسال برای نشریه کار باز پس فرستاده نمی‌شوند.
- ۲- «کار» در انتخاب مقالات دریافتی و کوتاه کردن، حکم و اصلاح مطالب با حفظ نظر نویسنده آزاد است. ارسال مطلب برای نشریه کار به معنی پذیرش این امر است.
- ۳- مقالات خود را بر یک روی کاغذ، خوانا و یا فاصله از لبه‌های کاغذ بنویسید.
- ۴- کار از درج مقالات طولانی و حداکثر بیش از یک صفحه نشریه معذور است.
- ۵- کار مقالاتی را درج خواهد کرد که تنها برای این نشریه ارسال شده است.

مقالات درج شده در صفحات دیدگاه‌ها و با خوانندگان بازتابگر نظرات و زوایای نگارش نویسندگان آن‌هاست.

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

دارنده حساب:	I.G.e.v	آدرس:	I.G.e.v
شماره حساب:	22 44 20 32	Postfach 260268	
کد بانک:	37 05 01 98	50515 Köln	
نام بانک:	Stadtsparkasse Köln	Germany	

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90

بهای اشتراک	اروپا:	سایر کشورها:
شش ماهه ۴۵ مارک	شش ماهه ۵۲ مارک	
یک ساله ۹۰ مارک	یک ساله ۱۰۴ مارک	
GER.....3 DM		

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام: Name:.....

نشانی: Address:.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس پست کنید!

افراد است که همزمان به صورت مشخص و واقعی عمل می‌کنند، نه ذات انتزاعی و ایده‌آلی بشر که در چهره‌های شی‌شده و مستقل افراد، شی‌واره، منجمد و نمودار می‌شود. درست همین دیدگاه است که فلسفه مارکس را در دوران کمال و پختگی‌اش تشکیل می‌دهد و در نتیجه انق معرفت شناسانه کاپیتال را به وجود می‌آورد.

هستی‌شناسی درون ذهنیت هیروماتسو برای توضیح انق جدید فلسفی استدلال خود را رقیق می‌کند. مفهوم مارکسی شی‌وارگی یا شی‌زدگی بر خلاف آنچه معمولاً می‌پندارند، پدیده‌های عینی سازی را که مستقیما یک ذهن خاص را با یک عین خاص بنا بر شکل‌واره «ذهن - عین» که برای فکر مدرن ارزشمند است پیوند می‌دهد، مشخص نمی‌کند. برعکس، مسئله عبارت از پدیده‌های «درون ذهنی» است. پدیده‌های شی‌وارگی نه در رابطه بی‌واسطه میان یک ذهن و یک عین، بلکه تنها به وسیله یک میانجی درون ذهنی میان انسان‌ها عمل می‌کنند. در واقع، اینجا تصویب‌های درون ذهنی‌اند که خودبخود ناخودآگاه شکل می‌یابند و شی‌واره می‌شوند و به عنوان چیزی عینی در افراد نمودار می‌گردند. هیروماتسو که شکل‌واره «ذهن - عین» و دیدگاه گورگره‌ایانه را رد می‌کند، در هستی‌شناسی مارکسی موضوع درون ذهنیت را می‌یابد که به رابطه‌های اجتماعی برتری می‌دهد.

موضوعی که او قاطعانه روی آن تاکید می‌کند، این است که فلسفه شی‌وارگی از انق درک «مدرن» جهان فراتر برخواهد آمد.

فلسفه شی‌وارگی در تقابل با فلسفه از خود بیگانگی مارکس در دست نوشته‌های ۱۸۲۴

گرایش‌های مارکسیسم معاصر...

بقیه از صفحه ۹

«واقعی» در ژاپن باید مفهوم‌های فرد، حقوق بشر، جامعه مدنی و غیره را جذب کند (رجوع کنید به شی‌جی موشی سسوک (۱۹۶۶) و کموهر هاناساکی (۱۹۳۱) و غیره). در مجموع ریشه‌دار شدن مارکسیسم به عنوان تئوری واقعی رهنائی، کوشش‌های شایسته‌ای می‌طلبید.

۴- فلسفه شی‌وارگی

دستگاه اندیشگی شی‌وارگی کاملاً معلوم و شناخته است. بدینی است که در این باب بدوا کتاب لوکاچ «تاریخ و

استرالیا هم جمهوری می شود

ما ایرانیان بهتر از هر کسی می دانیم که گذار از شیوه حکومت سلطنتی به جمهوری اتفاق ساده‌ای نیست که در تاریخ یک کشور رخ می‌دهد. روز ۱۳ فوریه، روزی است که این اتفاق در استرالیا به وقوع پیوست و در تاریخ این کشور بعنوان روز «جمهوریت» ثبت خواهد شد. استرالیا تا به امروز به عنوان مستعمره بریتانیای کبیر و ملکه الیزابت دوم پادشاه آن بود. در کامبرا پایتخت استرالیا مجلس تدوین قانون اساسی که نمایندگان بومیان این کشور نیز در آن حضور داشتند در بعد از دو هفته شور و مشورت طرح قانون اساسی جدیدی را تهیه کرد که با اکثریت آرا ۸۹ بر ۵۲ نفر به تصویب رسید.

سال آینده قانون اساسی «جمهوری» استرالیا به فرزندوم عمری گذاشته خواهد شد. متخصصان مسائل سیاسی استرالیا هیچ شکی ندارند که این قانون اساسی در فرزندوم عمومی توسط مردم پذیرفته خواهد شد.

اولین رئیس جمهور استرالیا در روز اول ژانویه ۲۰۰۱ کار خود را آغاز خواهد کرد. بحث‌های عمده میان جمهوری خواهان در روزهای تدوین قانون اساسی جدید حول محور تعیین اختیارات و وظایف رئیس جمهور بود. برخی خواهان اختیارات بیشتری برای مقام ریاست جمهوری، همانند سیستم ایالات متحده، بودند و گروهی دیگر مدل «مقام تشریفاتی» رئیس جمهور را مد نظر داشتند. مدل گروه دوم با کسب اکثریت آرا به تصویب رسید. در سال ۲۰۰۱، رئیس جمهور از طریق کسب دوسوم آرا از میان هر دو مجلس قانونگذاری انتخاب می‌شود.

ملکه انگلیس و جان هورارد نخست‌وزیر انتصابی استرالیا در برابر تدوین قانون اساسی و جمهوری، اعلام کردند این امر مسئله مربوط به مردم استرالیا است. اینک سؤال اینست که در پانزدهم سپتامبر سال ۲۰۰۰ مراسم المپیک توسط چه کسی افتتاح خواهد شد و آیا مردم استرالیا هنوز تمایلی به افتتاح این بازی‌ها توسط ملکه انگلیس دارند یا نه؟

زلزله در افغانستان

هفته گذشته زلزله مهیبی با قدرت بیش از ۶ ریشتر شمال شرقی افغانستان را به لرزه درآورد. بر اساس اولین آمارها بیش از ۲۲۰۰ نفر بر اثر این زلزله کشته و هزاران نفر زخمی شدند. بر اساس گزارش‌های رسیده حدود ۳۰۰۰۰ نفر بی‌خانمان شده‌اند که در اثر سرمای کوهستانی و نابودی آذوقه‌های انبار شده در خطر گرسنگی قرار و بیماری قرار دارند.

به علت ریزش برف و سبب‌العمور بودن مناطق زلزله‌زده هنوز بعد از گذشت یک هفته کمک‌رسانی به بازمانده‌گان این فاجعه به سختی امکان‌پذیر است. روز چهارشنبه گذشته اولین هلی‌کوپتر که حاوی ۲ تن دارو، پستو و سایر کمک‌های توانست در شهر روستک فرود آید اما به علت خرابی راه‌ها و نبود امکانات همین کمک‌های ناچیز نیز در مرکز استان باقی ماندند. بنا بر گزارش سازمان ملل قرار است با برقراری یک پل هوایی و پرتاب محموله‌های کمکی بر روی مناطق زلزله‌زده به بازماندگان این زلزله کمک شود.

سو قصد به جان شوار دنا دزه

اداره شوار دنا دزه، وزیر امور خارجه شوروی سابق و رئیس جمهور گرجستان روز دوشنبه گذشته برای دومین بار مورد سو قصد قرار گرفت و جان سالم بدر برد. در این ترور که ۱۵ مرد مسلح با نارنجک و مسلسل‌های خودکار به سوی بنز ضد کلوله وی حمله بردند در تن از محافظان شوار دنا دزه به قتل رسیدند. گفته می‌شود مسئولیت هر دو ترور به عهده ایگور گیورگادس (رئیس قبلی سازمان امنیت گرجستان) که بعد از اختلاش با شوار دنا دزه به روسیه گریخت، می‌باشد. دولت تفلیس خواستار بازپس دادن وی شده است.

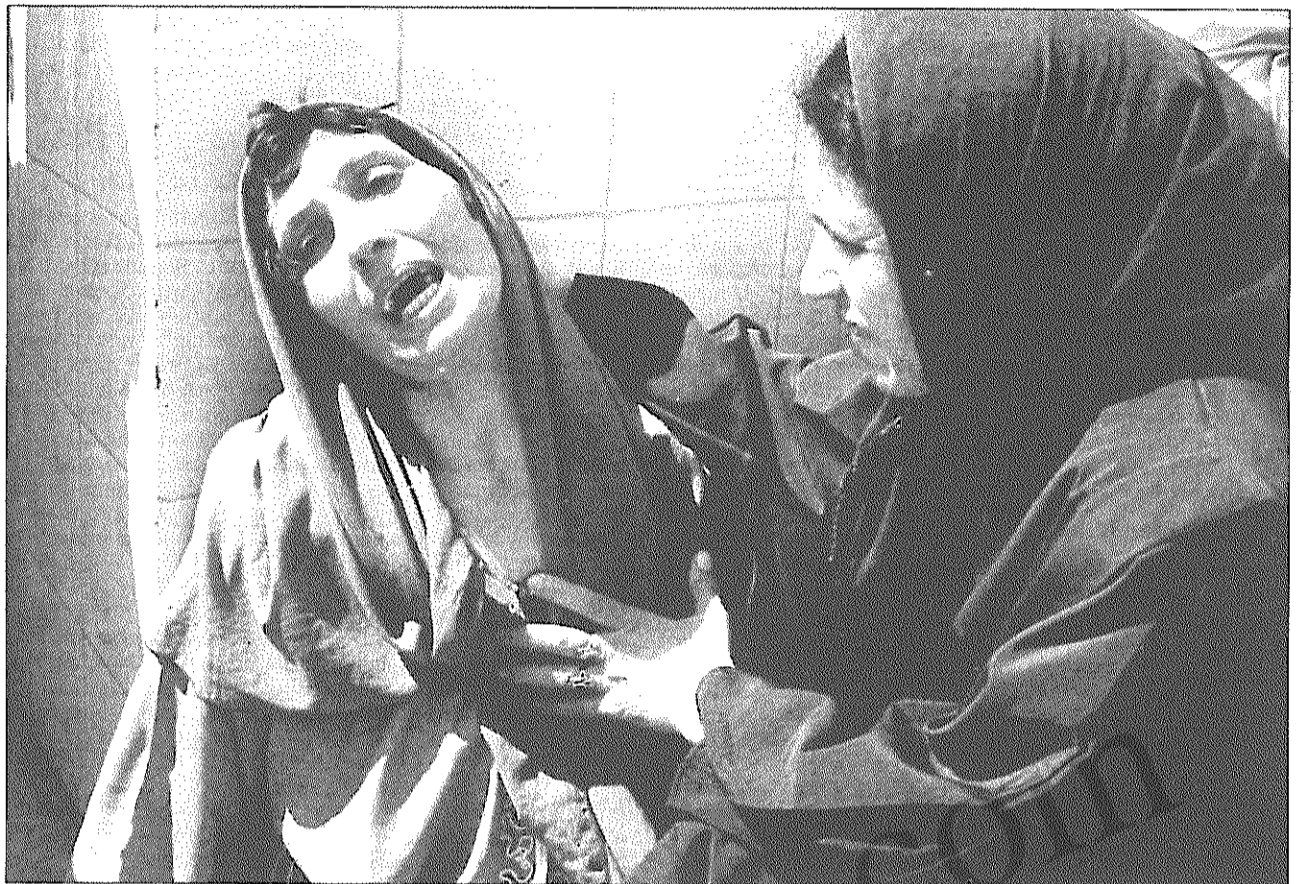


این گروه‌ها در ماه مه وارد شهر ژنو می‌شوند و در مقر سازمان جهانی کار به هم می‌پیوندند.

تاکسون بیش از ۶۰۰ سازمان سندیکایی، کلیساها و حقوق بشر از ۹۵ کشور جهان اعلام همبستگی و پشتیبانی نموده‌اند که تا آغاز کنفرانس تعداد آن به بیش از ۱۰۰۰۰ سازمان خواهد رسید. یونیسف و فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران نیز همبستگی خود را با این اقدام اعلام نموده و در این راهپیمایی شرکت خواهند داشت. همچنین دفتری برای هماهنگی «مارش جهانی علیه کار کودکان» با شرکت ۲۷ نفر از ۱۷ کشور جهان در شهر دهلی‌نو ایجاد گردیده است.

کودکان تولید نشده‌اند و از شرکت‌ها و کارخانجات می‌خواهد نسبت به رعایت این امر تعهد نمایند.

همچنین هدف از این راهپیمایی بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده‌هایی می‌باشد که مجبورند برای تامین هزینه زندگی از نیروی کار کودکان خود استفاده نمایند. «مارش جهانی علیه کار کودکان» در روز ۱۷ ژانویه از مانیل آغاز شد. همچنین در آمریکای لاتین روز ۲۵ ژانویه و از شهر سانتوپولو دومین گروه به حرکت درخواهد آمد و بالاخره آخرین گروه از آفریقا در روز ۲۱ مارس در کشور آفریقای جنوبی راهپیمایی خود را آغاز خواهند کرد.



هان ادیمان! لحظه‌ای درنگ کنید، بخرید که چگونه در اتش جنگ می‌سوزم، من یخ مادرم، من الجزایرم، جدر فرشته‌هایم در خون غلیظه‌اند. آنان پاره‌های تن من بودند. من پاره‌ای از تن شما هستم. درد مرا حس کنید، به حال من اشک نریزد، به وظیفه‌تان عمل کنید. به این درد بیکران پایان دهید. عفریت مرگ را از خانه‌ام دور کنید. عکاس این عکس به پاس تصویر هنرمندانه‌ای که از «رنج الجزایر» گرفته است، از سوی هیات داوری ۴۱ خبرگزاری بین‌المللی تقدیر شده و اثر او به عنوان عکس سال انتخاب شده است.

سوهار تو دیکتاتور اندونزی به مردم چنگ و دندان نشان می‌دهد



بیشتری برخوردار می‌گردد. طی چند روز گذشته حزب دولتی «گلکار» اسامی حبیبی که وزیر امور تحقیقات و از نزدیکان سوهارتو می‌باشد و هارموکو رهبر این حزب را بعنوان جانشین ریاست جمهوری اعلام نمود، گفته می‌شود تمایل شخصی سوهارتو برای معاونت ریاست جمهوری بیشتر به حبیبی است.

جمهوری شده است. اکاهان سیاسی این‌بار با حساسیت بیشتری جریان این انتخابات را دنبال می‌کنند. سوهارتو که اینک ۷۶ ساله است حتی در صورت پیروزی در انتخابات بعید بنظر می‌رسد که بتواند دوره کامل ریاست جمهوری را از سر بگذراند. به همین دلیل است که مقام معاونت ریاست جمهوری از اهمیت

«Nation» قرار است طی روزهای آتی اندونزی ارسال شود. متعاقب این ناآرامی‌ها سوهارتو دیکتاتور اندونزی دست به تغییر و تحولاتی در سطح رهبری ارتش زد. در این جایجایی‌ها ژنرال فیصل تانگ‌یونگ از سمت خود برکنار و ژنرال ویرانتو به جای وی گمارده شد. گفته می‌شود ژنرال ویرانتو از طرفداران خط مشی «مشیت آهنین» است. همچنین وی داماد خود «پرابو» را به سمت فرماندهی گارد ویژه گمارد.

سوهارتو در مراسم جایجایی ژنرال‌ها اعلام کرد: ارتش به سختی و با قدرت تمام در برابر هرگونه «شورش و قانون‌شکنی» به مقابله برخواید خواست. وی از سوی دیگر اعتراف نمود که دولت هنوز موفق نشده است بر بحران اقتصادی غلبه نماید.

در اوایل ماه آینده کشور اندونزی شاهد انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود و سوهارتو نیز برای هفتمین بار کاندیدای ریاست

هفته گذشته جاکارتا پایتخت اندونزی شاهد تظاهرات مردم این کشور بر علیه گرانی بود. مردم با فریاد (آزادی، آزادی) و (قیمت‌ها را کاهش دهید) در مقابل وزارت دادگستری و مجلس این کشور به تظاهرات پرداختند. متعاقب آن پلیس ۱۴۰ نفر را بازداشت نمود. بنا بر گزارش روزنامه «کومپاس» مشابه این تظاهرات نیز در شهر بومیایو، واقع در ۳۰۰ کیلومتری شرق جاکارتا، برگزار گردید که بر اثر حمله تظاهرکنندگان به چهار فروشگاه آسیب‌هایی وارد آمد. روز یکشنبه ارتش به سوی مردم به جان آمده از فقر و گرانی، آتش گشود و بیش از ۲۴۰ نفر در جریان این تیراندازی زخمی شدند.

این ناآرامی‌ها در ادامه بحران اقتصادی کشورهای موسوم به بره‌های آسیا در کشور اندونزی به وقوع می‌پیوندد. شدت بحران در اندونزی به حدی است که حتی کشور تایلند که خود نیز در بحران اقتصادی بسر می‌برد، اقدام به کمک نموده است. بنا بر گزارش روزنامه «The

راهپیمایی جهانی علیه کار کودکان

جهان کار کودکان ممنوع می‌باشد، اما تجارب نشان می‌دهد که وضع قوانین به هیچ وجه برای مبارزه با این امر کافی نیست. تعداد زیادی از سازمان‌های غیر دولتی طی سالهای گذشته تمامی همت خود را در امر مبارزه با کار کودکان گذاشته‌اند. این مبارزه طی مدت بسیار کوتاهی اثرات خود را در صنعت نساجی بانی کشورهای هندوستان، نپال و پاکستان که بطور عمده با استثمار و استفاده از نیروی کار کودکان صورت می‌پذیرد، نشان

بر اساس تخمین سازمان جهانی کار ILO بیش از ۲۵۰ میلیون کودک برای رفع مایحتاج زندگی خود و خانواده‌شان مجبور به کار هستند. آنان در بدترین و طاقت‌فرساترین شرایط کار می‌کنند و اغلب از پایین‌ترین سطح دستمزد برخوردارند. این کودکان به‌جای برخورداری از امکان آموزش و تحصیل مجبورند در مزایع، کوره‌های آجرپزی و سایر رشته‌های اقتصادی کار نمایند. هرچند که بر اساس قوانین بین‌المللی تقریباً در تمامی کشورهای

سپتامبر سال ۱۹۹۶ دعوت به «مارش جهانی علیه کار کودکان» در سراسر گیتی نموده‌اند.

هدف از اعلام این راهپیمایی جهانی:

- جلوگیری از استثمار کودکان،
- ثبت حقوق قانونی آنان برای استفاده آموزش و پرورش،
- همچنین از تمامی دولت‌های جهان خواست شده است که با امضا و تعهد به این کنوانسیون در رعایت حقوق کودکان کوشا باشند و در اجرای برنامه‌های آموزشی برای کودکان اهمیت اساسی قائل شوند،
- علاوه بر این باید تمامی کالاها با مارک مخصوصی علامت‌گذاری شوند که اثبات می‌نماید این کالاها توسط

داد، اوائل ماه ژوئیه امسال قرار است سازمان جهانی کار در ژنو قطعنامه‌ای را جهت ممنوعیت کار کودکان تهیه و برای تصویب آن به کنفرانس جهانی این سازمان در سال ۱۹۹۹ ارجاع نماید. گروه‌های مبارزه با کار کودکان در آسیا، گروه Anti-Slavery International در انگلیس و Labour Rights Fund از ایالات متحده آمریکا به همین خاطر روز ۷